هفت صبح

ویژه آخر هفته

HAFT-E-SOBH

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی ایران
پنجشنبه | ۱۱ مرداد ۱۴۰۳
۱۶ صفحه
شماره ۳۸۳۱
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

مراقب کلاه روی سرتان باشید!

همه استعلام‌هایی که باید قبل از خرید زمین و خودروی دست دوم انجام دهید

● مرگ شاعر در سد کرج / قصه های گمشده / پاورقی روزهای فرد ● صلیب شکسته و عضوگیری در تیک تاک / طرفداران نازی‌ها با ده‌ها میلیون بیننده پشت حساب‌های کاربری در این شبکه اجتماعی قرار گرفته‌اند ● کنسولگری ایران در کانادا باز گشایی «نشد» اما... / همکاری جدید ایرلند و ایران تمدید و صدور گذرنامه برای ایرانیان کانادا را راحت‌تر کرده است ● یک بهانه کوچک دم‌دستی برای خلق یک جنایت / گاهی‌اوقات یک دلیل ناچیز، خشم زیادی ایجاد می کند که در نهایت منجر به کشته‌شدن یک انسان می‌شود ● این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید

تا ۳ میلیارد تومان چه بنزی بخریم؟

بررسی شش خودروی بنز در بازار که تا ۳ میلیارد تومان قیمت دارند صفحه ۰۵ را بخوانید

۱۰ مرد افسانه‌ای

پرافتخارترین قهرمانان تاریخ ورزش ایران صفحه ۱۳

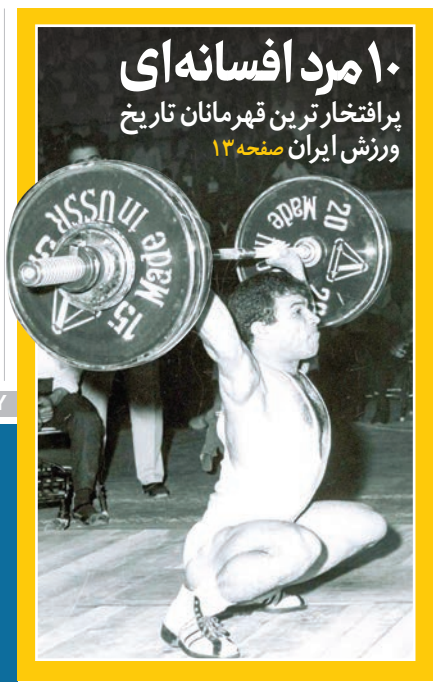

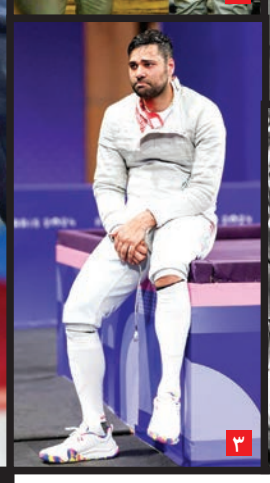

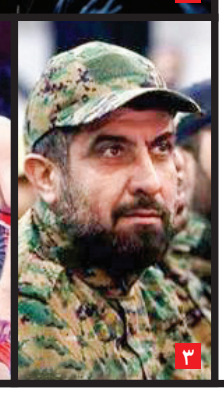

فرقه، عوامفریبی توطئه یا استعداد؟

چرا و چگونه یک خواننده ۳۱ساله ظرف مدت کوتاهی توانست به نماد موسیقی و شاید فرهنگ پاپ آمریکایی تبدیل شود؟

در بسته آخر هفته بخوانید:

● **پولامو مثل عقلم دارم از دست میدم**
شوخی‌ها و طنازی‌های شبکه‌های مجازی هفته

● **خواب سیاوش را نبین هرگز**
یادداشت‌هایی خواندنی از ابراهیم افشار، احد بابایی منیر، نادر نامدار، رضا فراهانی و حمید رستمی

● **استقلال نکونام رویایی می‌شود؟**
از قرار فهرست طول و دراز خریدهای قیمتی باشگاه آبی همچنان ادامه دارد

معادله برق و سیمان و بانک‌ها

بررسی دست‌اندازی وزارت نیرو به سهم برق اختصاصی صنایع به نفع مشترکین خانگی

● سرد بودن شعبه‌های بانک مهم است یا کارکردن کارخانه‌های فولاد و سیمان؟

فاطمه رجبی | دولت می گوید که بیشترین سهم برق را به صنایع اختصاص می‌دهد یعنی چیزی در حدود ۳۵ درصد از کل برق مصرفی در کشور را صنایع استفاده می کنند. این موضوع در نگاه اول اینطور نشان می‌دهد که دولت اولویت خوبی برای تخصیص برق به صنایع قائل است اما بررسی عدد و رقم‌های تکمیلی به ما می گوید که نیاز بخش صنعت خیلی بیشتر از اینها است. همین چند روز پیش رئیس هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق اعلام کرد که رقم عدم‌النفع صنایع به دلیل مشکلات ناشی از کمبود برق امسال فراتر از ۱۵۰ هزار میلیارد تومان خواهد رفت که این معادل سرمایه‌گذاری در ۱۰ نیروگاه ۵۰۰ مگاواتی سیکل ترکیبی و معادل ۵ هزار مگاوات برق است. شاید شما هم با دیدن این عدد و رقم‌ها بپرسید که چرا صنایع خودشان زمینه ساخت نیروگاه تولید برق سرمایه گذاری نمی کنند؟ جواب این سوال ماجرا را کمی عجیب‌تر می کند.

تا چند سال پیش که ناترازی برق تا این اندازه زیاد نشده بود و صنایع هم در ازای رفتن زیر بار قیمت‌گذاری دستوری برای فروش، برق با قیمت مناسب از دولت می گرفتند فشار خاصی برای دسترسی به برق و انگیزه کافی برای سرمایه‌گذاری در این حوزه وجود نداشت اما کم کم اوضاع رو به وخیم‌تر شدن گذاشت هم دولت و هم ابرصنایع به این نتیجه رسیدند که بهتر است خود صنایع بزرگ مانند خیلی از کشورهای جهان روی تولید برق سرمایه گذاری کنند پس تفاهم نامه‌ای بین وزارت نیرو و بعضی از صنایع بزرگ مخصوصا فولادی‌ها و پتروشیمی‌ها منعقد شد تا آنها برای برق مصرفی خودشان فکری بکنند. اسم این نیروگاه‌ها هم شد نیروگاه‌های خود تامین صنایع بزرگ. این اتفاق هم در مورد بعضی از آنها افتاد مثلا دو واحد نیروگاه تولید برق از سوی فولادمبارکه، یک واحد از سوی فولاد المهدی، یک واحد از سوی گل گهر سیرجان، یک واحد چادرملو، دو واحد توسعه معادن و یک واحد فولاد غرب آسیا در سال گذشته و امسال افتتاح شدند تا بخش صنعت بتواند بدون تعطیلی اجباری ناشی از کمبود برق، به کارش ادامه دهد.

با این اوصاف به نظر می‌رسد که مشکل این صنایع تا اندازه‌ای حل شده باشد اما گویا اینطور نیست. سایت عصر ایران نوشته که دولت برای جبران ناترازی برق به سراغ این بخش از برق تولیدی نیروگاه‌های اختصاصی صنایع هم رفته است. در این گزارش آمده: «متاسفانه باوجود همه این اقدامات و برنامه‌ریزی‌ها، مسئولین برق کشور با خلف وعده ضمن قطع برق صنایع مذکور اقدام به تصاحب برق تولیدی واحدهای نیروگاهی اختصاصی صنایع کرد. این اقدام موجب بیکاری کارگران، پایین آمدن میزان تولید، بالارفتن قیمت تمام شده محصولات و در نهایت ضرر مالی بخش تولید است. عارضه دوم سلب اطمینان صنایع به سرمایه گذاری در صنعت برق به دلیل بدقولی مسئولین برق کشور است.»

رد چنین تصمیمی را در حرف‌های علی آبادی وزیر صمت می‌توانیم ببینیم که رسما از اولویت دهی به برق رسانی به خانه‌ها می گوید: «اکنون در شرایط فوق‌العاده در تامین برق قرار گرفتیم و در نهایت تصمیم گرفته شده که اولویت برق را به منازل دهند؛ تصمیم‌گیری آن بر عهده وزارت صمت نیست اما اگر بنده بودم، حتما تامین برق را به صنعت می‌دادم.»

در حالی که او هم در همین حرف‌ها تایید می کند که بیشترین سرمایه‌گذاری در بخش افزایش ظرفیت تولید برق از سوی خود صنایع انجام شده است: «بیش از ۵۰ درصد نیروگاه‌های فعال شده در سال گذشته، عملاً نیروگاه‌هایی هستند که توسط خود ما و صنعت سرمایه‌گذاری شده است. در حال تلاش هستیم که شرکت‌های بزرگ همچون ایدرو و ایمیدرو را در این بخش فعال‌تر کنیم تا زیرساخت‌های لازم برای تولید برق را فراهم کنیم.»

این را در نظر بگیرید که علی آبادی به خاطر اشتغالش در مپنا نگاه ویژه ای به مسئله برق داشت که حتی در واردات خودروهای برقی نیز می توان این مسئله را درک کرد. پروژه خودکفایی صنایع در مسئله برق هم از ایده‌های او و مشاورینش بود که فعلا توسط وزارت نیرو به گروگان گرفته شده‌اند.

صرفه‌جویی بانک‌ها معادل مصرف ۵ کارخانه سیمان

برای اینکه به اهمیت برنامه‌ریزی برای رساندن برق به صنایع پی ببریم اضافه کردن حساب و کتاب‌هایی که در همین چند روز اخیر انجام شده کمک کننده به نظر می‌رسد، آمارهایی که وزارت نیرو منتشر کرده و می گوید: «به طور کلی و بر اساس بررسی‌های انجام شده، نیاز کل بانک‌های شهر تهران به برق چیزی حدود ۴۵ مگاوات است که در فصل تابستان سال جاری و به دنبال اجرایی شدن طرح‌های مدیریت بار مصرف، حدود ۱۵ مگاوات در این حوزه کاهش مصرف برق داشته‌ایم. شاید این سوال مطرح شود که این میزان صرفه‌جویی چه کمکی به مدیریت شبکه توزیع برق خواهد کرد؟ ملموس‌ترین پاسخ شاید این باشد که صرفه‌جویی انجام شده، معادل نیاز شهروندان یک شهر ۵۰ هزار نفری به انرژی برق است و نقش قابل توجهی در مدیریت بار شبکه خواهد داشت.»

اما این حساب و کتاب به تنهایی عمق ماجرا را نشان نمی‌دهد پس بد نیست حرف‌های مدیرعامل توانیر را هم بخوانیم که گفته: «مصرف برق همچنان در مدار صعود قرار دارد و در شرایط فعلی نیازمند مدیریت مصرف هستیم و در این شرایط لازم است بانک‌ها سیستم‌های سرمایشی خود را روی ۲۴ درجه تنظیم کنند چراکه این اقدام موجب کاهش ۲۰درصدی مصرف برق می‌شود و این عدد معادل مصرف ۵ کارخانه سیمان است. به طور کلی حدود ۳۵ هزار مگاوات از مجموع برق کشور در بخش سیستم‌های سرمایشی مصرف می‌شود، تغییر درجه کولر و گذاشتن آن روی ۲۴ درجه به تنهایی مصرف را ۲۰ درصد کاهش می‌دهد و عمدتا در مناطق عادی کشور که نیمه شمالی کشور را پوشش می‌دهد، کولر آبی پاسخگو است. تا پیش از این در منطقه شمال غرب ایران تنها ۱۵ درصد از مردم کولر گازی داشتند، اما این میزان اکنون به ۳۰ درصد رسیده است، در حالی که باید متناسب با منطقه جغرافیایی اقدام به خرید وسایل سرمایشی کرد.»

SMS
Telegram
WhatsApp
0920 200 17 07
شماره اختصاصی روزنامه هفت صبح برای دریافت پیام متنی ، تصویری و ویدئویی
از طریق پیامک ، تلگرام و واتس‌اپ

ستون پنجشنبه
دکتر امیررضا مافی

بهت صبح

تا ساعت چهار بامداد چهارشنبه بیدار بودم و یادداشت ستون پنجشنبه این هفته را به نام پرگار وزیر فرهنگ نوشتم و چون صبح کاری نداشتم، ساعت کوک نکردم. موقعی که برای خواب آماده می‌شدم، به سخنرانی رئیس‌جمهور در مجلس و نطق آتشینش علیه اسرائیل فکر کردم، به آینده سیاسی و اقتصادی کشور، نگران غفلت از مقوله فرهنگ و... بالاخره خوابم برد. گوشی را مثل همیشه روی حالت پرواز گذاشته بودم. یک بار ساعت هشت‌ونیم بیدار شدم و احساس کردم هنوز خوابم می‌آید، خوابیدم و کمی بعد که بیدار شدم، مثل هر روز گوشی را از حالت پرواز در آوردم و سیل پیام‌ها آمد. غرق سیلاب شدم: اسماعیل هنیه در قلب تهران ترور شد. ساعت دو بامداد، همان زمانی که من در حال نوشتن دغدغه‌هایم برای آینده فرهنگی کشور بودم. مبهوت ماندم. همان حالی که پس از شهادت شهید سلیمانی داشتم. صبح بیدار شدم و خبر را خواندم و شوکه از اتاق بیرون آمدم و تلویزیون را روشن کردم و نوار سیاه را بالای تصویر دیدم و روی زمین وا رفتم.

دیروز وقتی تشویق هنیه در مجلس را تماشا می‌کردم، پیش خودم گفتم این مرد با این همه درد چه اندازه مقاوم است. تصاویر او که در محوطه برج میلاد به دیدن نمایشگاه فلسطین رفته بود و با ماکت بیت‌المقدس عکس انداخت، مرا دلخوش به تحقق این صحنه در واقعیت کرد. اما ناگهان همان لحظه دیدن تصاویر فکری از سرم گذشت که نکند او را در تهران بزنند و لعنت به این فکر. لعنت به این گذر بی‌افسار یک تصور بد که تحققش تو را ویران‌تر می‌کند. شاید اگر این فکر در سرم شکل نگرفته بود. شاید اگر لبخند هنیه در مراسم تحلیف را ندیده بودم، خبر صبح مرا چنین آزار نمی‌داد. میهمان ما در خانه‌مان ترور شده است و این احساس خیلی بدی است. حالا آینده پیچیده‌تر می‌شود، ضربات پشت سر هم آمده و دولت در اولین روز استقرارش با یک بحران امنیتی بزرگ و با آثار بین‌المللی فراوانش مواجه است. نتانیاهو می‌داند که چطور باید با سرعت به سمت جنگ برود تا تحقیرهای متعددش کم شود. شاید اگر آن تصویر شرم‌آور تشویقش در مجلس آمریکا نبود. شاید اگر سکوت و حمایت غربی‌ها علیه جنایاتش شکل نمی‌گرفت، این خونخوار سفاک دست به چنین جنایت جسورانه و نمادینی نمی‌زد. در قلب تهران، در روز تحلیف رئیس‌جمهور جدید، اسماعیل هنیه مرد شماره یک حماس را ترور کند. ایران و جهان در سال جدید و در همین چند ماه حوادث زیادی را از سر گذرانده: از عملیات وعده صادق، تا شهادت رئیس‌جمهور، از انتخابات غافلگیرکننده و پیروزی مسعود پزشکیان تا ترور پیچیده شهید هنیه در قلب تهران. از شلیک به سوی ترامپ تا کناره‌گیری بایدن و اتفاقات پیچیده المپیک پاریس. جهان مثل دیگ جوشی است که هر لحظه ممکن است منفجر شود. پاسخ ترور هنیه در تهران باید قدرتمند و سنجیده و بی‌درنگ باشد. بی‌بی جنگ می‌خواهد و ما تنبیه او. در این معادله سخت پزشکیان و دولت تازه‌اش بحران در روز اول را چگونه مدیریت می‌کنند؟ ما امروز بیش از هر زمان دیگری در کل کشور نیاز به اتحاد داریم. روزهای سخت و تصمیم‌های بزرگ در پیش است. حالا هر شب وقت خواب فقط باید به پیروزی فکر کنیم، حتی اگر جنایتکاران شب مشغول کار باشند.

خداحافظ میهمان عزیز

درباره زمانه و زندگی مردی که دیروز در تهران به شهادت رسید

مهسا مژدهی | حوالی ساعت شش‌صبح چهارشنبه ۱۰ مردادماه، خبر ترور اسماعیل هنیه، رئیس‌دفتر سیاسی حماس در تهران، خواب را از چشم منطقه و حتی جهان گرفت. هنیه از روز سه‌شنبه برای شرکت در مراسم تحلیف مسعود پزشکیان در تهران حضور داشت. او با رهبرانقلاب و رئیس‌دولت چهاردهم دیدار کرد. آخرین تصاویر منتشرشده از او، رئیس‌دفتر جنبش حماس را در حال بازدید از برج میلاد در پایتخت نشان می‌دهد. جزئیات دقیقی در مورد اینکه ترور اسماعیل هنیه با چه روشی صورت گرفته و او در کجا ساکن بوده است، منتشر نشده. تنها برخی از گمانه‌زنی‌ها وجود دارد که محل اقامتش را در شمال تهران و محوطه کاخ سعدآباد می‌داند. تنها نکته تایید شده ترور او در هنگام خواب و در اتاق‌خواب محل اقامتش است. در ماه‌های پس از هفت اکتبر، تعداد زیادی از خانواده درجه یک هنیه که در غزه ساکن بودند، توسط حملات اسرائیل، جان خود را از دست دادند. او در آن زمان و پس از اعلام خبر کشته‌شدن پسرها و نوه‌هایش گفت، شهادت آنها تاثیری بر مواضع حماس نخواهد داشت.

خانواده‌ای که ده‌ها نفر از اعضایش را از دست داد

در ماه‌های پس از حمله هفت‌اکتبر و شروع حملات اسرائیل به غزه، تعداد زیادی از افراد خانواده اسماعیل هنیه که اغلب آنها در این باریکه حضور داشتند، جان خود را در حملاتی که از تل‌آویو برنامه‌ریزی شده بود، از دست دادند. تا قبل از سال ۲۰۲۳، او و همسرش امل که در ۱۶سالگی با هم ازدواج کرده بودند، ۱۳فرزند داشتند. در نخستین حمله به خانواده هنیه، ابتدا ۱۴نفر از اعضای خانواده او که برادرش هم در میانشان بود، شهید شدند. کمی بعد، دو نوه او جان خود را بر اثر حمله اسرائیل از دست دادند و در نهایت روز ۱۰ آوریل ۲۰۲۴، با حمله هوایی به یک خودرو، سه پسر هنیه یعنی حازم، امیر و محمد به همراه چهار نوه‌اش جان باختند. وی در ۲۵ ژوئن ۲۰۲۴، ده نفر دیگر از اعضای خانواده از جمله خواهر ۸۰ساله خود را در محلی که زندگی خود را آغاز کرده بود، از دست داد. امل هنیه، دخترعموی اسماعیل در زمان حمله به خودروی پسرانش، در یک بیمارستان در دوحه بستری بود. تصاویر واکنش هنیه در قبال شهادت پسرانش، موردتوجه رسانه‌ها قرار گرفت؛ در این تصاویر هنیه، در حالی که سر تکان می‌داد و دستانش را در جلوی تنه‌اش محکم به هم گره کرده بود، برای مدت کوتاهی به آسمان نگاه کرد. در روزهای بعد عکس‌های خندانی از او و همسرش امل منتشر شد که به‌عنوان نمادی از مقاومت خانواده هنیه موردتوجه قرار گرفت. هنیه در آن روزها گفت: «همه مردم ما و همه خانواده‌های غزه، بهای سنگینی پرداخته‌اند و من هم یکی از آنها هستم.»

طبق گزارش‌ها، دختران هنیه، سنا متولد ۱۹۸۶، بثینه متولد ۱۹۸۷، خوله متولد ۱۹۹۲، لطیفه متولد ۱۹۹۸ و ساره متولد ۲۰۰۴ هستند. او هشت پسر داشته که عبدالسلام متولد ۱۹۸۱، همام متولد ۱۹۸۳، وسام متولد ۱۹۸۴، معاذ متولد ۱۹۸۵، عاد متولد ۱۹۹۴، حازم متولد ۱۹۹۴ و کشته شده در حمله اسرائیل، امیر متولد ۱۹۹۵ و کشته شده در حمله اسرائیل و محمد متولد ۱۹۹۶ و کشته شده در حمله اسرائیل بوده‌اند. طبق شواهد، پسران اسماعیل هنیه در عملیات‌های نظامی حماس، نقشی نداشته‌اند. ادامه در صفحه ۰۳

پیام رهبر انقلاب درپی شهادت اسماعیل هنیه

خون‌خواهی میهمان عزیزمان را وظیفه خود می‌دانیم

بسم‌الله الرحمن الرحیم
انالله و انا الیه راجعون
ملت عزیز ایران!
رهبر شجاع و مجاهد برجسته ملت فلسطینی جناب آقای اسماعیل هنیه در سرحگاه دیشب به لقاءالله پیوست و جبهه عظیم مقاومت عزادار شد. رژیم صهیونیستی جنایتکار و تروریست، میهمان عزیز ما را در خانه ما به شهادت رسانید و ما را داغدار کرد، ولی رنیمز مجازاتی سخت برای خود فراهم ساخت.
شهید هنیه، سال‌ها جان گرامیش را در میدان مبارزه‌ای شرافتمندانه بر سر دست گرفته و آماده شهادت بود و فرزندان و کسان خود را در این راه تقدیم کرده بود. او از شهیدشدن در راه خدا و نجات بندگان خدا باک نداشت، ولی ما در این حادثه تلخ و سخت که در هریم جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است، خون خواهی او را وظیفه خود می‌دانیم.
اینجانب به امت اسلامی، به جبهه مقاومت، به ملت شجاع و سرافراز فلسطین و به‌خصوص به خاندان و بازماندگان شهید هنیه و یکی از همراهانش که با وی به شهادت رسیده است، تسلیت عرض می‌کنم و علو درجات آنان را از خداوند متعال مسالت می‌نمایم.
سیدعلی خامنه‌ای
۱۰ مرداد ۱۴۰۳ مصادف با ۲۵ محرم ۱۴۴۶»

خبر دو

صهیونیست‌ها به زودی نتایج اقدام بزدلانه و تروریستی خود را خواهند دید

مسعود پزشکیان، رئیس‌دولت چهاردهم، یک روز پس از مراسم تنفیذ خود و پس از ترور اسماعیل هنیه، رئیس‌دفتر حماس در تهران و رهبر جنبش فلسطین تأکید بر پاسداری جمهوری اسلامی ایران از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی خود، اینگونه اقدامات را نشانه به بن‌بست رسیدن سیاست‌های رژیم صهیونیستی دانست.
متن پیام پزشکیان به شرح زیر است:
«رژیم صهیونیستی که پس از ماه‌ها کشتار و جنایت و ویرانی در غزه، دچار بن‌بست و قفل‌شدگی بوده و قادر به رهایی از پیامدهای سیاست تاریخی مبتنی بر اشغالگری، تروریسم، تبعیض نژادی و کشتار جمعی خود نیست، بامداد امروز برادر عزیز و مجاهد راه خدا شهید «اسماعیل هنیه»، رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین – حماس را در تهران هدف عملیات جنایتکارانه تروریستی خود قرار داد و به شهادت رساند. شهادت، هنر مردان خداست و شهید اسماعیل هنیه که پیش از این بسیاری از نزدیکان و اعضای خانواده و رهبران جنبش مقاومت تحت رهبری خود را در عملیات‌های تروریستی اسرائیل از دست داده بود، پس از عمری مجاهدت و مبارزه برای رهایی ملت فلسطین از اشغال صهیونیستی به آرزوی همیشگی خود رسید و به دیدار خداوند شتافت.
اینجانب پوشیدن جامه شهادت را بر اسماعیل هنیه و همراه شهیدش به همه مبارزان مقاومت و ملت بزرگ فلسطین و همه امت اسلامی تبریک و تسلیت می‌گویم.
این اقدام تروریستی همچون دیگر جنایت‌های رژیم صهیونیستی، ناقض قوانین و مقررات بین‌المللی بوده و ضرورت اقدام متحد جهان به ویژه کشورهای اسلامی را برای مقابله با این رژیم جنایتکار و اشغالگر بیش از پیش نشان می‌دهد.
این جنایت در تهران و هنگامی انجام شده که برادر عزیزمان شهید اسماعیل هنیه، میهمان رسمی رئیس‌جمهور و دولت جمهوری اسلامی بوده و برای شرکت در مراسم سوگند ریاست‌جمهوری به ایران سفر کرده بود.
جمهوری اسلامی ایران در پاسداری از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و عزت و اعتبار خود، کوتاهی نخواهد کرد و رژیم صهیونیستی به زودی نتایج اقدام بزدلانه و تروریستی خود را خواهد دید.»

دیپلماسی

دیپلمات‌ها تهدید کردند

شهادت اسماعیل هنیه در تهران و ترور او از سوی اسرائیل، دیپلمات‌های ایرانی را بر آن داشت که تل‌آویو را نسبت به عاقبت این اقدام تروریستی آگاه کنند. علی باقری که هنوز وزیر خارجه ایران دانسته می‌شود و جایگزینش در حال حاضر از سوی جلیل چهارده‌مهر معرفی نشده، رخ جواد ایران برای پاسخگویی مناسب تاکید کرده. سر پرست وزارت خارجه در پی شهادت اسماعیل هنیه در پیامی نوشت: «جمهوری اسلامی ایران این اقدام مجرمانه نفرت‌انگیز را به شدیدترین وجه ممکن محکوم نموده و بر حق خود برای پاسخ مناسب تاکید می‌نماید. ترور بزدلانه رهبر برافتخار مقاومت فلسطین، اسماعیل هنیه، یار دیرین شهید قدس، سپهبد حاج قاسم سلیمانی، مردم و مقاومت قهرمان فلسطین، جهان اسلام و همه انسان‌های آزادی‌خواه را در مسیر پرعزت جهاد علیه اشغالگری و نسل کشی، مصمم‌تر خواهد ساخت.»
او در این یادداشت ادامه داد: «شهید هنیه، به‌عنوان یکی از رهبران ملت فلسطین و طلایه‌دار مبارزه مشروع برای احقاق حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین، میهمان رسمی مردم و دولت ایران در مراسم تحلیف رئیس‌جمهور منتخب ایرانیان بود و اقدام تروریستی مافیای تروریستی حاکم بر سرزمین اشغال شده فلسطین، نقض فاحش اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، منشور ملل‌متحد و بی‌حرمتی به امنیت ملی و تمامیت سرزمینی جمهوری اسلامی ایران است.» سرپرست وزارت‌خارجه خاطرنشان کرد: «شورای‌امنیت سازمان ملل باید به مسئولیت خود برای مقابله با تهدید صلح و امنیت بین‌المللی به واسطه اقدامات مستمر تروریستی و تجاوزکارانه رژیم اشغالگر اسرائیل عمل نماید.»
عباس عراقچی که نام او از سوی برخی در بین گزینه‌های مطرح برای وزارت‌خارجه اعلام شده هم نسبت به این ترور واکنش تندی از خود نشان داد. دبیر شورای راهبردی روابط خارجی با اشاره به شهادت اسماعیل هنیه در تهران تاکید کرد: «بدون تردید، رژیم اشغالگر تاوان سختی پس خواهد داد.» سیدعباس عراقچی، دبیر شورای‌راهبردی روابط خارجی در پیامی در صفحه شخصی خود در فضای مجازی نوشت: «شهادت رهبر شجاع فلسطین، جناب آقای اسماعیل هنیه، در اقدام تروریستی رژیم صهیونیستی را به ملت بزرگ فلسطین و همه مبارزان جبهه مقاومت تسلیت می‌گویم.» این دیپلمات کشورمان تاکید کرد: «بدون تردید رژیم اشغالگر، تاوان سختی پس خواهد داد و البته به هدف شوم خود برای سدکردن راه دولت در ابتدای شروع به کار، نخواهد رسید.» همزمان نمایندگی ایران در سازمان‌ملل در نیویورک در پی ترور اسماعیل هنیه، رئیس‌دفتر سیاسی حماس در تهران، در پیامی در شبکه مجازی ایکس نوشت: «پاسخ ترور، عملیات وعده است؛ اما سخت‌تر و پشیمان‌کننده.»

همزمان با تهدید دیپلمات‌ها در مورد پاسخ ایران به رژیم صهیونیستی بر سر ترور اسماعیل هنیه، سخنگوی اتحادیه اروپا به ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) در تهران واکنش نشان داد.
سخنگوی اتحادیه اروپا در جریان گفت‌وگو با تلویزیون العربی درخصوص ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس در تهران خاطرنشان کرد: «ما گزارش‌ها درباره ترور اسماعیل هنیه در تهران را از نزدیک دنبال می‌کنیم. ما اصولا قتل‌های فراقانونی را رد می‌کنیم و آن را مردود تلقی می‌کنیم.»
سخنگوی اتحادیه اروپا همچنین تصریح کرد: «ما از همه طرف‌ها می‌خواهیم بالاترین سطح خویشتن‌داری را به کار گرفته و از تشدید تنش‌ها در منطقه اجتناب کنند.»

گزارش روز

کنسولگری ایران در کانادا بازگشایی «نشد» اما...

همکاری جدید ایرلند و ایران تمدید و صدور گذرنامه برای ایرانیان کانادا را راحت‌تر کرده است

روز گذشته خبری با عنوان «بازگشایی کنسولگری ایران در کانادا» در فضای مجازی و بعد در برخی رسانه‌های داخلی منتشر شد. این خبر اشتباه در نتیجه انتشار خبر دیگری درباره یک مسیر سریع‌تر و مستقیم‌تر برای تمدید پاسپورت ایرانیان مقیم کانادا بود. در حقیقت اتفاقی که افتاده این است که ایرانیان ساکن کانادا دیگر مجبور نیستند از طریق سفارت پاکستان در آمریکا یا سفارت ایران در مکزیک برای تمدید گذرنامه‌های خود اقدام کنند.
حالا کارهای کنسولی این افراد از طریق همکاری سفارت ایرلند در اتاوا با سفارت ایران در دوبلین انجام می‌شود که بر خلاف روش‌های قبلی دو هفته بیشتر زمان نبرده و کم هزینه‌تر است.
به طور کلی بیش از ۲۰۰ هزار و ۵۰۰ ایرانی در کانادا زندگی می‌کنند و ۱۰ هزار و ۶۸۰ نفر از آن‌ها در سال ۲۰۲۳ اقامت دائم کانادا را دریافت کرده‌اند. جمعیت بزرگی از این افراد همچنان به ایران رفت و آمد می‌کنند و هر پنج سال یک بار باید پاسپورت خود را تمدید کنند. از سال ۲۰۱۲ به بعد به دلیل برخی مسائل سیاسی سفارت ایران در کانادا تعطیل شد. این به این معناست که سفارت یا کنسولگری دوجانبه میان دو کشور وجود ندارد. با این حال خدمات کنسولی مرتبط با ایرانیان کانادا از طریق نمایندگی‌های دیپلماتیک کانادا در کشورهای دیگر تا به امروز ممکن بوده است. پیش از همکاری اخیر ایران و ایرلند در زمینه صدور گذرنامه، ایرانیان ساکن کانادا سه راه برای تمدید و صدور گذرنامه خود داشتند: واشنگتن، مکزیک و ونزوئلا. رایج‌ترین راهی که ایرانی‌ها برای جلو بردن خدمات کنسولی خود استفاده می‌کردند از طریق دفتر حافظ منافع ایران در آمریکا بود که در سفارت پاکستان واقع شده است. همچنین ایران در مکزیک و ونزوئلا هم سفارت دارد که برخی از این طریق برای دریافت گذرنامه خود اقدام می‌کردند. اما حالا این مسیر خیلی ساده‌تر شده و دیگر احتیاجی به گذراندن مراحل قبلی نیست. جدیدا بخش کنسولی سابق ایران در اتاوا با همکاری سفارت ایران در دوبلین ایرلند این مسیر دریافت و تمدید گذرنامه را برای ساکنین کانادا ساده‌تر کرده‌اند. این به این معنی نیست که کنسولگری ایران در اتاوا بازگشایی شده، بلکه همه مراحل به طور مجازی جلو می‌رود. متقاضیان می‌توانند وارد سامانه میخک شوند و مدارک خود را بارگذاری کنند. بعد هم با مدارک گذرنامه در سفارت ایران در دوبلین چاپ می‌شود از طریق شرکت پست ایرلند به در خانه متقاضی می‌رسد. پیش از این هم این مراحل به طور مجازی انجام می‌شد اما تفاوت بزرگی که اقدام از طریق سفارت پاکستان در واشنگتن داشت، مدت زمانی بود که متقاضیان باید برای دریافت پاسپورت خود انتظار می‌کشیدند. حالا زمان انتظار از ۶ تا ۸ هفته به تنها ۱۵ روز کاهش پیدا کرده است. همچنین تفاوت دیگری که این روش جدید با روش‌های قبلی دارد، این است که دیگر حتی احتیاجی به رفتن به اداره پست نیست. پیش از این ساکنین کانادا باید بعد از به پایان رساندن مراحل سامانه میخک، وارد سامانه دیگری می‌شدند و فرم گذرنامه را پرینت می‌گرفتند، بعد هم با مدارک به اداره پست رفته و آن را برای سفارت ایران در مکزیک یا ونزوئلا و یا دفتر حافظ منافع ایران در واشنگتن می‌فرستادند. یعنی علاوه بر هزینه صدور گذرنامه باید هزینه رفت و برگشت پست را هم پرداخت می‌کردند. حالا فقط نیاز است که وارد سامانه میخک شوند و بعد از بارگذاری مدارک یا پرداخت ۱۰۰ یورو منتظر رسیدن گذرنامه خود بمانند. برخی ساکنان کانادا در توئیتر گفته‌اند که پیش از این برای دریافت پاسپورت خود از واشنگتن ۴۰۰ دلار هزینه کرده‌اند. گفته می‌شود این امکان از حدود پنج ماه پیش ممکن شده اما بسیاری از ایرانیان از آن خبر نداشته‌اند.

مهلا جوادپور

گالری

تیم ملی شمشیربازی ایران یک قدم برای صعود به فینال مسابقات کم آورد و این اتفاق برای ورزشکار اسلحه سابر ایران محمد رهبری قابل باور نبود و چهره درهم او در سالن مسابقات توجه رسانه‌ها را جلب کرد.

نوشاد عالمیان در مرحله یک شانزدهم نهایی تنیس روی میز مقابل هارمونوا از ژاپن با نتیجه ۴ بر ۳ شکست خورد و از المپیک پاریس کنار رفت.

نوید محمدزاده یک عکس قدیمی از فرشته حسینی همسرش را با قلب قرمز در استوری اینستاگرامش منتشر کرد.

شب تاسوعای امسال بود که وبدنویی در فضای مجازی وایرال شد که در آن کلیپ عده‌ای به یک زن و شوهر با قمه حمله کرده و فضایی توام با تهدید و ارعاب ایجاد کردند؛ حالا پلیس پایتخت خبر داده که این اراذل که ۳ گروه ۱۰ نفره هستند، همگی شناسایی و دستگیر شدند.

سامیار عبدلی تنها نماینده شنای ایران در المپیک ۲۰۲۴ نتوانست به مرحله بعدی مسابقات صعود کند.

برخی از مقامات خارجی برای شرکت در مراسم تحلیف ریاست جمهوری مسعود پزشکیان به ایران آمده‌اند. در میان مهمانان، تابناک عکسی از سلیندا سوسا وزیر خارجه بولیوی منتشر کرده است.

ترور در ضاحیه

سه‌شنبه شب خبرهای یک انفجار در حاشیه بیروت، یعنی ضاحیه، خبرگزاری‌های جهان را بر کرد. در همان نخستین دقایق، گمانه‌زنی‌ها بر روی اینکه اسرائیل در ضاحیه دست به ترور یک فرمانده حزب‌الله زده است، بالا گرفت. آماده یک حمله از سوی تل‌آویو کرده بود و از صبح چهارشنبه برخی از کشورهای غربی، در مورد خروج شهروندانشان از لبنان هشدار داده بودند. اسکای‌نیوز عربی، اولین خبرگزاری بود که در مورد ترور فردی که او را نفر دوم شاخه نظامی حزب‌الله می‌دانست، خبر داد. آنها فردی که مورد ترور قرار گرفته بود را هم‌رده با عماد مغنیه دانستند. کمی بعد نام او مشخص شد. فواد شکر با نام مستعار حاج محسن، فردی بود که اسرائیل روز چهارشنبه اقدام به ترور او کرد. منابع لبنانی در ساعات اولیه، اعلام کردند با وجود تعداد بالای زخمی‌ها و کشته‌شدن یک کودک و یک زن، آسیبی به شکر نرسیده است. با این حال، کمی بعد خبرها دیگر از آن اطمینان قبلی برخوردار نبودند و نهایتا لبنانی‌ها روز چهارشنبه، شهادت این فرمانده را تایید کردند.
فواد شکر سال ۱۹۶۲ در روستای النبی شیت، در بعلبک واقع در شرق لبنان به دنیا آمد. او در زمان ترور ۶۲سال سن داشت. حضور او در حزب‌الله ۳۰سال قدمت داشت اما در مورد جزئیات فعالیت‌هایش در طول این سال‌ها، اطلاعات زیادی در دسترس نیست. برخی ادعاها می‌گویند او مشاور ارشد سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله در امور نظامی بوده است.
همین موضوع، شکر را تبدیل به چهره‌ای مرموز در حزب‌الله لبنان کرده بود. برخی از رسانه‌های عربی، او را بلندپایه‌ترین فرمانده نظامی حزب‌الله در جنوب لبنان دانسته‌اند. طبق این گزارش‌ها، فواد شکر جایگزین مصطفی بدرالدین، فرمانده نظامی حزب‌الله شده که سال ۲۰۱۶ در شرایطی مرموز در سوریه جان خود را از دست داده بود. تا یمز اسرائیل مدعی شده، ارتش اسرائیل سال‌ها پیش گفته بود که فواد شکر، مسئول نظارت بر پروژه موشک‌های هدایت دقیق حزب‌الله است. سال ۲۰۱۷، آمریکا جایزه‌ای ۵میلیون دلاری برای اطلاعاتی تعیین کرد که به دستگیری فواد شکر کمک کند. وزارت امورخارجه آمریکا در آن زمان گفت که این جایزه گامی برای افزایش فشار بر حزب‌الله و رهبرانشان است. در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹ وزارت امورخارجه آمریکا بیانیه‌هایی علیه فواد شکر صادر کردند و او را در فهرست تحریم‌ها قرار دادند که به معنای مسدودشدن تمام دارایی‌ها و منافع او در حوزه قضایی آمریکا و ممنوعیت هرگونه معامله با او برای آمریکایی‌ها بود. آمریکا، فواد شکر را متهم به دست داشتن در حمله به پایگاه تفنگداران نیروی دریایی در سال ۱۹۸۳کرده و او را در لیست سیاه خود قرار داده بود. در جریان این حمله، ۲۴۱ آمریکایی کشته و ۱۲۸ تن دیگر زخمی شدند.

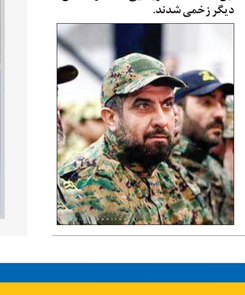

۲۰۰ کلمه

یک بهانه کوچک دم‌دستی برای خلق یک جنایت

گاهی اوقات یک دلیل ناچیز، خشم زیادی ایجاد می‌کند که در نهایت منجر به کشته‌شدن یک انسان می‌شود

مرور پرونده

فاطمه شیخ‌علیزاده | «نگیزه» در پرونده‌های جنایی یکی از مهم‌ترین ارکان شهروندی کشف و اثبات جرم است. اختلافات ریشه‌دار قدیمی، بدهبستان‌های مالی و مسائل ناموسی می‌توانند تبدیل شوند به بذر کینه در دل افراد و در نهایت طراحی و اجرای یک سناریوی جنایی اما انگیزه رقم‌زدن یک جنایت همیشه هم تا این حد، جدی و عمیق نیست؛ بلکه در موارد بی‌شماری از پرونده‌های جنایی، ستاندن جان یک انسان با دلایل سطحی و پیش‌پاافتاده رقم می‌خورد.

قتل به خاطر هزینه بوکسل

اوایل دی‌ماه سال ۱۴۰۲، خبر کشف یک جسد ناشناس در حوالی گرمدره کرج به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام شد و بلافاصله کارآگاهان مبارزه با جرایم جنایی برای بررسی موضوع به محل حادثه اعزام شدند. در بررسی‌های اولیه کارآگاهان مشخص شد، مقتول در محل دیگری به وسیله چاقو به قتل رسیده و قاتل با بستن جسد او به خودرو، او را به محل کشف جسد منتقل کرده است. با انجام اقدامات پلیسی و اطلاعاتی صورت گرفته در محل کشف جسد، کارآگاهان موفق به شناسایی قاتل شدند و با رد زنی مخفیگاه او در شهر تهران، با هماهنگی مقام قضایی او را دستگیر کردند. متهم پس از انتقال به پلیس آگاهی، ضمن اقرار به قتل عنوان کرد: «روز حادثه خودروی او در اتوبان دچار نقص فنی شد که از مقتول درخواست کرد خودرویش را تا مزنل یکسل کند اما پس از رسیدن به مقصد بر سر هزینه انتقال خودرو اختلاف پیدا کردند و در یک زدوخورد با ضربه چاقو، مقتول را به قتل رساند و جسد او را در بیابان‌های اطراف گرمدره رها کرد.»

قتل به خاطر املت پر رب

۱۴ فروردین ماه امسال رسیدگی به قتل مسلحانه زن جوانی در شهرک صنعتی اخولا واقع در اطراف شهرستان تبریز در دستور کار تیم جنایی این شهرستان قرار گرفت. همسر این زن در تماس با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ اعلام کرده بود که با جسد غرق در خون همسرش در محل سکونتشان واقع در یک اتاقک نگهبانی در شهرک صنعتی مواجه شده است. جسد زن جوان در اتاق خواب خانه‌اش در حالی افتاده بود که یک اسلحه شاتگان کنار جسد رها شده بود. بررسی‌های تیم تشخیص جسد حکایت از این داشت که زن جوان با اصابت گلوله شلیک‌شده از همین اسلحه، جان خود را از دست داده است. ادله و قرائنی در تحقیقات به دست بازپرس جنایی رسید که حکایت از ضدونقیض‌گویی شوهر مقتول داشت؛ به این ترتیب، دستور بازداشت این مرد جوان صادر شد. متهم در بازجویی‌ها به قتل همسرش اقرار کرد و گفت: «روز حادثه، همسرم برای صبحانه املت درست کرده بود؛ به او گفتم، اینقدر در املت زیاد رب ریختی‌که که بدمزه شده است. همین انتقاد من، نقطه شروع آغاز بحثی بین ما شد. سپس به حدی عصبانی شدم که برای تهدید همسرم و ساکت کردن او اسلحه را دست گرفتم و سمت او نشانه رفتم. نمی‌دانم چه شد که ماشه را چکاندم. ناگهان زنم غرق در خون روی زمین افتاد.» با این اعتراف، متهم برای طی روال قانونی راهی زندان شد.

قتل همکار به خاطر کلمن آب

پاییز سال ۹۶ مرد جوانی همکار ۵۰سالهاش به نام رضا را در شهرک گلستان با ضربات چاقو کشت و ساعتی بعد خودش را تسلیم قانون کرد. متهم در تشریح ماجرا گفت: «قبول دارم رضا را کشتم اما باور کنید خصومتی با او نداشتم و در یک لحظه نتوانستم خشم را کنترل کنم. من و رضا سال‌ها بود که با هم همکار بودیم. ما هر دو در اتاقک نگهبانی یک مجتمع مسکونی کار می‌کردیم و بعضی شب‌ها جایی می‌ماندیم. آن روز، او از من خواست تا کلمن آب را پر کنم اما چون خسته بودم، قبول نکردم و بهانه آوردم. ولی رضا با تندی به من گفت، باید کلمن را پر کنم. من با بی‌اعتنایی جوابش را دادم و او که عصبانی شده بود غذای مرا که چند سیب‌زمینی پخته بود دور ریخت. من او را هل دادم و درگیری بین ما بالا گرفت. رضا لیوانی را به سمتم پرت کرد و من اتاق را ترک کردم. چند دقیقه بعد وقتی برگشتم او به صورتم سیلی زد و گفت دیگر حق ندارم به آنجا برگردم. او می‌گفت اخراج شده‌ام. من هم در اوج عصبانیت چاقویی را برداشتم و یک ضربه به شکم او زدم. همان موقع چاقو شکست. به همین خاطر با چاقوی شکسته ده ضربه دیگر به شکم او زدم.»

قتل به خاطر یک طوطی

یکی از عجیب‌ترین انگیزه‌ها برای ارتکاب جنایت، «طوطی کاسکو» بود. ماجرا از این قرار بود که جوانی یک طوطی کاسکو به دوستش امانت داد. دو هفته از این اتفاق گذشت و صاحب طوطی، نزد دوستش رفت تا پرنده را تحویل بگیرد اما او حاضر به پس‌دادن پرنده نشد. آن روز دعوایی میان دو دوست شکل گرفت که به قتل یکی از آنها منجر شد. این جنایت اردیبهشت سال ۹۳ رخ داد و قاتل که فراری شده بود بعد از «ماه فرار دستگیر شد. او در بازجویی‌ها گفت: «مقتول دوست صمیمی‌ام بود. او شب حادثه پیش من آمد و گفت طوطی‌اش را می‌خواهد. من گفتم طوطی داخل اتاق است و پدر و مادرم خواب هستند و نمی‌توانم الان طوطی را پس بدهم. او عصبانی شد و با هم درگیر شدیم و این جنایت رخ داد.»

قتل بر سر غرغر کردن

غرغر کردن نیز دلیل عجیب و باور نکردنی قاتل بود که ناخواسته جان دوستش را گرفت. ماجرا از این قرار بود که اردیبهشت امسال مردی ناپدید شد و چون آخرین بار با یکی از دوستانش قرار داشت، ماموران وی را دستگیر کردند. او دربازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: «مقتول از دوستانم بود که حالش خوب نبود و می‌خواستم او را به دکتر ببرم. آن روز هرجا رفتیم تا دوستم را بستری کنیم، تخت خالی پیدا نشد. از سوی دیگر من معتاد بودم و می‌خواستم مواد بکشم. ناچار شدم بین راه توقف کنم تا کمی مواد مصرف کنم. دوستم اما مدام غر می‌زد و بهانه می‌گرفت. می‌گفت نمی‌تواند صبر کند و باید هرچه زودتر او را به دکتر ببرم. ناگهان عصبانی و کلافه شدم و سنگی به سمتش پرتاب کردم تا او ساکت شود اما در اوج ناباوری، دوستم خونین روی زمین افتاد و جان باخت.»

قتل به خاطر کبوتر

«کبوتر» یکی دیگر از انگیزه‌های عجیب است که تا حالا باعث تشکیل چند پرونده قتل شده است. یکی از آنها چند سال پیش اتفاق افتاد. قاتل، جوانی به نام سیامک بود که شب حادثه به پشت‌بام خانه عمویش رفته و مشغول کشیدن قلیان شد. همان لحظه تعدادی از کبوترهای پرهمسایه روی پشت‌بام آنها نشست. سیامک و پسرعموهایش کبوترها را پر دادند که همین کارشان باعث درگیری آنها با پسرهای همسایه شد. دعوا حتی به خانواده‌های دو طرف هم کشیده شد. در نهایت سیامک که نتوانسته بود خشمش را کنترل کند، جان مرد همسایه را گرفت.

قتل به خاطر یک اسپیکر

یکی دیگر از حادثه‌های باورنکردنی، قتل دوست به خاطر یک اسپیکر بود. ماجرا از این قرار بود که مقتول، اسپیکر خود را به دوستش امانت داده بود اما وی حاضر به برگرداندن اسپیکر نمی‌شود. این دو دوست بر سر این موضوع عجیب با هم درگیر می‌شوند و حتی شاهدان هم نمی‌توانند به دعوایشان، پایان دهند. ناگهان قاتل که حاضر به برگرداندن اسپیکر نبود، به سمت مقتول هجوم برد و چاقو را در شکمش فرو کرد.

قتل به خاطر تفاله چای

هشت سال پیش بود که مردی جوان پس از نوشیدن یک فنجان چای، قربانی دعوایی عجیب شد. او پس از نوشیدن چای، تفاله آن را از پنجره بیرون ریخت. تفاله روی سر یکی از همسایه‌ها فرود آمد و همین اگیزه جنایت شد. عامل جنایت که مردی مغازه‌دار بود، پس از دستگیری گفت: «مقتول در ساختمان بالای مغازه‌ام سکونت داشت. آن روز مقابل مغازه‌ام ایستاده بودم. ناگهان احساس کردم که چیزی روی سرم افتاد. بالا را که نگاه کردم مرد همسایه را دیدم. او با وجود اینکه من در اینجا ایستاده بودم، تفاله چای خود را به پایین ریخت و همین باعث عصبانیت من شد و با او درگیر شدم و ناخواسته وی را به قتل رساندم.»

قتل به خاطر هزینه بوکسل

هنیه در سال ۲۰۰۶، پس از کسب بیشترین کرسی‌های گروه حماس در انتخابات پارلمانی فلسطین، نخست‌وزیر فلسطین شد. او در آن سال از دومین حمله به جان خود که در گرگاه رفح با همراهانش هدف تیراندازی قرار گرفته بود، جان سالم به در برد. محمود عباس در سال ۲۰۰۷ پس از خروج اسرائیل از غزه و کنترل حماس، هنیه را از سمت نخست‌وزیری برکنار کرد. با این‌حال، روابط هنیه با جنبش فتح، هیچ‌گاه خصمانه نبود. در واقع تا سال ۲۰۱۷، اسماعیل هنیه مرد شماره یک در غزه بود تا اینکه به عنوان رئیس‌دفتر سیاسی حماس انتخاب شد. دو سال بعد وقتی غزه را ترک کرد، یحیی سینوار جانشین هنیه شد.
از سال ۲۰۱۷ اسماعیل هنیه بیشتر وقت خود را در قطر می‌گذراند. او البته سفرهایی به ایران و ترکیه را سپری کرده بود.

چه کسی جایگزین هنیه می‌شود؟

تعداد زیادی از رهبران حماس در سال‌های گذشته از سوی اسرائیل ترور شده‌اند. در حقیقت، هنیه، دوازدهمین نفر از اعضای ارشد حماس به حساب می‌آید که هدف ترور اسرائیلی‌ها قرار گرفته است. اولین ترور علیه خالد مشعل در سال ۱۹۹۷ انجام شد. در آن زمان ۱۰ نفر از اعضای موساد به رهبری و براساس تصمیم نتانیاهو، با گذرنامه جعلی کانادایی وارد امان پایتخت اردن شدند. دو مامور موساد به مشعل با ماده‌ای بسیار سمی حمله کردند، اما در زمان فرار، توسط پلیس اردن و محافظان مشعل بازداشت شدند. حسین بن طلال، پادشاه وقت اردن از نتانیاهو خواست یادزهر این سم کننده را به اردن تحویل دهد و با همین تصمیم خود، توانست چهره مشهور گروه حماس که در بین کشورهای عربی هم شناخته‌شده بود، از مرگ حتمی نجات دهد. در نهایت مشعل از این ترور، جان به سلامت برد و اسرائیل ناچار شد تا برخی از چهره‌های این گروه از جمله شیخ احمد یاسین را از زندان آزاد کند.
حالا با ترور اسماعیل هنیه، بر اساس گزارش‌هایی که رسانه‌های غربی با اطمینان آن را نقل می‌کنند، خالد مشعل، بیشترین شانس برای جانشینی هنیه را دارد. او که در سال ۱۹۵۶ به‌دنیا آمده و ۶۸ساله است، در روستای سلوواد از شهرستان رام‌الله فلسطین متولد شد و تحصیلاتش را در کویت به‌پایان برد و در همان‌جا، رهبری جنبش اخوان‌المسلمین – فلسطینی را در دانشگاه برعهده گرفت. خالد مشعل، دارای هفت فرزند است. او یکی از موسسان اولیه جنبش حماس به‌حساب می‌آید. از همان ابتدای کار، مشعل کارش را به‌عنوان رئیس‌دفتر حماس آغاز کرد و در سال ۲۰۰۴ به رهبر این گروه تبدیل شد. او سال ۲۰۱۲ به نوار غزه سفر کرد. سفر مشعل اولین ورودش به سرزمین‌های فلسطینی از زمان خروج در ۱۱ سالگی از کرانه غربی به‌حساب می‌آید. در سال ۲۰۱۷ که شورای جنبش مقاومت اسلامی، هنیه را به عنوان رئیس‌دفتر سیاسی حماس جایگزین مشعل کرد، مشعل به ریاست بورن‌مرزی این گروه منصوب شد. برخی از رسانه‌ها و تحلیل‌گران کماکان معتقدند این مرد در تمام این سال‌ها، بیشتر مهم‌ترین تصمیمات سیاسی گروه حماس قرار داشته و از مهم‌ترین و قدرتمندترین افراد این گروه بوده است.

تیتر دو

خداحافظ میهمان عزیز

درباره زمانه و زندگی مردی که دیروز در تهران به شهادت رسید

ادامه از صفحه ۱

نگاهی به زندگی اسماعیل هنیه
اسماعیل هنیه در سال ۱۹۶۲، یعنی ۶۲سال قبل در یک اردوگاه پناهندگان فلسطینی در شهر غزه با نام الشاطی متولد شد. خانواده او از جنوب سرزمین‌های اشغالی، پس از اشغال فلسطین، در سال ۱۹۴۸ به غزه پناه آورده بودند. او سال‌های جوانی خود را در غزه، سپری و تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در مدارس سازمان بین‌المللی آنروا گذراند. سال ۱۹۸۱، هنیه همزمان با شروع تحصیلاتش در رشته ادبیات عرب در دانشگاه اسلامی غزه، به عضویت انجمن اسلامی درآمد. در سال فارغ‌التحصیلی یعنی ۱۹۸۷، هنیه در گیر اعتراضات فلسطینی‌ها و انتفاضه شد و همان سال مدتی را در بازداشت اسرائیلی‌ها گذراند. داستان حماس و اسرائیل به همان ابتدای تاسیس جنبش در سال ۱۹۸۸ بازمی‌گردد. او در همان سال شش‌ماه به دلیل همکاری با حماس، زندان رفت و سپس برای مدت کوتاهی آزاد شد. او همچنین در سال ۱۹۸۹، سه‌سال به زندان رفت و بعد از آزادی به همراه برخی چهره‌های ارشد جنبش حماس، به منطقه مرج‌الزهور در مرز لبنان و فلسطین تبعید شد. یک سال تبعید در لبنان برای هنیه فرصتی جهت شناخته‌شدن از سوی رسانه‌های بین‌المللی بود. او در نهایت سال ۱۹۹۳ به غزه بازگشت و رئیس دانشگاه اسلامی این باریکه شد. آزادی احمدیاسین، بنیان‌گذار حماس، نقطه عطفی برای هنیه به‌حساب آمد. او روابط خوبی با یاسین داشت و در نهایت به رئیس‌دفتر و سپس نماینده احمد یاسین در تشکیلات خودگردان تبدیل شد. یک دهه بعد از بازگشت به غزه، او به همراه یاسین در حمله اسرائیل به یک ساختمان مسکونی زخمی شد. اسماعیل هنیه، جزئیات عملیات ترور نافرجام خود را این گونه توصیف کرد: «همراه شیخ احمد یاسین به دیدار دکتر مروان ابوراس رفته بودیم. وقتی ناهار را در منزل ایشان میل کردیم، ناگهان یک هواپیمای اف ۱۶، محلی را که در آن بودیم، بمباران کرد. سقف فرو ریخت و همه‌جا را دود و گردوخاک فرا گرفت. به شکرانه پروردگار موفق شدیم از منزل خارج شویم.
هنیه در سال ۲۰۰۶، پس از کسب بیشترین کرسی‌های گروه حماس در انتخابات پارلمانی فلسطین، نخست‌وزیر فلسطین شد. او در آن سال از دومین حمله به جان خود که در گرگاه رفح با همراهانش هدف تیراند

دستور زبان عشق

می‌خواهم عکسی بگیرم / از شکل دستانت
از صدای دستانت / از سکوت دستانت
کِی پیش رویم می‌نشینی / تا عکسی محال بگیرم؟

نزار قبانی

امام علی علیه السلام:

لا تُقاتِلوا (تَقْتُلوا) الخَوارِجَ بَعْدي، فَلَيسَ مَنْ طَلَبَ الحَقَّ فَأَخْطَـأَهُ كَمَنْ طَلَبَ الْباطِلَ فَأَدْرَكَهُ

بعد از من با خوارج نجنگید (آنان را نکشید)؛ زیرا کسی که طالب حق باشد و به آن نرسد، با کسی که جویای باطل باشد و به آن دست یابد، یکسان نیست.

نهج البلاغه ص ۹۴

واگویه‌های انتظار

برزخ یعنی / تمام «دوستت دارم»هایی که شنیده‌ای را
می‌ریزی توی چمدان / می‌گذاری پشت در / در حالیکه
نه پای رفتن داری / نه دل ماندن...

زکیه خوشخو

اوقات شرعی تهران: اذان صبح ۰۳:۳۴ | طلوع خورشید ۰۵:۱۲ | اذان ظهر ۱۲:۱۱ | غروب خورشید ۱۹:۰۸ | اذان مغرب ۱۹:۲۸

هفت صبح | روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی
سال چهاردهم | شماره ۱۳۸۳۱ | پنجشنبه | ۱۱ مرداد ۱۴۰۳
صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر عامل: علی مزینانی

مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو
دبیر آنلاین: صدرا بکتاش
مدیر هنری: وحید غفاری

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی ۶۵۳۵۱-۱۵۶۶۷
تلفن و نمابر: ۸۸۴۰۳۸۵۴ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۳۱۹۸۸-۰۲۱ توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: پیام همشهری - جام جم
اشتراک اینترنتی: www.jaaar.com

واقعا چه کسی فکرش را می‌کرد؟

درباره نگرانی‌های ما، عکس روزنامه دیروز و شروین و شمشیربازها

۱ راستش ترور و خرابکاری برای ما خیلی اتفاقات عجیبی نمی‌توانند باشند. بمب‌گذاری و آتش‌سوزی و ترور راهکارهای پیش پا افتاده برای امیال سیاه سیاسی هستند. مسائلی که از سال ۵۸ تا به امروز در ایران وجود داشته است. طبیعی هم هست. آنچه نگران کننده است رسوخ در لایه‌های امنیتی است. ترک خوردن اعتماد شهروندان به قدرت حاکمیت در احراز امنیت و محافظت. در واقع بمب گذاری در فلان مراسم پرجمعیت و یا فلان مسجد و یا حمله با ریزپردازنده به فلان پایگاه و کارخانه به رغم همه تلفات و زشتی‌هایش، برای عموم مردم مسئله‌ای قابل پذیرش است و آن را در نبرد اطلاعاتی و نظامی ایران با متخاصمین تفسیر و تحلیل می‌کنند. اما آنچه آزارنده است اتفاقاتی مثل شهادت فخری‌زاده و یا اسماعیل هنیه است. می‌دانم که به لحاظ امنیتی از خیلی چیزها بی‌خبرم و نباید فرضیه‌هایم را وسط بکشم طبیعی هم هست. نمی‌توان اعتماد جامعه به نهادهای امنیتی را خدشه‌دار کرد. باشد. حرف درستی است اما خواستم بگویم اگر نگران هستیم به خاطر کدام بخش از این اتفاقات است. اینکه دوستان به اندازه کافی باهوش و قاطع هستند؟ دیگر بیشتر از این مسئله را باز نمی‌کنم.

۲ دیروز با عکس پزشکیان که دستان هنیه را بالا برده بود این تیتر را زده بودیم: چه کسی فکرش را می‌کرد؟ کنایه از حوادث عجیب و باورنکردنی و حتی تلخی بود که موجب شد ریل‌های سیاست در ایران به سمت دیگری چیده شوند و چنین تصویر شگفت‌انگیزی ثبت شود. دیروز فکر می‌کردیم چه حجم باورنکردنی از حوادث غریب را در همین ۴ ماه گذشته از سر گذرانده‌ایم و آن موقع نمی‌دانستیم که ۲۴ ساعت بعد حادثه‌ای تلخ‌تر و غیرقابل هضم‌تر و شنیع‌تر را تجربه خواهیم کرد. سال ۱۴۰۳ تا انتهایش همچنان پر از حادثه و شگفتی خواهد بود. امیدواریم این بار حادثه بر لولای مراد ما بچرخد.

۳ از قوه قضائیه تقاضا داریم در حکم شروین تجدید نظر کنند. این پسر می‌تواند مهم‌ترین استعداد موسیقایی این سال‌های کشور باشد.

۴ خانم‌های قایقران زحمت کشیدند اما کارنامه‌شان چیزی برای ما نداشت. برعکس شمشیربازها که بر آمریکا غلبه کردند و چیزی نمانده بود که از سد مجارها هم بگذرند و دیشب آخر وقت به ملاقات فرانسه رفتند تا شانس مدال برنز را امتحان کنند. که خب ماموریت بسیار سختی هم بود.

دنده عقب

اشکان عقیلی‌پور

رفقا... من واقعا تعجب می‌کنم از این کسانی که هنوز حرف این محققین رو جدی می‌گیرن و پیگیر اخبار تحقیقات‌شون هستند. مثال هم که فراوونه. یه روز چای خوبه یه روز بده. یه روز قهوه خوبه یه روز سرطان زاس... این چند سال هم که گیر دادن بیفتن دنبال یه کره دیگه که نسل بشر کوچ کنه بره اونجا و اونجا رو به گند بکشه. حالا این وسط، بنده یه دوستی دارم که عشق تحقیقات علمیه و هر مزخرفی که یه بیکاری تو یه جای دنیا میگه میچسبه و میاد برای ما سخنرانی میکنه که مثلا من هم، بله. استاد رو چند روز قبل تو خیابون دیدم. بی‌مقدمه میگه که:

– «فهمیدی مریخ هم درش تخته شد؟»

تو ذهنم داشتم دنبالِ موسسه‌ای، روزنامه‌ای، مجله‌ای، کافی شاپی، مرکز خریدی، چیزی می‌گشتم که اسمش «مریخ» باشه که بشه درش رو تخته کرد.

– «کدوم مریخ؟» / «مگه چند تا مریخ داریم؟» / «نمیدونم... چند تا مریخ داریم؟» / «یه دونه دیگه!»

باز هم مغزم درست مطلب رو نگرفت...

– «بابا کُره مریخ رو میگم...»

مشکلم دو چندان شد. مگه «مریخ» درش باز بود که حالا تخته شه. عینِ همین جملات و تفکراتم رو با استاد دانشمند در میون گذاشتم...

عینکش رو رویِ بینی‌اش جابه‌جا کرد و با نگاهی که: «ما دانشمندا کجاییم و تو کجایی» شروع کرد به توضیح دادن:

– «بله درش باز بود. یعنی تا الان فکر می‌کردن درش بازه. ولی توش «پر کلرات» پیدا کردن...» / «خب؟» / «خب نداره... درش تخته شد. دیگه نمیشه رفت مریخ...» / «به خاطرِ همینی که گفتی؟» / «بله... اسمش پرکلراته. برای انسان خطرناکه. نمیشه اونجا زندگیِ انسانی به وجود آورد. دانشمندا فکر نمی‌کردن اونجا «پرکلرات» باشه...»

همونجور که داشتم زیرِ چونه‌ام رو می‌خاروندم، به چند تا مسئله همزمان فکر می‌کردم. یکی این که الان چی به این بگم دلم خنک شه. دوم این که از کجا «پرکلرات» گیر بیارم و بریزم تو حلق این... سوم هم این که واقعا کاشکی می‌شد تو مریخ زندگی کرد... یا این و آدم‌هایی مثل این رو بفرستیم، یا خودمون بریم.

– «آقا در هر حال خیلی متاسف شدم که این ماده هه اونجا پیدا شده. حالا مریخ نشد، ایشالا یه کُره دیگه...» / «مسخره می‌کنی؟» / «نه پس. واقعا متاسف شدم. منو وسط خیابون تو این گرما، تو این شرجی، یقه کردی میگی درِ مریخ تخته شده چون توش فلانه؟ حالا مگه تو مسیرِ رفت بودیم و نشده، باید برگردیم؟!» / «نمی‌فهمین دیگه... نمی‌فهمین...»

همینجور که برایِ من و نسلِ بشر تاسف می‌خورد، ولم کرد و رفت. امروز به اتفاق یکی که اصلا نیازی نیست بگم کی و خودتون میدونین، سوار ماشین بودیم و پشتِ چراغ قرمز ایستاده بودیم. از بختِ بد، این دانشمند هم با ماشینش صاف اومد بغل دست ما. تا اومدم خودم رو به ندیدن بزنم، شکارم کرد. اشاره کرد که شیشه رو بده پایین. گفتم یه جوری از سر، بازش کنم. از همون پشتِ شیشه گفتم: «بعدا تماس می‌گیرم باهات...» ولی دوستِ منجم، ظاهرا به علم اشاره و چشم و ابرو اصلا تسلط نداشت و اصرار که: «بده پایین شیشه رو. کارت دارم...»

یه نذری تو دلم کردم و شیشه رو دادم پایین: «جانم؟»

– «آقا اون موضوع رو که گفتم درش تخته‌س... شاید هم بشه ها... بستگی به غلظتِ همون اونی که بهت گفتم داره... غلظتِ پایین باشه، ردیفه...»

در همین حال که من دهنم همینجور باز مونده بود، چراغ سبز شد و گالیله راه افتاد و رفت. سرم رو برگردوندم و راه افتادم. حالا این ور بساط داشتم:

– «این دوستت چی گفت؟... کجا دیگه درش تخته نیست؟... غلظتِ چی ردیفه...؟»

– «ببین، اگه بهت بگم صحبتمون راجع به «کره مریخ» و «پر کلرات» بود باورت میشه؟»

قصه های گمشده – ۴۰ (این پاورقی روزهای فرد منتشر می‌شود)

آرش خوشخو

مرگ شاعر در سد کرج

در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد فیلمخانه ملی ایران در سینما صحرا (ریولی سابق) راه افتاد و ما سینما دوست‌ها هر هفته با شگفتی بر روی پرده بسیار بزرگ این سینما به زیباترین تصاویر خیره می‌شدیم. از کارهای صامت مورنائو و کمدی‌های باستر کیتون تا سینمای شاعرانه دهه سی فرانسه و فیلم‌های کمتر دیده شده هیچکاک. مطمئنا یکی از به یادماندنی‌ترین تجربه‌های فیلم دیدن ما جوان‌های مشتاق پرادعا در فیلمخانه ملی مربوط به دوره مستندهای سینمای ایران بود و در میان این آثار (که کارهای شیردل و هژیر داریوش و پرویز کیمیاوی و ناصر تقوایی و ابراهیم گلستان هم در میان آنها بود) یک فیلم شاعرانه از ایران که توسط یک سینماگر فرانسوی ساخته شده بود داستانی جداگانه داشت. در سالن تاریک سینما صحرا مسحور صدای جادویی منوچهر انور بودیم که احساسات باد صبا را برای ما نقل می‌کرد و همراه با تصاویر فیلم طبیعت و مردم ایران را در زیباترین قاب‌ها و تصاویر نگاه می‌کردیم. هنوز هم خاطره تماشای باد صبا در سینما صحرا در ته ذهنم جاخوش کرده و هنوز هم می‌توانم آن حالت بی‌وزنی خودم در روشن شدن چراغ‌های سالن را به یاد بیاورم.

آلبر لاموریس کارگردان فرانسوی در سال ۱۳۴۸ به ایران فراخوانده شد تا از سیر مدرنیزاسیون ایران مستند بسازد. یک دعوت عالی و با سلیقه که دقیقا نمی‌دانم چه کسی پشت چنین حسن سلیقه غیرمنتظره‌ای حضور داشته است. لاموریس با ساخت بادکنک قرمز به یکی از چهره‌های مهم سینمای قدرتمند فرانسه در دهه شصت بدل شده بود و جوایز اسکار، نخل طلای جشنواره کن و شیر طلایی جشنواره فیلم ونیز را در چنته داشت. لاموریس متخصص فیلمبرداری با هلیکوپتر و از نماهای مرتفع بود و حتی دستگاهی به نام هلی‌شات اختراع کرده بود که فرایند فیلمبرداری از هلیکوپتر را آسان‌تر کرده بود.

هلیکوپتر را از دریاچه بیرون کشیدند

جسد خلبان و کمک خلبان پیدا شد اما از دو فیلمبردار فرانسوی اثری نیست

اطلاعیه سینما امپایر

لاموریس به ایران می‌آید و با در اختیار گرفتن یک هلیکوپتر و یک خلبان و یک کمک خلبان طرح فیلم مستند باد صبا را می‌ریزد. این که فیلم از نگاه باد دیوانه صبا روایت شود که در گوشه و کنار کشور می‌وزد. تمهید فوق‌العاده‌ای بود. لاموریس به عنوان یک خارجی و در گشت و گذارهای پیوسته‌اش در ایران آن هسته شاعرانگی زندگی ایرانیان را کشف کرده بود. او ۱۶ ماه در ایران پرواز کرد و فیلم گرفت و حتی تصمیم داشت خانه‌ای در اصفهان زیبا بخرد. او خانواده خود را هم به تهران آورده بود. او دلش می‌خواست که نریشن انگلیسی فیلم را اورسن ولز بخواند اما پیتر چلکوفسکی ایران شناس لهستانی‌الاصل آمریکایی لاموریس را با منوچهر انور آشنا کرد و این نخبه فرهیخته ایرانی در یک همکاری نزدیک با لاموریس نریشن انگلیسی و فارسی این فیلم زیبا را ادا کرد. مشکل این‌جاست که محمدرضا که در مورد آثار مستند ابراهیم گلستان آن هم با همه وجوه انتقادی نهفته‌شان برخوردهای دموکرات‌مآبانه نشان می‌داد ناگهان در مورد شاهکار شاعرانه لاموریس طاقچه بالا گذاشت و گفت که ایران مدرن و پیشرفت‌هایش در فیلم قربانی نمایش تصاویری اگزوتیک و نوستالژیک از ایران و طبیعتش شده است. لاموریس به تهران فراخوانده شد تا بخش مدرن ایران را هم در فیلمش بگنجاند. اولین هدف سد کرج بود. ۱۶ پرواز پیاپی بر روی سد کرج لاموریس را قانع نکرد. اما پرواز آخر به نتیجه خوبی ختم نشد. لاموریس خوابی دیده بود که در دریای مازندران غرق می‌شود، اما کابوسش در دریاچه سد کرج تعبیر شد. او حین پرواز، در دوم ژوئن ۱۹۷۰ (۱۳ خرداد ۱۳۴۹)، وقتی تنها چهل‌وهشت سال داشت، به دلیل نقص فنی و برخورد با کابل‌های مخصوص تمرین تکاوران هنگام فیلمبرداری از سد کرج سقوط کرد، آن هم در شرایطی که حدود ۸۵ درصد از فیلم فیلمبرداری شده بود. البته دستیار ایرانی فیلمبرداری، محمود نوربخش به همراه پسر لاموریس، پاسکال، همان که چهارده سال پیش، نقش اصلی فیلم بادکنک قرمزش را بازی کرده بود، از مرگ نجات یافتند اما لاموریس، یکی از فیلمبردارانش، گی تابری و خلبان، ژیلبر شوما کشته شدند. او را در قبرستان مون‌پارناس پاریس به خاک سپردند اما آخرین اثر او، یعنی همین باد صبا، به مدت ۷۱ دقیقه، با تدوین دنیس دکازابیانکا، و به همت همسر لاموریس، کلود، نمایش داده و در سال ۱۹۷۹، نامزد بهترین مستند بلند در اسکارِ آن سال شد.

مرگ یکی از شاعرترین سینماگران در سد کرج. این متن غم انگیز را بهانه کنید و همین امشب به دیدار باد صبا بروید و در جادوی آن غوطه ور شوید. هیچ کس را ندیده‌ام که چنین عاشقانه درباره ایران روایت کرده باشد. روحت در آرامش آقای لاموریس.

سایت‌نگار

دردسرهای ضیا و اردشیر، سرنوشت شروین و نیک، ساکنین فرهیخته سلسبیل

مهدی بذرافکن نوشت: در بین اهالی رسانه و سایرین، معمولا به این نکته توجه می‌شود که: «مگر کیهان چقدر تیراژ دارد؟»

و در ادامه: «روزنامه‌ای که تیراژش کم است و خریدار ندارد، اهمیتی دارد چه بنویسد یا نه؟» واقعیتش چنین نیست. وقتی صحبت از برند می‌شود و پای برندِ با اصالت مطبوعاتی وسط می‌آید روزنامه‌های قدیمیِ در حال انتشاری مثل اطلاعات، کیهان، خراسان، ابرار، خبر، ایران، همشهری و ... حتی اگر در اوج نباشند، حتی اگر متوسط یا ضعیف باشند باز هم مورد توجه هستند. حال اگر این روزنامه، کیهان یا اطلاعات باشد -که سرپرستان آن توسط عالی‌ترین مقام کشور منصوب می‌شوند- این اهمیت، ارزشی مضاعف می‌یابد و هر نکته‌ای، حرفی، تیتری، سوتیتری، روتیتری، سرمقاله‌ای، یادداشتی، عکسی، طرحی، اشتباهی، غلطی، درستی، خلاصه هر کاری انجام دهند زیر ذره‌بین هستند و کارها و اعمالشان نقد و بررسی می‌شود.

من معتقدم در شرایط فعلیِ روزنامه کیهان با حسین شریعتمداری، هرچند از نگرش چاپ و گرافیک و ظاهر ضعیف و ایرادهای بسیاری به آن وارد است اما حتی اگر همین کیهان روی کاغذ باطله هم چاپ و منتشر شود، حتی اگر به صورت یک بولتن خیلی ساده دمِ دستی هم توزیع شود، باز یادداشت‌ها، تیترها و مطالبش مورد توجه افکار عمومی قرار می‌گیرد.

دلیل اولِ این اهمیت همان برند باسابقه است.

دلیل دوم اما از دلیل اول مهم‌تر و بسیار تاثیرگذارتر است؛ رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی. وقتی کیهانی‌ها می‌بینند کوچکترین واکنش‌شان در روزنامه بازتاب‌های بسیاری در رسانه‌های مختلف دارد چه نیازی به تقویت قوای گرافیکی و محتوای حرفه‌ای خود دارند؟ از نظر کیهانی‌ها توجه به رنگ و فونت و کاغذ و کیفیت چاپ و زیبایی و سایر اصول حرفه‌ای روزنامه نگاری برای زمانی است که آنها بخواهند در رقابت فروشِ «فقط کیوسک مطبوعاتی» حاضر باشند آن وقت مجبور بودند جذاب‌تر باشند بلکه به چشم مخاطب بیایند اما الان که آنها ساعت هشت شب صفحاتشان را می‌بندند و تا ساعت ۹ روزنامه فردا را روی سایتشان قرار می‌دهند از همان لحظه است که من و شما شروع به نقد جلد و سرمقاله و حرف‌های تند و نقدهای تیز کیهان می‌کنیم: «کیهان نوشت، حسین شریعتمداری در کیهان نوشت، تیتر عجیب کیهان درباره فلان، یادداشت انتقادی کیهان درباره بهمان، و...»

وقتی چنین است چرا باید کیهانی‌ها برای مرغوبیت خود بکوشند. آنها که به فاصله چند ساعت تمام دیدگاه‌هایشان فضای مجازی را پر می‌کند چرا باید تلاش کنند؟ اصلا نسخه چاپی هم نداشته باشند با همین پی‌دی‌اف‌ها به هدفشان می‌رسند.

نوشاد عالمیان آخرین نماینده تنیس روی میز کشورمان در المپیک پاریس پس از شکست مقابل هاریموتو ژاپنی اظهار داشت: بازی نزدیکی بود و هاریموتو واقعا خوب بازی کرد. تنیسور ژاپنی در حال حاضر در بهترین فرم زندگی‌اش قرار دارد و در بانکوک نیز با شکست ۴ بر صفر پینگ پونگ‌باز چینی قهرمان شد و شرایط خیلی خوبی داشت و امروز نیز عالی بازی کرد. وی با ابراز رضایت از عملکرد خود گفت:. بازی پایاپای بود و در ست آخر نیز ۴ بر یک جلو بودم، ولی نشد.

عالمیان با انتقاد از شرایط دهکده ورزشکاران گفت: شرایط از لحاظ امکانات و غذا افتضاح است. دیشب اصلاً غذا نبود و من فقط برنج خالی خوردم. البته اگر اینها را بگوییم عنوان خواهند کرد که بهانه است و ورزشکاران دیگر کشورها نیز در دهکده هستند. در حالی که تیم‌های انگلیس و چین تایپه دهکده را ترک کردند. دوست ندارم این جو پیش بیاید که بگویند دنبال بهانه است و به حریف ژاپنی تبریک می‌گوییم که حرفه‌ای تر بود.

خبرگزاری فارس و تسنیم از اعلام جرم دادستانی علیه اردشیر رستمی و علی ضیا (مجری صداوسیما) به دلیل اشاره آنها به موضوع همجنسگرایی خبر داد.

علی ضیا به بازی اخیر اردشیر رستمی در یک فیلم در نقش فرد همجنسگرا اشاره می‌کند و هر دو در این باره گفت‌وگو می‌کنند. این برنامه با نام «با ضیا» در قالب مصاحبه‌ای است که در فضای اینترنت منتشر می‌شود.

فرهیختگان با بررسی فیلم‌ها و مقدار بودجه‌ای که از طریق بنیاد فارابی به آنها تعلق گرفته است نوشت: «در این فهرست آثار گران‌قیمت زیادی دیده می‌شود که سرآمد آنها را می‌توان آسمان غرب به کارگردانی محمد عسگری دانست؛ فیلمی که بنیاد فارابی برای سهم ۵۰ درصدی در آن، ۲۹ میلیارد تومان هزینه کرده است!

با این حساب می‌توان آسمان غرب، را با برآورد نزدیک به ۶۰ میلیارد تومانی، پرهزینه‌ترین فیلمی دانست که طی ۳،۵ سال گذشته با سرمایه این زیرمجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (به شکل مشترک با حوزه هنری) ساخته شده؛ فیلمی که درنهایت با وجود قرارگیری در اکران طلایی نوروز، تنها ۱۰ میلیارد تومان در گیشه فروخت و مورد توجه تماشاگران واقع نشد.»

نکته جالب توجه این است که فیلم آسمان غرب که حداقل با ۶۰ میلیارد تومان ساخته شده از فروش ۱۰ میلیارد تومانی آن در سینماها تقریبا یک سوم آن دوباره به صاحب فیلم برمی‌گردد، چون نصف فروش متعلق به سینمادار است و با احتساب هزینه‌های تبلیغات و ... بازگشت سرمایه این فیلم تا به امروز حدود ۳ میلیارد تومان بوده است.

۶۰ میلیارد هزینه شده و ۳ میلیارد برگشته یعنی ۵۷ میلیارد ضرر، اما باز این قضیه زیاد ناراحت کننده نیست اگر این فیلم یک اثر استراتژیک همراه با قابلیت‌های دیگری بود مثل تاثیر گذاری بر مخاطب یا شفاف سازی خلاقانه از یک مقطع تاریخی و ... آن موقع می‌شد گفت برای این قضیه ۶۰ میلیارد هزینه کردن هیچ اشکالی هم ندارد ولی متاسفانه این خصوصیت‌ها در فیلم وجود ندارد و فیلمی بسیار کلیشه‌ای و تکراری است.

دومین فیلم گران‌قیمت این فهرست، اثر ۵۰ میلیارد تومانی خیرالله تقیانی‌پور با عنوان قلب رقه است که تهیه‌کننده آن برای اعطای سهم ۵۰ درصدی به فارابی، از این بنیاد ۲۵ میلیارد تومان دریافت کرده است. اگرچه این فیلم هنوز اکران نشده، ولی براساس واکنش تماشاگران در جشنواره، به‌نظر می‌رسد شاید نتواند حتی همان ۱۰ میلیارد فیلم آسمان غرب را هم تکرار کند.

از دیگر فیلم‌های پرهزینه فارابی که به مرحله ساخت رسیده، می‌توان به سینما متروپل اثر محمدعلی باشه‌آهنگر اشاره کرد که با دریافت ۲۴ میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان درنهایت با سیمرغ‌های بهترین فیلم و بهترین کارگردانی از فجر سال ۱۴۰۱ بدرقه شد، اما برای اکران، سرنوشت نامعلومی دارد و گفته می‌شود دچار مشکل شده است.

بنیاد سینمایی فارابی همچنین قرارداد عجیبی با سازندگان فیلم دست ناپیدا ساخته انسیه شاه حسینی دارد که برای سهم ۲۵ درصدی از آن، ۹ میلیارد تومان پرداخت کرده یعنی کل فیلم ۳۶ میلیارد تومان برآورد داشته و این رقم برای اثری که در جریان جشنواره فجر به‌عنوان «کمدی ناخواسته» مطرح شد، چیزی جز هدررفت بودجه نیست.

اسلوونی درحالی اولین طلای خود را در المپیک پاریس دشت کرد که در کمال تعجب، این مدال خوش رنگ را آندریا لشکی به عنوان یک خانم و همچنین فارغ‌التحصیل دانشکده اقتصاد دانشگاه لیوبلیانا در کشور اسلوونی (بهترین دانشکده در بهترین دانشگاه این کشور) و آن هم در رشته جودو و در وزن منفی ۶۳ کیلوگرم به‌دست آورد.

به گزارش همشهری آنلاین، سلسبیل که امروز در کانون شلوغی‌های پایتخت قرار گرفته در سال‌های دور روزهای آرامی را سپری می‌کرد و شاید به همین دلیل بسیاری از هنرمندان پایتخت که آرامش سلسبیل با ذائقه‌شان سازگار بود این محله را برای زندگی انتخاب می‌کردند.

سید رسول امینی، نویسنده و ساکن قدیمی محله سلسبیل، در این‌باره می‌گوید: «زندگی مشاهیر فرهنگی و هنری در سلسبیل سابقه‌ای طولانی دارد و برخی از هنرمندان نامی تهران هنوز در این محله زندگی می‌کنند. استاد محمدرضا ایلدار ژاله، شاعر، نویسنده و سازنده سازهای ایرانی، یکی از همین مشاهیر هنری است که به واسطه ابداع سازهای سنتی مورد توجه استاد محمدرضا شجریان هم قرار گرفت.

دکتر سیدحسین حسینی یکی دیگر از شاعران معاصر بود که در محله سلسبیل متولد شد و بعدها به نازی‌آباد کوچ کرد. مرحوم فریدون فروغی، خواننده، ترانه‌سرا و آهنگساز، و استاد محسن راسخ، سازنده سازهای ایرانی و یکی از صنعتگران تهرانی، هم اهل سلسبیل بودند.»

بین چهره‌های نامداری که در سلسبیل متولد شدند یا در این محله می‌زیستند نام برخی بازیگران سرشناس سینما و تلویزیون هم دیده می‌شود که جمشید هاشم‌پور سرآمد همه آنهاست. سید رسول امینی درباره سابقه زیست بازیگران سینما در سلسبیل می‌گوید: «جمشید هاشم‌پور یکی از پرکارترین بازیگران سینما در دهه ۶۰ بود و در آن برهه در محله سلسبیل زندگی می‌کرد. او فرزند گروه اول مهاجرانی بود که از اردبیل به سلسبیل آمدند و سال‌ها در این محله زندگی کردند. جواد خدادادی، بازیگر سریال طنز تلویزیون، که در دانشکده هنرهای دراماتیک تحصیل کرده هم یکی دیگر از هنرمندان محله سلسبیل است.»

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: چندی قبل زن جوانی به اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران رفت و گفت: در یکی از خیابان‌های تهران برای رفتن به خانه سوار بر یک خودروی عبوری پژو ۲۰۶ شدم، در مسیر بودیم که ناگهان راننده یک دستمال آغشته به دارو روی صورتم گذاشت و بی‌هوش شدم، هنگامی که چشمانم را باز کردم پی بردم مورد هدف آزار و اذیت قرار گرفتم.

کارآگاهان خیلی زود وارد عمل شدند و در نخستین گام دوربین‌های مداربسته خیابان موردنظر را هدف بازبینی قرار دادند که پلاک خودروی موردنظر شناسایی شد.

کارآگاهان در گام بعدی با اقدامات اطلاعاتی گسترده، هویت مرد شیطان‌صفت را شناسایی کردند و متوجه شدند که او در خانه‌ای در غرب استان تهران مخفی شده است که همین سرنخ کافی بود تا متهم در یک‌قدمی بازداشت قرار بگیرد.

تیم جنایی پس از دریافت این اطلاعات مهم، با هماهنگی‌های لازم با مراجع قضائی راهی مخفیگاه موردنظر شدند و پس از تعقیب و مراقبت‌های نامحسوس مرد شیطان‌صفت را در یک عملیات ضربتی دستگیر کردند. متهم در جریان بازجویی‌های اولیه صراحتاً به جرم آزار و اذیت شیطانی زن جوان با شگرد مسافرکشی اعتراف کرد.

محمدرضا باقری، فعال رسانه، با انتشار ویدئویی در توئیتر خود نوشت: خانم الهام (پرستو) صالحی، هنرمند مهمی نیست و نبود، در ده سال اخیر به عدد انگشتان یک دست هم کار حرفه‌ای نکرده، درست است که در تهییج فتنه‌گران ۴۰۱ نقش داشت ولی حالا که کارفرمایانش پولش را نمی‌دهند، زندگی در غربت برایش سخت شده و می‌خواهد برگردد. موافق بازگشت او هستم اما به شرطی که اولا عذرخواهی کند، ثانیا کارفرمایانش را به مردم معرفی کند، ثالثا مدتی در بیمارستان روانی جهت پالایش روحی بستری گردد.

برترین‌ها: سه‌شنبه‌شب ویدئویی تازه از شروین حاجی‌پور منتشر شد و به سرعت همان ترانه «برای» این ویدئو هم دست به دست شد. این بار هم شروین از «برای» گفته و در واقع برای همین کار و عدم تجدیدنظر در محکومیتش باید حدود ۴سال به زندان برود. او البته در این ویدئوی سه دقیقه‌ای پرسشی را هم مطرح کرده. اینکه چگونه باید به مدنی‌ترین شکل ممکن اعتراض می‌کرد تا تحریک افکار عمومی به حساب نیاید؟ اما نکته تکان‌دهنده صحبت‌های او اشاره به بیماری پدرش و جمله «نمی‌خوام به زندان برگردم» بود. شروین ۲۷ساله در اوج جوانی و شهرت مقابل سخت‌ترین پیچ زندگی قرار گرفته و شاید اگر ۲۷ سالگی را تجربه کرده باشید متوجه این شوک بزرگ خواهید شد.

هم‌زمان طی روزهای گذشته نیک یوسفی به واسطه کارگردانی مسابقه گل یا پوچ که مهران مدیری را دارد خبرساز شده. وجه اشتراک یوسفی با شروین این است که هر دو به واسطه اعتراضات ۱۴۰۱ شناخته شدند اما سرنوشت این دو حالا متفاوت خواهد بود. برخی مثلا از اکانت‌های توئیتر و فعالان اینستاگرام، این‌گونه قضاوت کرده‌اند که نیک یوسفی از قِبَل اعتراضات و شهرتی که در ۱۴۰۱ کسب کرده وارد پروسه‌های درآمدزایی شده و در نقطه مقابل این اتفاق برای شروین حاجی‌پور رخ نداده و در واقع این دسته از فعالان شبکه‌های اجتماعی دوقطبی ایجاد کردند و نیک یوسفی را آدمی قلمداد کرده که از کنار شهرت کیسه دوخته اما شروین را صادق‌تر و مردمی‌تر تفسیر کردند.

ایران: جولان عقرب‌ها در سیستان و بلوچستان و خزیدن مارها در خانه‌ها و پارکینگ‌های اصفهانی‌ها؛ پدیده‌هایی که هر چند هر سال در فصل گرم سال زیاد دیده می‌شود اما امسال با افزایش گرما موارد عقرب گزیدگی در زاهدان و وجود مار در خانه‌های مسکونی اصفهانی‌ها بیشتر گزارش شده است.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان گفت هر سال با شدت یافتن گرمای هوا بخصوص در ماه‌های تیر و مرداد با افزایش تعداد مارها در سطح شهر و محل زندگی شهروندان مواجهیم که در این زمینه تماس‌های متعددی را روزانه درباره رویت مار در محل زندگی و کار مردم دریافت می‌کنیم. وی خاطرنشان کرد: تیر گذشته حدود ۶۰ گزارش درباره وجود مار در منازل و خودروی شهروندان اصفهانی دریافت شد که همکاران آتش‌نشانی با مراجعه به محل، ۵۶ حلقه آنها را زنده‌گیری و به محیط زیست و طبیعت بازگرداندند.

پیروز ارجمند، مدیر کل اسبق دفتر موسیقی ارشاد:

– اگر بخواهم به عنوان یک آهنگساز نظر بدهم، تتلو یک پدیده در موسیقی است. ملودی‌های خوبی دارد، تلفیق شعر و موسیقی را به خوبی بلد است، خوب می‌خواند و آرتیست خوبی است.

– همان زمان هم بر این باور بودم که تتلو باید مجوز می‌گرفت و کار می‌کرد. به نظر من اگر ما با تتلو درست رفتار کرده بودیم (گرچه در دوره بعد از من بوده است) او می‌توانست یک سرمایه برای موسیقی این سرزمین باشد. هنوز هم بر این باور هستم که امثال تتلو می‌توانند حرف‌هایی را که من و شما نمی‌توانیم به جوان‌ها بزنیم، بزنند. خیلی حرف‌های خوبی هم می‌تواند بزند.

ماهنامه پیوست در گزارشی به پرونده اختلاف بین دو پلتفرم پخش محتوای تصویری در فضای آنلاین یعنی فیلیمو و فیلیمیوم پرداخت و نوشت:

– دعوا بر سر نام است. فیلیمو می‌گوید نام فیلیمیوم تقلیدی از نام اوست و باعث گمراهی مخاطبان شده و فیلیمیوم می‌گوید مجوز از مراجع قانونی گرفته و نامش ترکیبی است از دو اسم عمومی. کدام یک درست می‌گویند و قانون حق را به چه کسی داده است؟

– جواب ساترا در نوع خود از نظر حقوقی حیرت‌آور است و شاید به همین دلیل هم حذف شده. اولاً رگولاتور رسماً از حالت بی‌طرفی خارج شده و می‌گوید: «دلیل صدور بیانیه فیلیمو به بهانه صدور مجوز برای رسانه‌ای به نام فیلیمیوم و ارائه نسبت‌های ناروا به ساترا این است که سکوی دیگری به حریم منافع این بنگاه اقتصادی نزدیک شده.»

– در بند بعدی ساترا گفته فیلیمو مالکیتی بر کلمه فیلم ندارد و اگر دو حرف به آن اضافه کرده، حق مالکانه روی آن دارد ولی کسی دیگر اگر چهار حرف اضافه کند، مالکیتی ندارد؟ باید از ساترا پرسید اگر کسی همین حالا یک رسانه صوتی و تصویری راه بیندازد و نام آن را «ساتراپ» که به معنای نگهبان شهر (قلمرو)، فرماندار یا استاندار یکی از بخش‌های شاهنشاهی هخامنشی بوده بگذارد، این نهاد به آن رسانه مجوز خواهد داد؟ رگولاتوری که متوجه نیست اضافه شدن دو حرف می‌تواند باعث تضییع حقوق کاربران شود دقیقاً در حال مقررات‌گذاری بر سر چیست؟

تا ۳ میلیارد تومان چه بنزی بخریم؟

بررسی شش خودروی بنز در بازار که تا ۳ میلیارد تومان قیمت دارند

گروه خودرو | اولین ماشین برند مرسدس بنز درست در سال ۱۳۲۷ پا به تهران قدیم گذاشت و از دوستداران ماشین با عنوان «اتومبیل آلمانی» دلربایی کرد. در آن زمان شرکت دایملر –بنز در ایران نمایندگی واردات محصولات این برند آلمانی را به عهده داشت. شاید جالب باشد بدانید پیش از این اتفاق، ورود خودرو بنز مختص افراد و رجل سیاسی بود. همان زمان شرکتی دیگر با نام لیدا وارد میدان شد و تلاش کرد تا نمایندگی واردات محصولات بنز را بر عهده بگیرد که ورود بدون دانش آن باعث تعویق ۳ ساله در واردات محصولات مرسدس شد. پس از آن اما شرکت مریخ عهده‌دار واردات محصولات این شرکت شد و به دلیل ابتکار عمل و دانش بالا موفقیت نسبتا خوبی را بدست آورد. مرسدس بنز در آن روزها آنچنان از جایگاه و محبوبیتی برخوردار شده بود که شهربانی و تاکسیرانی تهران سفارش عمده‌ای جهت تهیه ماشین‌های مورد نیاز این دو سازمان ثبت کردند. روزهای موفقت‌آمیز یکی پس از دیگری برای شرکت مریخ در حال گذر بودند تا جایی که این شرکت موفق به واردات کامیون‌های یونیماگ به کشور شد. پس از آن نیز مدل‌های متعددی از مینی‌بوس و کامیون‌های تولیدی بنز هم پایشان به ایران باز شد، به گونه‌ای که دیگر در دهه ۶۰ میلادی همه محصولات بنز در ایران موجود بودند. طی همه این سال‌ها واردات ماشین‌های برند محبوب ایرانی‌ها (بنز) به ایران ادامه داشت و در حال حاضر شرکت ستاره ایران نمایندگی واردات محصولات Mercedes Benz را بر عهده دارد. با باز شدن واردات خودرو قرار شد بنز هم البته برای جانبازان به ایران بیایند اما در گزارش بررسی می کنیم کدام مدل بنز را با تا ۳ میلیارد تومان می توانید در بازار خریداری کنید. قیمت‌ها براساس اعلام سایت‌های فروش خودرو است.

بنز کلاس C۳۵۰

مدل ۲۰۰۸/قیمت ۱ میلیارد و ۴۳۰ میلیون تومان

مرسدس‌بنز با نسل سوم C-class، که با کد W۲۰۴ شناخته می‌شود، جواب محکمی به بام‌و سری ۳ مدل E۹۰ داد؛ خودرویی که خیلی زود تبدیل به یکی از پرفروش‌ترین کلاس‌های بنز شد. W۲۰۴ به دلیل طراحی انقلابی‌اش به‌شدت مشهور شد چراکه مرسدس‌بنز پس از سال‌ها تولید کلاس C با چراغ‌های دایره‌ای، سرانجام دست از این ترکیب بصری برداشت و یک نمونه کاملاً متفاوت تولید کرد. نسل سوم خانواده C-class از مدل ۲۰۰۸ به کشورمان رسید و مشتریان ایرانی نیز اکثرا به سراغ مدل کمپرسور آن یعنی C۲۰۰ رفتند چراکه هم تنها عضو ۴ سیلندر این خانواده است و هم تنها مدل با پیشرانه سوپرشارژ. البته در کنار C۲۰۰، مدل‌های ۶ سیلندر W۲۰۴ نیز در ایران حضور داشتند مانند C۲۳۰ با پیشرانه ۲/۵ لیتری، C۲۸۰ و C۳۰۰ هردو با پیشرانه ۳ لیتری و نهایتا C۳۵۰ با پیشرانه ۳/۵ لیتری. در ایران، خانواده W۲۰۴ عموما تجهیزات مشابهی دارند. البته برخی از آنها در تیپ‌های الگانس (صفحه کیلومتر مشکی، تریم چوب کنسول، قاب کرومی مه‌شکن) و تعدادی محدودی نیز در تیپ آوانگارد (صفحه کیلومتر تیتانیومی، تریم آلومینیومی کنسول، قاب کرومی مه‌شکن با دو خط افقی) هستند. همچنین W۲۰۴ در تمامی مدل‌ها فرمان ۴ شاخه داشت و تنها در پکیج AMG به فرمان ۳ شاخه مجهز است. سال ۲۰۰۹ تب حضور مدل‌های موسوم به سفارش آمریکایی این خودرو در بازار بالا گرفت. مدل‌هایی که راه شناسایی آن‌ها گیج کیلومتر بر حسب مایل و نشانگر دما بر حسب فارنهایت بود. البته لازم به ذکر است که بازار کم کردن کیلومتر پیمایش این خودرو نیز بسیار داغ است.

بنز کلاس CLS۳۵۰

مدل ۲۰۰۶/قیمت ۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان

می‌توان اعتراف کرد که هنوز هم در بازار ایران خودرویی به زیبایی و خاصی این «فست‌بک» نداریم؛ سدان منحصر به فرد اشتوتگارتی‌ها که برای اولین‌بار سال ۸۴ وارد ایران شد. سی‌ال‌اس که خود را «کوپه سایز بزرگ» مرسدس معرفی می‌کند، از سال ۲۰۰۴ راهی بازارهای جهانی شد و خیلی زود (کمتر از یک سال بعد- سر از ایران درآورد. این آلمانی دوست‌داشتنی اگرچه روی پلت‌فرم E کلاس طراحی شده، ولی به لحاظ طراحی خاص بدنه‌اش مشتریان خاص و محدودی را نیز به دنبال خود می کشید. مرسدس برای این خودرو سراغ یک کد پیشرانه کاملاً جدید رفت؛ قوای محرکه‌ای که نامش را M۲۷۲E۳۵ گذاشته بود. در طراحی بلوک و سیستم پاشش آن شرکت مهندسی IVM اتریش نیز حضور داشت. پیشرانه‌ای که در نسل اول سی‌ال‌سی نصب شد، هم‌زمان روی مدل‌های دیگری مانند SLK۳۵۰، E۳۵۰، S۳۵۰ و C۳۵۰ مربوط به همان سال نیز تعبیه شد. تقریباً یک سال بعد از عرضه نسخه ابتدایی، مشتریان ایرانی با نمونه بهبودیافته CLS۵۰۰ نیز آشنا شدند؛ فست‌بک بی‌نظیری که پیشرانه‌اش از ۳/۵ به ۵ لیتر، حجیم‌تر شده بود. خودرو CLS واقعا برای راننده طراحی شده است. حجم موتور این خودرو ۴۷۰۰ سی سی بوده و ۸ سیلندر دو توربو است که ۴۰۲ اسب بخار قدرت تولید می کند و از شتاب و سرعت بسیار خوبی برخوردار است. شتاب صفر تا صد مرسدس بنز کلاس CLS برابر ۴ ثانیه است، دقت فرمان خودرو لیزری است و باعث می‌شود این خودرو توان رقابت با خودروهای سری ۶ شرکت ب ام دبیلو را داشته باشد.

بنز کلاس E۲۴۰ اتوماتیک

مدل ۲۰۰۳/ قیمت یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان

بنز e۲۴۰ خودرویی که نماد کیفیت و قدرت است. به این ماشین ماشین پلیسی هم گفته میشود که برای سفرهای طولانی مدت و جاده ای هم بسیار مناسب است. بنز e۲۴۰ نیز که به بنز پلیسی معروف است در حالت کارکرده خریدوفروش می‌شود. این خودرو برای سفرهای طولانی‌مدت و جاده‌ای بسیار مناسب است. از طرفی فضای داخل کابین آن نیز جادار و راحت است. راننده با این خودرو در هنگام رانندگی‌های طولانی‌مدت احساس خستگی کمتری می کند و علت آن نیز سواری نرم و راحت آن است. تولید بنز e۲۴۰ از سال ۲۰۰۳ آغاز و در سال ۲۰۰۹ پایان یافت؛ بنابراین نباید از این سری از اتومبیل انتظار قدرت موتورهای امروزی را داشت. کارخانه مرکزی شرکت مرسدس بنز در منطقه زیندل فینگن واقع در شهر اشتوتگارت قرار گرفته است. در سال ۱۸۹۰ قدیمی‌ترین سازنده خودروهای بنزینی جهان یعنی دایملر-موتورن-گیزلشافت توسط گوتلیب دایملر و ویلهلم مایباخ تأسیس شد که کارخانه مرکزی شرکت مرسدس بنز در ادامه آن کار کرد. شاخه دیگر از مرسدس بنز کمپانی بنز آگ است که کارل بنز آن را در سال ۱۸۸۳ راه‌اندازی کرد. گوتلیب دایملر در سال ۱۹۰۰ درگذشت و پس از انعقاد قراردادی بین ویلهلم مایباخ و امیل جلینک در سال ۱۹۰۲ شرکت دی ام جی تولید اتومبیل با برند مرسدس را شروع کرد. تولید خودرو با برند مرسدس بنز از ۲۸ ژوئن ۱۹۲۶ توسط کارخانجات این دو شرکت شروع شد. سری E-Class از برند مرسدس بنز به‌اندازه‌ای گسترده است که خود می تواند به‌تنهایی یک برند باشد. تولید این خودروها در چهار نوع سدان، واگن، کوپه و کروک صورت گرفت.

بنز کلاس CLK کروک

مدل ۲۰۰۹/قیمت ۳ میلیارد تومان

مرسدس بنز CLK خودروی گرند تورر (grand tourer) یا همان GT کوچک مرسدس است که تولید آن بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۰ ادامه داشت. نسل دوم این GT دو در که بر پایه پلتفرم مرسدس بنز C کلاس W۲۰۳ تولید شده است، با کدهای (C/A)۲۰۹ شناخته می‌شود. این اتاق مرسدس بنز CLK ابعادی نزدیک به مرسدس E کلاس W۲۱۱ دارد؛ این نزدیکی ابعاد در کنار برخی ویژگی‌های ظاهری مشابه، باعث شده که بسیاری مرسدس بنز CLK را یک نسخه GT دو در از نسل سوم E کلاس بنامند. نسل دوم مرسدس بنز CLK در دو نسخه کوپه و کانورتیبل و با مدل‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ خود وارد بازار کشورمان شده است. نمونه‌های مختلف مرسدس بنز CLK بر اساس نوع پیشرانه‌ای که به آن تجهیز شده نام‌های متفاوتی دارند. با وجود آنکه این خودرو با تیپ‌های Kompressor ۲۰۰، ۲۴۰، ۲۸۰ و ۳۵۰ خود به بازار کشور وارد شده است، اما تعداد نمونه‌های موجود از دو تیپ ۲۴۰ و ۳۵۰ بسیار محدود بوده و مرسدس بنز CLK را عمدتا می‌توان با دو تیپ Kompressor ۲۰۰ و ۲۸۰ آن در بازار یافت. در مجموع باید گفت مرسدس بنز CLK خودرویی نسبتا مسن محسوب شده و در حال حاضر نیز تنها نمونه‌های دست دوم آن قابل خریداری است؛ طبیعتا نمونه‌های دست دوم این خودرو با توجه نوع پیشرانه و همچنین سلامت فنی و بدنه خود قیمت‌های متفاوتی خواهند داشت. با وجود آنکه مرسدس بنز CLK همچنان طرفداران خودش را دارد، اما سن بالا و قیمت گزاف قطعات مختلف این GT خاطرانگیز باعث شده تا علاوه بر هزینه‌های نگهداری بسیار زیاد، بازار خرید و فروش آن نیز شرایط خوبی نداشته باشد.

بنز GL۴۵۰

مدل ۲۰۱۴ / قیمت ۲ میلیارد و ۴۸۰ میلیون تومان

یکی از شاسی بلندهای فول سایز شرکت مرسدس بنز ، بنز کلاس GL است. جثه بزرگ و طول و عرض زیاد از مشخصه های مرسدس بنز GL است. از آنجا که این خودرو نسبت به قبل بزرگتر و عریض تر ساخته شده، شاید شما را برای یافتن جای پارک می نگران کند! مرسدس بنز GL جدید با استفاده از آلیاژ سبک توانسته ۹۰ کیلوگرم از وزنش را کاهش دهد ولی باز هم این خودرو بسیار سنگین است. اگر به دنبال خودرویی جادار با هفت صندلی هستید، مرسدس بنز GL انتخابی عالیست. دقیقا ۳۱ تیر ۱۳۹۳ بود که خبری در رسانه‌های خودرویی با این مضمون منتشر شد، حدود ۳ ماه است که تعداد زیادی مرسدس‌بنز GL مدل ۲۰۱۴ بر روی کامیون‌های خودرو بر در شمال کشور رویت شده‌اند. با دیدن این مدل کمیاب از مرسدس‌بنز که بیشتر در شهرهای اردبیل و آستارا تردد می کنند این سوال در ذهن همه علاقه‌مندان به خودرو پیش می آید که آیا این GL کلاس‌ها برای بازار ایران هستند؟ در پاسخ این سوال باید گفت خیر، این مرسدس‌بنزها برای فروش در بازار خودرویی ایران نبوده و تنها میهمان چند روزه کشورمان هستند. این مدل بنز اتفاقا به ایران آمد. ین غول پیکر آلمانی از یک پیشرانه بزرگ هشت سیلندر خورجینی به حجم ۴/۷ لیتر سود می‌برد. پیشرانه مورد نظر ۴۲۹ اسب‌بخار قدرت و ۶۰۰ نیوتن‌متر گشتاور را توسط گیربکس هفت سرعته اتوماتیک به هر چهارچرخ منتقل می کند. GL ۲۰۱۴ طبق طرح جدید مهندسین مرسدس‌بنز طراحی شده و از امکانات پیشرفته و زیادی سود می‌برد. مرسدس‌بنز مورد نظر صفر تا ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت را در عرض ۵/۴ ثانیه طی می کند تا ۲۵۰ کیلومتر بر ساعت (محدود شده) سرعت بگیرد. مصرف سوخت ترکیبی این غول آلمانی ۱۱/۶ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر است.

بنز E۲۳۰

مدل ۱۹۹۲ / قیمت ۱ میلیارد و ۲۶۰ میلیون تومان

مرسدس بنز کلاس E که از قدیمی‌ترین کلاس‌های این خودرو سازی است، از سال‌های اولیه تولید در ایران حضور داشته و در بین اصلی‌ترین سری محصولات بنز در کشور محسوب می‌شود. در این بین، مرسدس بنز E۲۳۰ را می‌توان سر دم‌دار حضور E-کلاس‌ها در ایران دانست. خودرویی که اولین وارداتش به کشور، مربوط به بنزهایی موسوم به «معماری» و «دانشجویی» می‌شد. تمامی خودرو بازان ایرانی این دو مرسدس بنز محبوب را به خوبی می‌شناسند. تولیداتی که مربوط به ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵ بودند و در نوع خود، نمادی از تجمل و اشرافیت محسوب می‌شدند. در سال‌های بعد، نسخه‌های مدرن‌تر و جدیدتری از مرسدس بنز E۲۳۰ وارد ایران شدند که از طراحی‌های به‌روزتری بهره می‌بردند. هر چند همچنان دورنما و رگه‌هایی از نسخه‌های قدیمی مانند فرم دو گانه چراغ‌های جلو را در غالبی کاملا جدید حفظ کرده بودند. این نمونه‌ها که عموما در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ وارد شدند با کد اتاق W۲۱۱ شناخته می‌شوند.

این نسل از مرسدس بنز E۲۳۰ که سومین نسل از این E-کلاس‌ها محسوب می‌شد، با موتور خورجینی ۶ سیلندر ۲۴ سوپاپ ۲/۵ لیتری توان تولید حداکثر ۲۰۴ اسب بخار قدرت و ۲۴۰ نیوتن متر گشتاور داشت. این قدرت را یک جعبه دنده ۶ سرعته دستی و یا ۷ سرعته اتوماتیک تیپ‌ترونیک به چرخ‌های عقب خودرو منتقل می کرد. شتاب صفر تا صد این خودرو ۹ ثانیه، سقف سرعت آن ۲۴۰ نیوتن‌متر و مصرف سوختش در سیکل ترکیبی برابر با ۹.۵ لیتر در هر صد کیلومتر بود که البته این شتاب، سرعت و مصرف برای وزن ۱۶۵۰ کیلوگرمی این سدان سایز بزرگ کاملا مناسب به نظر می‌رسد.

نیم کلاچ

سدان وارداتی جدید کرمان‌موتور در راه است

لیوان S۶ پرو، سدان جدید خودروساز خصوصی برای بازار داخلی

خودروسازان بم به‌عنوان زیرمجموعه کرمان موتور، قصد عرضه سدان جدیدی به‌نام S۶ پرو را دارد که محصول جوینت ونچر جیلی و لیفان است. در دوران برجام یعنی اواخر دهه ۹۰ شمسی، شرکت خودروسازان بم که زیرمجموعه کرمان موتور محسوب می‌شود، اقدام به مونتاژ جیلی GC۶ کرد تا نماینده این خودروساز خوش‌نام چینی در کشورمان باشد. بااین‌حال، با برهم خوردن برجام و بازگشت تحریم‌ها، جیلی از بازار کشورمان خارج شد و تولید GC۶ خاتمه پیدا کرد. در سال ۱۴۰۱ اما خودروسازان بم دوباره سراغ جیلی رفت و در زمستان همان سال یکی از محصولات این شرکت را با نام Pro BAC X۳ رونمایی کرد. این خودرو هرچند اساساً محصولی از جیلی محسوب می‌شود اما به‌طور غیرمستقیم به ایران آمده است. به گزارش پدال، حال طبق شنیده‌ها، خودروسازان بم قصد دارد پس از X۳ پرو، به‌زودی مونتاژ و عرضه S۶ پرو را هم آغاز کند. این خودرو یک سدان کامپکت است که می‌تواند به رقیبی برای آریزو ۵ اسپرت و ریسپکت تبدیل شود. هرچند S۶ پرو بر پایه امگرند L شکل گرفته اما دماغه آن بازطراحی و به جلوپنجره بسیار بزرگی مجهز شده که شباهتی به جیلی ندارد هرچند چراغ‌های جلو با امگرند L یکسان هستند. در عقب نیز هرچند S۶ پرو مشابه همتای جیلی خود از چراغ‌های پیوسته استفاده می کند اما طراحی این چراغ‌ها تغیر کرده و جا پلاک هم از روی سپر به بالا منتقل شده است. به‌طور کلی، هرچند S۶ پرو از طراحی قابل‌قبولی بهره می‌برد اما زیبایی امگرند L را ندارد. در داخل این سدان چینی هم شاهد نمایشگرهای بزرگ ۱۲/۳ اینچی پیوسته به‌عنوان صفحه آمپر دیجیتالی و نمایشگر سیستم اطلاعاتی-سرگرمی هستیم که با غربیلک فرمان سه‌پره، دریچه‌های تهویه افقی و کنسول مرکزی به‌روز همراه است. به لطف این ویژگی‌ها، S۶ پرو در داخل فضای مدرنی را به نمایش گذاشته که قطعاً در بازار ایران در برابر رقبای خود حرف‌هایی برای گفتن خواهد داشت. این خودرو ۴۷۳۰میلی‌متر طول، ۱۸۱۸میلی‌متر عرض و ۱۴۸۰میلی‌متر ارتفاع دارد و فاصله محوری آن ۲۷۰۲میلی‌متر است. زیر کاپوت این سدان چینی در روسیه یک پیشرانه ۱/۵ لیتری چهار سیلندر توربو قرار می گیرد که در دو نسخه قابل انتخاب است. نسخه اول ۱۴۷ اسب بخار قدرت و ۲۷۰ نیوتن متر گشتاور دارد درحالی که این اعداد در نسخه قوی‌تر به ۱۷۴ اسب بخار قدرت و ۲۹۰ نیوتن متر گشتاور می‌رسد. انتقال نیروی هردو نسخه توسط یک گیربکس هفت سرعته دوکلاچه صورت می گیرد و شتاب صفر تاصد ۸/۸ثانیه در نسخه ضعیف‌تر و ۸/۴ ثانیه در نسخه قوی‌تر را فراهم می کند. فعلاً اما مشخص نیست که خودروسازان بم قصد عرضه کدام نسخه را در بازار کشورمان دارد.

چهارچرخ

هوندا وزل بالاخره به دست مشتریان رسید

پس از گذراندن مراحل مختلف، شاسی‌بلند هوندا وزل به دست مشتریان رسید. این خودرو در دو مدل ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ توسط معین خودرو به ایران وارد شده است. هوندا وزل در واقع همان مدل HR-V است که در بازار ژاپن به این نام تغییر کرده است. ظاهر کلی وزل به سایر محصولات هوندا نزدیک بوده و همان زبان طراحی را به مخاطب نشان می‌دهد؛ یک طراحی ساده و در عین حال شیک که تماماً حس باکیفیت بودن را القا می کند. وزل در زیر کاپوت دارای یک پیشرانه ۱/۵ لیتری ۴ سیلندر است که ۱۲۴ اسب بخار قدرت و ۱۴۵ نیوتون متر گشتاور تولید می کند. این پیشرانه به فناوری I-VTEC هوندا مجهز شده است. قدرت تولیدی توسط گیربکس CVT به چرخ‌ها منتقل می‌شود. هوندا وزل به امکانات مختلفی مانند چراغ‌های LED، نور بالای خودکار، نمایشگر ۴/۲ اینچی کیلومترشمار و نمایشگر ۸ اینچی لمسی اطلاعات-سرگرمی، تهویه مطبوع اتوماتیک دوگانه، اتوهلد، کنترل حرکت در سرازیری، کنترل شروع حرکت در سربالایی، کنترل کشش، سیستم‌های کنترل پایداری، ۴ ایربگ جانبی و ایربگ زانو راننده و... مجهز شده است. این خودرو با قیمت نهایی ۲ میلیارد و ۴۷۵ میلیونی به دست مشتریان رسید. قیمت هوندا وزل اکنون در بازار آزاد به قیمت ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تا ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان رسیده است.

وب‌گردی

کیفیت رنگ خودروهای داخلی، هر روز بدتر از دیروز

گجت‌نیوز نوشت: بر اساس جدیدترین گزارش‌های مردمی از میزان رضایتمندی مالکان خودروهای داخلی و مونتاژی در دوسال اخیر، کیفیت رنگ این محصولات با افت قابل توجهی همراه بوده است. با افزایش قابل توجه قیمت ماشین طی سالیان اخیر در کشور، همزمان شاهد افت سطح کیفی محصولات تولید داخل یا برخی از مونتاژی‌ها نیز بوده‌ایم. این موضوع تا جایی به پیشروی خود ادامه داده که اکنون بر اساس جدیدترین اخبار خودرو و بنا به آمار گزارش‌های مردمی در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، کیفیت رنگ خودروهای داخلی (تولیدی و مونتاژی) با افت شدیدی همراه بوده است. به نوعی که رنگ برخی از محصولات حتی با یک بار کارواش یا کشیدن ناخن برداشته می‌شود. شاید رنگ خودرو جزو ابتدایی‌ترین اصول و وظایف خودروسازان داخلی یا مونتاژی کشورمان در جهت استانداردسازی و استفاده از مواد با کیفیت باشد، اما با این حال در بسیاری از موارد گزارش شده که شرکت‌های خودروسازی داخلی بسیاری از قطعات بدنه را مجدد رنگ و سپس روی خودروهای صفر کیلومتر نصب می کنند. این اخبار تاسف‌بار حتی با تدوین استانداردهای ۸۵ گانه تاثیر نداشته و افزایشی بوده است. این آمار در شرایط انحصاری بازار خودرو کشورمان عجیب و غیر منطقی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در شرایط فعلی اقتصادی خودروسازان داخلی و مونتاژی به جای حل مسائل اساسی در جهت کاهش زیان‌های مالی و جذب مشتری با ارائه محصولات با کیفیت، برعکس عمل کرده و با استفاده از مواد و متریال بی کیفیت در جهت کاهش هزینه‌های تولید قدم برداشته‌اند. از سویی دیگر عدم نظارت نهادهای مربوطه در فرایند تولید و مونتاژ خودرو باعث شده تا علاوه بر کیفیت رنگ خودروهای داخلی، سایر استانداردهای اولیه در تولید چنین محصولاتی از سوی خودروسازان نادیده گرفته شود. بنابراین نهادهای نظارتی تنها با دریافت وجه اضافه به بهانه استانداردسازی محصولات داخلی فقط موجب ضرر مصرف کنندگانی می‌شوند که از بابت چنین شعارهایی مانند عرضه خودرو با استانداردهای ۸۵ گانه، پول بیشتری را برای خرید خودرو پرداخت می کنند.

دیجیتال

معرفی یک ناتینگ‌فون جدید برای سخت‌پسندها

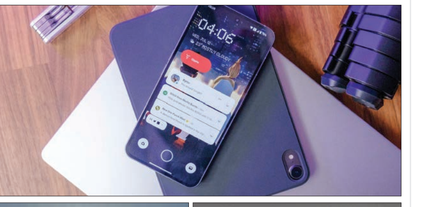

برند ناتینگ برای کسانی که علاقه زیادی به موبایل‌های منحصر به‌فرد دارند، گزینه‌ای جذاب است. در یک سال اخیر، دو مدل از گوشی‌های ناتینگ‌فون در بازار ایران فروش خوبی داشته است. با این حال، تعداد زیادی از خریداران، بعد از پرداخت پول و رسیدن گوشی، آنقدر که باید از گوشی خود راضی نبودند. برخی نسبت به گرافیک آنها احساس رضایت نداشتند و برخی دیگر می‌گفتند جذابیت موبایل تا زمانی است که قابلی برای آن نخریده‌اند. به هر حال برند ناتینگ از تولید گوشی موبایل دست برنداشته و با توجه به استقبالی که قبلا در بین خریداران ایرانی از آن صورت گرفته، انتظار می‌رود که مدل جدید گوشی این برند هم جای خود را در قلب خریداران باز کند. دیروز شرکت ناتینگ از مدل پلاس گوشی ناتینگ‌فون 2a رونمایی کرد که به غیر از اندازه بزرگ‌تر، نسبت به مدل استاندارد از تراشه بهتر و دوربین جدید سلفی ۵۰مگاپیکسلی هم بهره می‌برد. ناتینگ اعلام کرده است که می‌تواند انتظار عملکرد ۱۰درصد سریع‌تر پردازنده و ۳۰درصد بهبود در پردازش‌های گرافیکی سنگین را در گوشی جدید داشته باشد. دومین تغییر عمده ناتینگ فون 2aپلاس یک دوربین سلفی جدید ۵۰مگاپیکسلی است که جایگزین دوربین سلفی ۳۲مگاپیکسلی در ناتینگ فون 2A شده. این سنسور جدید اکنون از ضبط ویدیو 4k با سرعت ۳۰فریم بر ثانیه پشتیبانی می‌کند. همچنان این دوربین درون حفره نمایشگر ۶/۷اینچ AMOLED قرار گرفته است. در پنل پشتی، همان دوربین اصلی ۵۰مگاپیکسلی (۲۴میلی‌متر) و لنز اولترا واید ۵۰مگاپیکسلی مدل قبلی حضور دارند. ناتینگ فون 2aپلاس همچنین به یک باتری پنج‌هزار میلی‌آمپر ساعتی با پشتیبانی از شارژ سیمی ۵۰وات مجهز شده است که یک پهپود جزئی نسبت به شارژ ۴۵وات در ناتینگ فون 2A محسوب می‌شود. مدل پایه این گوشی از ۱۲گیگابایت رم و ۲۵۶گیگابایت حافظه داخلی بهره می‌برد که با قیمت ۳۹۹دلار راهی بازار می‌شود. با این حساب، اگر با دلار ۶۰هزار تومانی قیمت را حساب کنیم، باید حوالی ۲۴میلیون تومان فروخته شود. البته در بازار هند مدل پایه دارای ۸گیگابایت رم و ۲۵۶گیگابایت حافظه داخلی است که در این کشور ۳۳۴دلار قیمت دارد. در حال حاضر، اگر دنبال مدل‌های پیشین ناتینگ باشید، دو انتخاب دارید. گزینه ارزان‌تر ناتینگ‌فون 2a با ظرفیت داخلی ۵۶گیگابایت و در واقع نسل قبلی همین گوشی جدید است که رم ۱۲گیگابایت داشته و با قیمت ۲۰میلیون و ۵۰۰هزار تومان فروخته می‌شود. ناتینگ فون ۱ هم با ظرفیت داخلی ۲۵۶گیگابایت و رم هشت‌گیگابایت هنوز در بازار موجود است و برای خرید آن باید نزدیک به ۱میلیون تومان پول بدهید. اما یک گزینه گران‌تر ناتینگ فون ۲ است که با قیمت ۳۷میلیون و ۶۳۰هزار تومان فروخته شده و حافظه داخلی ۵۱۲گیگابایت و حافظه موقت ۱۲گیگابایتی دارد.

مراقب کلاه‌روی سرتان باشید!

همه استعلام‌هایی که باید قبل از خرید زمین و خودروی دست دوم انجام دهید

گروه بازار | قرقی ندارد زمین باشد یا ماشین؛ برای خرید هر چیز دست دوم که سندش دست اول نیست، باید استعلام بگیرید که خدای ناکرده توی دردسر نیفتید. کلاهبرداری خودرو به روش فروش همزمان یک ماشین به چند نفر هنوز وجود دارد. گاهی اوقات، سند خودرو مشکل دارد و خریدار بدون هیچ اطلاعی، ماشین را می‌خرد. حتی ممکن است سند خودروی مورد نظر در رهن شرکت سازنده یا بانکی باشد. گاهی ممکن است از ماشین شکایت شده باشد و تحت بیگرد قضایی باشد. داستان خرید زمین هم همین شکلی است؛ ممکن است مجوز زمین مشکل داشته باشد، اوقافی باشد، در بافت شهر داری نباشد. چند مالک روی زمین ادعا داشته باشند و ... پولی که برای خرید خودروی دست دوم و زمین می‌پردازید، اصلا کم نیست؛ به همین دلیل، اگر توی دردسر بیفتید و خودروی مشکل دار یا زمینی که به غیر از شما چند صاحب دیگر هم دارد را بخرید، خیلی خوشایند نیست. قبل از اینکه پای میز معامله بنشینید، باید چند استعلام خیلی مهم انجام بدهید، تا هم پولتان این وسط از بین نرود و هم اینکه با یک برگه کاغذی ارزش چند سال تو دادگاه‌ها رفت‌وآمد نکنید! نا بتوانید پولتان را برگردانید. پس مراقب سرتان باشید که نه روی آن کلاه بگذارند، نه بتوانند کلاه روی سرتان را بردارند.

۱ | استعلام‌های موردنیاز برای خرید زمین

خریدوفروش زمین از ازل کار پرریسک و خطرناکی بوده و همچنان هست. فقط کافی است سری به دادگاه‌ها بزنید تا آمار کلاهبرداری‌های که یک زمین را به چند نفر فروخته‌اند، یا زمین یک نفر دیگر را فروخته‌اند و فرار کرده‌اند یا زمین کشاورزی را با کاربری دیگری فروخته‌اند و ... دستتان بیاید. پس اگر می‌خواهید زمین بخرید، باید حواستان به همه چیز باشد.

◀ **استعلام مالکیت زمین:** اول از همه باید از مالکیت زمین مطمئن باشید. اینکه فرد فروشنده، واقعا مالک زمینی است که به شما نشان می‌دهد یا نه. برای این کار دو روش وجود دارد، استعلام اینترنتی و استعلام حضوری. برای استعلام اینترنتی باید به سامانه الکترونیکی سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور مراجعه کنید و با وارد کردن اطلاعاتی مثل کد ملی فروشنده و شماره پلاک ثبتی می‌توانید از مالکیت زمین مطمئن شوید. برای استعلام حضوری نیز می‌توانید با مراجعه به اداره ثبت‌اسناد و املاک محل قرارگیری زمین و با ارائه مدارک لازم به صورت حضوری استعلام بگیرید. نکته مهمی که درباره استعلام مالکیت وجود دارد، این است که به هیچوجه از افراد محلی یا مشاوران املاک آن منطقه پرس‌وجو نکنید! تنها مرجع قانونی برای دریافت استعلام، سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور است. برای خرید زمین باید مطمئن شوید که زمین فقط یک مالک دارد و هیچ شریک یا مدعی دیگری در مورد آن وجود ندارد. در غیر این صورت، در آینده با مشکلاتی مثل صادرنشدن سند و منازعه ملکی و ... روبه‌رو می‌شوید. اگر زمین چند مالک داشته باشد، ریسک معامله خیلی بالا می‌رود. خرید زمین‌هایی که ارثیه فامیلی هستند نیز خیلی دردسر دارد. فقط زمانی برای خرید این زمین‌ها اقدام کنید که همه کارهای انحصار وراثت به صورت قانونی انجام شده باشد.

◀ **مشخصات زمین:** در قدم بعدی باید به نکات موجود در استعلام دقت کنید که شامل، مشخصات کامل صاحب زمین، وجود مالک یا مالکان دیگر، مساحت دقیق زمین، شماره پلاک ثبتی، نوع سند (ملکی، کشاورزی و ...)، کاربری زمین، نداشتن بدهی به بانک، محدودیت‌ها و کاربری‌های خاص و سابقه معاملات باشد. اگر اطلاعاتی که فروشنده یا مشاور املاک به شما داده با استعلام قانونی که گرفته‌اید، تناقض دارد، به سلامت معامله شک کنید. در کل بعضی از نکات ثبتی برای عموم مردم مشکل است، اگر این اصطلاحات را نمی‌شناسید، حتما از یک کارشناس ثبتی یا مشاور حقوقی کمک بگیرید. به همین دلیل اگر نکته یا هشداری در استعلام دیده می‌شود آن را به‌طور دقیق بررسی کنید. اگر زمینی دارای مشکلاتی مثل منازعه ملکی، انحصار وراثت، وقف، قرارگیری در طرح‌های دولتی و ... باشد، هشدارهای نمایش داده شده را جدی بگیرید. حتما باید به این هشدارها توجه کنید.

◀ **بررسی مجوز زمین:** یکی از کارهای مهمی که باید قبل از نشستن پای میز معامله انجام دهید، بررسی مجوز زمین است. اگر می‌خواهید در زمین موردنظر ساخت‌وساز انجام بدهید، زمین حتما باید مجوز ساخت بنای مسکونی داشته باشد؛ چون بدون مجوز ساخت، امکان ساخت‌وساز در زمین و احداث بنا در آن وجود نخواهد داشت. اگر زمینی که می‌خرید فقط مجوز کشاورزی دارد، جز کشت‌وکار و باغداری هیچ‌کار دیگری نمی‌توانید در آن انجام بدهید و ساخت بنا در آن زمین غیرقانونی به حساب می‌آید. پس قبل از خرید زمین از فروشنده بخواهید تا مجوز ساخت زمین را به شما نشان دهد. تاریخ صدور مجوز، مترمتراژ ساخت، نوع بنای مجاز (مسکونی، تجاری، ...) و سایر مشخصات را در مجوز بررسی کنید. در این قسمت هم اگر مشکل داشتید و نکات آن را متوجه نشدید، حتما با یک کارشناس عمران مشورت کنید. مجوز ساخت باید به نام صاحب فعلی زمین باشد، همچنین اعتبار مجوز را بررسی کنید و مطمئن شوید که تاریخ آن نگذشته باشد. پس برای مجوز زمین هم باید از شهرداری درباره بافت شهری و یا مسکونی بودن زمین موردنظر استعلام بگیرید و هم یک سر به جهاد کشاورزی بزنید تا زراعی یا غیرزراعی بودن زمین دستتان بیاید. برای خرید زمین به سراغ اداره منابع طبیعی هم باید بروید؛ چون ممکن است زمینی که می‌خواهید بخرید، جزو بافت جنگلی یا محافظت شده باشد و کلاً قابل معامله نباشد. باید به سازمان اوقاف کشور هم سر بزنید؛ چون در بعضی از مواقع افراد زمین خود را وقف کرده و در این صورت مرجع خریدوفروش آن زمین قانونی نیست.

◀ **بررسی بدهی یا در رهن بودن زمین:** بعضی از زمین‌ها به شهرداری بدهکار هستند. بعضی‌ها هم به بانک؛ یک سری از زمین‌ها هم به هر دو. پس قبل از خرید زمین یک سر به شهرداری بزنید و تمیز بودن بدهی زمین را بررسی کنید؛ چون هزینه‌هایی به عنوان عوارض از مالک بر اساس معیارهایی مثل متراژ و سایر عوامل به شهرداری تعلق می‌گیرد و اگر این هزینه‌ها توسط مالک پرداخت نشده باشد، خریدار می‌ماند و کلی بدهی. از دیگر استعلام‌های مهم برای خرید زمین، گرو بودن سند آن در بانک است. بعضی از مالکین حتما قیمت‌ها را بررسی کنید. این نکته را هم در نظر داشته باشید که قیمتی که پرداخت می‌کنید، شبیه به طور قابل توجهی از قیمت زمین‌های مشابه در آن منطقه بیشتر باشد. از طرف دیگر حتما حساب‌مالیات را بررسی کنید. این مبلغ برای خانه‌ای است که ۱۱سال قبل ساخته شده و در طبقه دوم از ساختمانی چهارطبقه قرار گرفته و دارای آسانسور و پارکینگ است و نور خوبی دارد. در خیابان استخر با ۶۰۰میلیون تومان می‌توانید واحدی ۷۰متری و شش‌سال ساخت و یک‌خوابه را رهن کنید که در طبقه ششم از ساختمانی شش‌طبقه قرار گرفته و آسانسور دارد اما فاقد پارکینگ و انباری است. این ساختمان دسترسی خوبی به مراکز خرید داشته به حرم هم نزدیک است. در خاور شهر برای اینکه بتوانید واحدی ۱۱۵متری و چهارسال ساخت مراجعه می‌کنند و از طرف دیگر امکانات بهداشتی، مدارس و پاساژهای نسبتا زیادی دارد. اما تنها علت گرانی این نیست. بسیاری از خانواده‌های سنتی که از قدیم در شهرری زندگی می‌کنند، حاضر نیستند این محله را به سمت دیگر محله‌های شهر، ترک کنند. برخی از آنها از اجرای مطابق با محله‌های شرق یا غرب تهران را پرداخت می‌کنند. خانواده‌هایی که در بازار تهران فعالیت دارند هم افرادی هستند که از شهرری تکان نمی‌خورند. برخی از ساکنان محلی که کرایه‌های بالا را عادلانه نمی‌دانند معتقدند مهاجران، استقبال زیادی از این محله دارند و به همین دلیل صاحب‌خانه‌ها می‌توانند با قیمت بالاتری خانه‌هایشان را به آنها اجاره دهند. از طرف دیگر تعداد فایل‌های اجاره در شهرری زیاد نیست. حتی اغلب خریدوفروش واحدهای مسکونی در شهرری در مقایسه با دیگر نقاط تهران کمتر صورت می‌گیرد. بیشتر ساکنان این نقطه از پایتخت، به‌طور سنتی در کنار هم مشابه است. سرتخت، استخر، اقدسیه و دیلمان جزو محله‌های گرانقیمت در شهرری به‌حساب می‌آیند. در غیاب آید دسترسی به امکانات کمتر از دیگر محله‌های شهرری است. برای دسترسی به محله شهرری می‌توانید از طریق بزرگراه تهران قم، اتوبان آزادگان شرق و غرب، اتوبان امام‌علی، اتوبان شهید رجایی و اتوبان شهید هاشمی به سمت بهشت زهرا استفاده کنید.

اما علت گرانی اجاره‌خانه در شهرری چیست؟

شهرری در مقایسه با بسیاری دیگر از محله‌های جنوب تهران، دارای امکانات مناسب‌تری است. از طرفی قطب زائرانی است که برای زیارت شاه‌عبدالعظیم به شهرری می‌آیند. بسیاری از خانواده‌های سنتی که از قدیم در شهرری زندگی می‌کنند، حاضر نیستند این محله را به سمت دیگر محله‌های شهر، ترک کنند. برخی از آنها از اجرای مطابق با محله‌های شرق یا غرب تهران را پرداخت می‌کنند. خانواده‌هایی که در بازار تهران فعالیت دارند هم افرادی هستند که از شهرری تکان نمی‌خورند. برخی از ساکنان محلی که کرایه‌های بالا را عادلانه نمی‌دانند معتقدند مهاجران، استقبال زیادی از این محله دارند و به همین دلیل صاحب‌خانه‌ها می‌توانند با قیمت بالاتری خانه‌هایشان را به آنها اجاره دهند. از طرف دیگر تعداد فایل‌های اجاره در شهرری زیاد نیست. حتی اغلب خریدوفروش واحدهای مسکونی در شهرری در مقایسه با دیگر نقاط تهران کمتر صورت می‌گیرد. بیشتر ساکنان این نقطه از پایتخت، به‌طور سنتی در کنار هم مشابه است. سرتخت، استخر، اقدسیه و دیلمان جزو محله‌های گرانقیمت در شهرری به‌حساب می‌آیند. در غیاب آید دسترسی به امکانات کمتر از دیگر محله‌های شهرری است. برای دسترسی به محله شهرری می‌توانید از طریق بزرگراه تهران قم، اتوبان آزادگان شرق و غرب، اتوبان امام‌علی، اتوبان شهید رجایی و اتوبان شهید هاشمی به سمت بهشت زهرا استفاده کنید.

اقتصاد خانواده

مرغ در سربالایی

قیمت مرغ که ماه گذشته نوسان خاصی نداشت؛ یکی، دو روزی است که وارد جاده صعودی شده است. در حال حاضر، حداقل قیمت هر کیلو گوشت مرغ ۷۳هزار تومان و حداکثر آن ۹۰هزار و ۵۰۰تومان است. این در حالی است که قیمت مرغ در یک ماه گذشته از مرز ۹۰هزار تومان عبور نکرده بود. با این اوصاف، میانگین قیمت مرغ در کل کشور، حدود ۸۰هزار و ۵۲۰تومان است. این در حالی است که ماه گذشته میانگین قیمت مرغ حدود ۷۹هزار و ۵۰۰تومان بود. البته میانگین قیمتی که به دست آمده، مربوط به قیمت مرغ کامل است ولی اگر بخواهید ران، سینه، قیله و بال و کتف بخرید، قیمت‌ها قطعا بالاتر است. البته این موضوع که مرغ را از کجای شهر و کدام فروشگاه هم خرید می‌کنید، خیلی مهم است. مثلا برای خرید یک مرغ کامل، یک کیلو و ۶۰۰گرمی از یک کیلو و ۸۰۰گرمی باید بین ۲۰۵هزار تومان تا ۲۱۰هزار تومان هزینه کنید. یک کیلو ران مرغ یا پوست بین ۱۱۰هزار تومان تا ۱۲۰هزار تومان قیمت دارد و یک کیلو کتف کبابی با قیمت ۹۵هزار تومان پوست نیز باید بین ۱۵۲هزار تومان تا ۱۶۵هزار تومان بپردازید. اگر برای پخت سالاد اولویه و پاستا از سینه مرغ استفاده می‌کنید، برای هر کیلو سینه مرغ با پوست و کتف باید بین ۱۶۰هزار تومان تا ۱۷۵هزار تومان هزینه کنید. یک کیلو سینه مرغ بدون پوست و استخوان نیز با قیمت ۱۹۸هزار تومان تا ۲۰۵هزار تومان به فروش می‌رسد. یک کیلو سالن مرغ با پوست نیز با قیمت حدود ۱۴۰هزار تومان تا ۱۵۵هزار تومان فروخته می‌شود و برای خرید یک کیلو سالن مرغ بدون پوست نیز باید بین ۱۷۵هزار تومان تا ۱۹۰هزار تومان بپردازید. یک کیلو قیله مرغ با قیمت ۲۴۰هزار تومان تا ۲۵۵هزار تومان به فروش می‌رسد. یک کیلو مغز ران مرغ بدون پوست و استخوان نیز بین ۲۱۰هزار تومان تا ۲۲۰هزار تومان قیمت دارد. کسانی که از گوشت چرخ‌کرده مرغ استفاده می‌کنند، برای خرید یک کیلو گوشت چرخ‌کرده سینه مرغ باید بین ۱۹۰هزار تومان تا ۲۰۰هزار تومان هزینه کنند. برای خرید یک کیلو گوشت چرخ‌کرده مخلوط ران و سینه نیز باید بین ۱۷۵هزار تومان تا ۱۸۵هزار تومان بپردازید. جوجه کباب سینه بدون استخوان با قیمت ۱۹۵هزار تومان تا ۲۰۰هزار تومان به فروش می‌رسد و کسانی که طرفدار جوجه‌کباب سینه زعفرانی هستند، باید برای هر کیلو حدود ۲۱۰هزار تومان تا ۲۲۵هزار تومان هزینه کنند. یک کیلو بال کبابی حدود ۱۲۰هزار تومان تا ۱۲۵هزار تومان قیمت دارد و یک کیلو کتف کبابی با قیمت ۹۵هزار تومان تا ۱۰۵هزار تومان به فروش می‌رسد. قیمت جوجه کباب طعم‌دار هم متفاوت است. مثلا کسانی که جوجه‌کباب تند دوست دارند، برای خرید یک کیلو جوجه‌کباب مکزیکی باید بین ۱۷۵هزار تومان تا ۱۹۵هزار تومان هزینه کنند. قیمت یک کیلو جوجه‌کباب ترش نیز حدود ۱۸۵هزار تومان تا ۱۹۰هزار تومان است.

بازارگردی

بفرماقهوه!

ارزان‌ترین قهوه‌ساز موجود در بازار حدود سه میلیون و ۵۵۰هزار تومان قیمت دارد

گروه بازار | بعضی از دستگاه‌ها یک موج می‌آیند و می‌روند. مثلا ابر فراپر کلی سروصدا به راه انداخت یا همین جاروبرقی های رباتیک که خیلی هم قشنگ هستند و قیمت بالایی هم دارند. اما هر چیزی که به قهوه مربوط است، یک ماندگاری عجیبی دارد. انگار این نوشیدنی تلخ اما دلچسب کارش را خیلی خوب انجام داده و حالا رقیب سرسخت جای است. برای همین هم هست که در بازار انواع و اقسام دستگاه اسپرسوساز خانگی با قیمت‌های مختلف موجود است.

۱ ندوما مدل NCM-147EXPS

این دستگاه با فشار بخار ۱۵بار و با ظرفیت توان ۸۵۰وات مجهز به تشانگر فشار پمپ، سیستم قطع دستی و نازل تولید بخار و آب‌جوش است که با آن می‌توانید کاپوچینو، کف شیر و انواع نوشیدنی‌های گرم را درست کنید. عملکرد اسپرسوساز ندوما به شکلی است که آب‌جوش را با فشار خیلی زیاد از بین دانه‌های قهوه اسیاب شده ریز رد می‌کند تا قهوه اسپرسو غلیظ‌تر شود. این دستگاه مجهز به صفحه گرم‌نگهدارنده فنجان است و باعث می‌شود فنجان قهوه را از پیش گرم کنید. این دستگاه مجهز به بویلر و یک پمپ آب بسیارقوی است که روی درجه حرارت قهوه خروجی و همچنین بخار آب نظارت گرار است. با این قهوه‌ساز به‌راحتی می‌توانید اسپرسو، لاته، موکا و کاپوچینو درست کنید.

قیمت: سه میلیون و ۵۵۰هزار تومان

۲ اریته مدل 1388

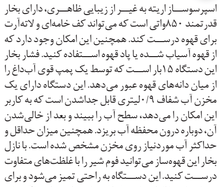

اسپرسوساز اریته به عیبر از زیبایی ظاهری، دارای بخار قدرتمند ۸۵۰واتی است که می‌تواند کف خامه‌ای و لاتهارت برای قهوه درست کند. همچنین این امکان وجود دارد که از قهوه آسیاب شده یا پاد قهوه استفاده کنید. فشار بخار این دستگاه ۱۵بار است که توسط یک پمپ قوی ایتالع را از میان دانه‌های قهوه عبور می‌دهد. این دستگاه دارای یک مخزن آب شفاف ۱/۹ لیتری قابل جداشدن است که به کاربر این امکان را می‌دهد، سطح آب را ببیند و بعد از خالی‌شدن آن، دوباره درون محفظه آب بریزد. همچنین میزان حداقل و حداکثر آب موردنیاز روی مخزن مشخص شده است. با نازل بخار این قهوه‌ساز می‌توانید قوام شیر را با غلظت‌های متفاوت درست کنید. این دستگاه به راحتی تمیز می‌شود و برای فنجان‌هایی با اندازه‌های مختلف مناسب است. از ویژگی‌های این دستگاه می‌توان به سیستم خاموشی خودکار و سینی چکه‌گیر اشاره کرد.

قیمت: هفت میلیون تومان

۳ دلونگی مدل EC685

اگر دنبال یک دستگاه قوی، خدزنگ و شیک هستید، شاید این مدل از برند دلونگی به درتان بخورد. ابعاد این قهوه‌ساز کوچک است و فضای زیادی را در آشپزخانه اشغال نمی‌کند. این دستگاه دارای مخزن آب ۱/۱لیتری در بخش پشتی است که برای تهیه چند فنجان قهوه کافی است. توان مصرفی اسپرسوساز دلونگی ۱۳۵۰وات است و با فشار بخار ۱۵، قهوه‌های غلیظی درست می‌کند. علاوه‌بر اسپرسو می‌توانید با کمک بازوی استخراج قهوه و بخار، لاته و کاپوچینو هم درست کنید. در قسمت زیرین دستگاه سینه چکه‌گیر وجود دارد که هنگام ریزش مایع، قهوه یا آب، داخل این مخزن ریخته و از کثیف‌شدن کابینت یا میز جلوگیری می‌کند. این قهوه‌ساز مجهز به حالت خاموشی خودکار، پنل گرم‌کننده در قسمت بالایی و صفحه نمایش LCD هم هست.

قیمت: هفت میلیون و ۸۰۰هزار تومان

انتقال رایگان سهام عدالت متوفیان به وراث

مدیر پشتیبانی عملیات شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اظهار داشت: «کلیه ورثه متوفی سهام‌عدالت پس از تقسیم دارایی متوفی، می‌بایست نسبت به سجامی‌شدن اقدام کنند تا وارث سود سهام عدالت، به حساب آن‌ها از طریق شماره شبایی که در سامانه سجام اعلام کرده‌اند، صورت گیرد.» مرکان صفری مقدم اعلام کرد: «انتقال سهام عدالت متوفیان به ورات از طریق شعب کارگزاری و بانک‌های منتخب همچنان رایگان است. ورات سهام عدالت پس از سجامی‌شدن می‌توانند با مراجعه به ddn.csdiran.ir و مراجعه به بخش امور سهام عدالت متوفی و وارد کردن کد ملی و تاریخ تولد فرد فوت‌شده، نسبت به استعلام وضعیت سهام عدالت متوفی اقدام کنند.»

۳۰ میلیون

واریز وام بازنشستگان کشوری

وام فروری ۳۰میلیون تومانی بازنشستگان کشوری واریز شد. معاون توسعه مدیریت و منابع صندوق بازنشستگی کشوری گفت: «این تسهیلات به مبلغ ۳۰میلیون تومان با کارمزد سالانه چهاردرصد پرداخت شده است.» او گفت: «براساس تفاهم‌نامه این صندوق با بانک صادرات ایران، تسهیلات ۳۰میلیون تومانی ضروری بازنشستگان کشوری برای ۵هزار نفر از بازنشستگان و وظیفه بگیران واجد شرایط در این بر حرفه، از روز سه‌شنبه نهم مردادماه به حساب حقوقی این افراد واریز شده است.» وام ضروری بازنشستگان کشوری همراه با سایر تسهیلات مالی از جمله وام ازدواج فرزندان و وام جمیاد، یکی از خدمات رفاهی و تسهیلات مالی صندوق بازنشستگی کشوری است.

۵۲ هزار واحد

فروش بلیت پروازهای اربعین از هفته آینده

دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی از فروش بلیت پروازهای اربعین از هفته آینده خبر داد. مقصود اسعدی سامانی گفت: «از هفته آینده شرکت‌های هواپیمایی به تدریج دسترسی خرید بلیت پروازهای اربعین را قیمت مصوب را برای مسافران باز خواهند کرد و مسافران می‌توانند بلیت‌های خود را تهیه کنند.» بنابر شرح‌الصدر انجمن فروش پروازهای اربعین، بهای کل بلیت یک طرفه از استان‌های تهران، سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان، فارس، مازندران و گلستان به بغداد یا نجف اشرف و بالعکس، حداکثر شش‌میلیون تومان و همچنین بهای کل بلیت یک طرفه از تهران و سایر استان‌های کشور به بغداد یا نجف اشرف و بالعکس، حداکثر پنج میلیون تومان تعیین شده است.

تالار شیشه‌ای ویژه‌ش کرد

بازار سرمایه تحت تاثیر ریسک‌های سیستماتیک روز چهارشنبه دهم مردادماه، ۵۲هزار واحد افت کرد و به رقم دو میلیون و ۶۷۶هزار واحد رسید. در روز شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران ۴۵هزار و ۴۵۸واحد افت کرد و به دو میلیون و ۶۷هزار و ۹۷۱واحد رسید. روز چهارشنبه ۳۸۳هزار معامله به ارزش ۵۳۱میلیارد تومان در بورس انجام شد. در این روز نمادهای چون فملی، فولاد و فارس به ترتیب بیشترین اثر منفی را بر شاخص بورس داشتند. ذوب، ومملت و خودرو نیز از نمادهای پرتراکنش بودند. شاخص فرابورس ایران نیز ۸۹واحد کاهش پیدا کرد و به ۲۱هزار و ۳۲۹واحد رسید.

ممنوعیت دریافت کارمزد از متقاضیان ارز اربعین

مرکز مبادله ارز و طلای ایران از ممنوعیت دریافت هر گونه وجه، بیشتر از معادل ریالی ارز اربعین خبر داد. طبق اعلام مرکز مبادله فروش ارز اسکناس به زائرین متقاضی اربعین حسینی، حداکثر به مبلغ ۴۰۰هزار دینار عراقی، به هر زائر به نرخ فروش اسکناس مرکز مبادله ارز و طلای ایران (LTS) خواهد بود. دریافت هر گونه کارمزد و یا هزینه یا هر نوع امتیازی به جز متقاضی به جز مسافرانی که در اساس نرخ مرکز مبادله)، ممنوع است. فروش ارز اربعین از هفت مرداد آغاز شده و تا سوم شهریورماه ادامه دارد. ۹۸درصد ارز زائران، نام‌نویسی و خرید ارز را از طریق سکوهای فضای مجازی انجام داده‌اند.

نبض بازار

یک پیش‌بینی از بازار دلار و کاهش قیمت تخم‌مرغ

سخنگوی ستاد اربعین سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای گفت: «با توجه به درخواست افزایش قیمت پایه، نرخ بلیت اتوبوس تاکنون مشخص نشده است.» مهدی قلی‌زاده، سخنگوی ستاد اربعین سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای گفت: «از روز چهارشنبه مردم می‌توانند به تهیه بلیت اتوبوس به مقصد مرزهای شمالی از طریق سکوهای اینترنتی فروش بلیت بپردازند.» او افزود: «از اربعین سال گذشته، در سکوهای اینترنتی فهرست انتظار قرار دادیم که در صورت تکمیل ظرفیت با تبت‌نام در این فهرست به محض ایجاد اولین سرویس به مسافر پیامک ارسال می‌شود.» با راه‌اندازی سامانه راوی، تمام سرویس‌های اتوبوس به این سامانه مرتبط شده و قابل دسترس مسافران است.» او با اشاره به اینکه با مصوبه ستاد مرکزی اربعین با احتساب سفرهای یک‌سر خالی اتوبوس‌ها قیمت بلیت دو برابر می‌شود و سفر مستقیم از مبدا تهران تا نجف از طریق ناوگان عراقی فراهم شده است، بیان کرد: «مسافران می‌توانند از ۱۶مرداد تا دوم شهریورماه با قیمت دو میلیون و ۶۰۰هزار تومان اقدام به تهیه بلیت کنند.» پیش‌بینی می‌شود چهار میلیون و ۱۰۰هزار نفر از طریق مرزهای زمینی وارد عراق شوند.

سجاد بوربور، کارشناس اقتصادی اظهار داشت: «انتخاب درست سکاندار اقتصادی کشور خوش‌بینی نسبت به آینده اقتصادی کشور را تقویت می‌کند.» او رخداد سیاسی تاثیرگذار بعدی بر قیمت دلار را انتخابات آمریکا عنوان کرد و توضیح داد: «همیشه قیمت دلار و ارز با گپ مختصری به هم نزدیک می‌شود و این یک واقعیت اقتصادی است که قیمت به بست آرزش میل می‌کند. در حال حاضر با تقدینگی بالای هشت هزار و ۳۰۰همتی و رشد ناپایدار ۵/۵درصدی که مد نظر داریم، ارزش دلار روی کاغذ در پله‌های پایانی کردیور پنجم است.» بوربور افزود: «اگر شرایط تا پایان سال خاکستری بماند و اوضاع سیاسی نه بهتر و نه بدتر شود، تقدینگی به حدود ۱۱هزار همت می‌رسد و ارزش دلار روی کاغذ تا پایان سال به کریدور هفتم کیلو حدود رسید. قیمت دلار خیلی بالاتر از ارزش نخواهد رفت؛ چون دارایی‌های خاصی ندارد. این در حالی است که در شش‌ماه اول سال همیشه تقاضای ارزی پایین است و این اسکناس تحرکات قیمتی خاصی ندارد؛ بنابراین برای اسکناس دلار بازه قیمتی فعلی قابل پیش‌بینی است.»

◀ قیمت عمده محصولات کشاورزی تا ۱۵مردادماه ۱۴۰۳ از سوی میدان بزرگ میوه و ترمبار تهران اعلام شد؛ این در حالی است که همچنان شاهد قیمت بالا میوه و سبزیجات در بازار هستیم. هر کیلوگرم آلو زرد، ۹۰ تا ۹۸، آلو سیاه، ۲۵ تا ۱۲۰، انگور ۸۹ تا ۱۷۸، انجیر سیاه، ۱۵۰ تا ۱۶۸، انجیر زرد ۱۵۰، سیب گلاب ۴۰ تا ۱۳۸، گیلاس ۵۵ تا ۲۲۰، زردآلو ۴۰ تا ۱۶۵، هلو هسته جدا ۴۰ تا ۱۶۸، هلو انجیری ۵۰ تا ۱۲۰، گلابی ۱۳۸ تا ۱۷۸، بر یتقال جنگلی ۸۰، شاه‌توت ۲۰۰، زغال‌اخته ۲۷۸، شلیل ۴۰ تا ۷۹، شلیل انجیری ۱۱۰، آلبالو ۶۰ تا ۹۸ و بادام تازه ۱۸۸هزار تومان است. در بازار میوه‌های آبدار، هر کیلوگرم هندوانه بیست ۱۷ تا ۲۲، خربزه ۲۵ تا ۳۹، طالبی ۳۵ و جانا ۲۹هزار تومان قیمت‌گذاری شده است. در بازار میوه‌های وارداتی هم موز هر کیلوگرم ۶۰ تا ۱۰۰، انبه ۱۹۸ تا ۲۵۰ و سیب ترش ۱۱۸هزار تومان به فروش می‌رسد.

◀ افزایش دما نرخ برخی محصولات فساد پذیر را بسیار کاهشی کرده است. روز گذشته هرشانه ۳۰عددی تخم‌مرغ به وزن یک کیلو و ۷۰۰گرم به ۵۸هزار تومان رسید؛ درحالی که این مبلغ در پایان اردیبهشت‌ماه، ۸۹هزار تومان بود. نرخ گوشت مرغ تازه نیز ثبات داشته و هر کیلوگرم گوشت مرغ بین ۱۶۶ تا ۱۷۸هزار تومان متغیر است؛ در حالی که این عدد در پایان اردیبهشت‌ماه بین ۶۸ تا ۸۷هزار تومان بود.

◀ مدیرعامل توانیر گفت: «با افزایش مجدد دمای هوا همه ادارات ملزم به رعایت برنامه مدیریت مصرف برق بر طبق مصوبه هیات‌وزیران هستند و در صورت عدم‌رعایت موارد ابلاغی برق آنها قطع خواهد شد.» مصطفی رجبی مشهدی، مدیرعامل توانیر با اشاره به مصوبه‌های ابلاغی هیات‌وزیران در خصوص کاهش مصرف برق ادارات گفت: «همه ادارات، سازمان‌ها، بانک‌ها و دستگاه‌های اجرایی موظف هستند با خاموش کردن سامانه‌های سرمایشی در مناطق عادی یک ساعت قبل از اتمام ساعت اداری و در مناطق گرمسیر همزمان با تعطیلی ادارات، مصرف برق خود را پس از پایان ساعت کار اداری تا ۶۰درصد زمان فعالیت کاهش دهند.» او با بیان اینکه وضعیت مصرف برق این دسته از مشترکان از طریق بازدیدهای میدانی و همچنین کنتورهای هوشمند به‌ص

صلیب شکسته و عضوگیری در تیک تاک

طرفداران نازی‌ها با ده‌ها میلیون بیننده پشت حساب‌های کاربری در این شبکه اجتماعی قرار گرفته‌اند

تازه‌ترین تحقیقات نشان می‌دهد رسانه اجتماعی تیک‌تاک، میزبان شبکه‌ای از صدها حساب کاربری طرفداران نازی‌هاست که از این پلتفرم برای تبلیغ ایدئولوژی خود استفاده می‌کنند. محققان یک اندیشکده بین‌المللی به نام «مؤسسه گفتگوی راهبردی» یا آی‌اس‌دی، شبکه‌ای متشکل از ۲۰۰ حساب کاربری نازی را در تیک‌تاک کشف کردند که چندین ویدئو در مورد تبلیغ نازیسم تولید کرده یا از نمادهای نازی در پروفایل خود استفاده کرده است.

بازدید میلیونی

محتوای تولید شده توسط طرفدار نازی‌ها در تیک‌تاک بازدیدهای میلیونی دارد. این محتوا شامل ویدئوهای انکار هولوکاست، ستایش آدولف هیتلر به عنوان پدر نازیسم، ستایش قدرت آلمان در دوران نازی و نازیسم به عنوان راه‌حلی برای مسائل لاینحل معاصر است. به علاوه، این افراد با اعلام حمایت از استفاده از سلاح گرم و کشتار دسته‌جمعی برتری‌طلبانه سفیدپوستان و پخش فیلم‌های بازآفرینی این قتل‌عام که توسط هوش مصنوعی ساخته شده است، پا را فراتر گذاشته‌اند. نازی‌های حاضر در تیک‌تاک، اراده عجیب و غریبی برای جذب کاربران دیگر دارند و بدون هیچ ابایی و به منظور جذب افراد بیشتر به سراغ تمام حساب‌ها می‌روند و با آنان گفتگو می‌کنند حتی اگر حساب‌ها جدید باشند یا دنبال‌کننده کم و ناچیزی داشته باشند.

شکست تیک‌تاک در مقابله با نازیسم

باید بگوییم تیک‌تاک در حذف ویدئوها و حساب‌های نقض‌کننده مقررات، حتی زمانی که این محتوا توسط کاربران گزارش می‌شود، شکست خورده است. در دستورالعمل‌های شرکت تیک‌تاک تصریح شده هر محتوایی که با استفاده از «کلیشه‌ها، کنایه‌ها یا اظهارات غیرمستقیم که ممکن است به طور ضمنی گروه محافظت شده را تحقیر کند» در فید «برای شما» (For you) نشان داده نخواهد شد. همچنین چندین مورد از موارد گمراه‌کننده از جمله تئوری‌های توطئه، جعل حساب کاربری رسانه‌ها و اطلاعات نادرست «بالقوه بسیار زیان‌بار» که بررسی شده نیز از فیدها محدود می‌شوند. اما هیچ اشاره آشکاری به محتوای نازی در دستورالعمل‌های پلتفرم تیک‌تاک وجود ندارد. پژوهشگران ۵۰ مورد از این حساب‌ها را به تیک‌تاک گزارش کردند که عناصری از دستورالعمل‌های پلتفرم در مورد ایدئولوژی‌های نفرت‌انگیز را نقض می‌کنند. در پاسخ به تمام گزارش‌هایی که به محققان بازگردانده شد، گفته شده بود مسئولان تیک‌تاک «هیچ نقضی» در حساب‌ها پیدا نکرده‌اند. تحقیقات دیگر پیش‌تر نشان داده‌اند که الگوریتم تیک‌تاک محتوای زن‌ستیزانه یا به‌طور کلی محتوای نفرت‌انگیز را در عرض چند دقیقه استفاده از این اپلیکیشن به «کاربران جعلی» در بخش «صفحه برای شما» می‌رساند. پژوهشگران آی‌اس‌دی با استفاده از یک حساب ساختگی، ۱۰ ویدئو مشاهده کردند و به صفحات ۱۰ حساب طرفدار نازی رفتند. بعد از آن، محتوای مشابه توسط اپلیکیشن به آنها پیشنهاد شد.

فرماندهی در تلگرام

تلگرام پیام‌رسانی است که امکان کدگذاری روی پیام‌ها در آن وجود دارد و از این رو گروه‌های افراطی، اقبال بیشتری به این پلتفرم نسبت به سایر پلتفرم‌ها دارند. برای مثال یک کانال خصوصی تلگرام هواداران نازیسم که بیش از ۱۲ هزار عضو دارد، به مرکزی برای فرماندهی نشر آثار همسو با تفکراتشان در تیک‌تاک بدل شده است. مدیر این کانال از اعضا خواست حساب‌های جدیدی در تیک‌تاک بسازند و به طور هماهنگ و همزمان، مستندهایی درباره نیونازی‌های اروپا را در آن نشر دهند. نکته جالب اینکه بازدید از این ویدئوها در تیک‌تاک به‌رغم اینکه آن حساب‌ها هیچ دنبال‌کننده‌ای نداشتند، از بازدیدتان در پلتفرم‌های دیگر بسیار بیشتر بود. یک حساب کاربری توانست به تنهایی ۹۰۰ هزار بازدید دریافت کند و بازدید در حساب‌های دیگر هم حدود ۱۰۰ هزار برآورد شد. با این اوصاف باید بگوییم اگر تلگرام اروز فرماندهی نئونازی‌ها باشد، باید تیک‌تاک را میدان رزم بدانیم. (یورونیوز، ویرد و آی‌اس‌دی گلوبال)

کمیک

گویی دونالد ترامپ و جی‌دی ونس، چشمان‌شان را به روی واقعیت‌های جامعه و دغدغه‌های افکار عمومی بسته‌اند و کورمال و کورمال به سمت چاه سقوط می‌روند. کارتونی از کارتون موومنت

سایت‌نگار

جابه‌جایی رکوردها در کوبا؛ فقر شدید در کشوری که روزگاری به‌عنوان منبع تغذیه پزشکی جهان شهرت داشت

نسخه هفتم مطالعه‌ای به نام «وضعیت حقوق اجتماعی در کوبا» که توسط دیده‌بان حقوق بشر در مادرید انجام شد، بیان می‌کند که ۸۹ درصد از جمعیت کوبا در سال ۲۰۲۴ در «فقر شدید» زندگی خواهند کرد. این مطالعه نشان داد که ۸۶ درصد از خانوارهای کوبایی «در آستانه جنگیدن برای بقا» هستند و از این تعداد، ۶۱ درصد حتی پول کافی «برای خرید لوازم ضروری برای زنده ماندن» هم ندارند. این دیده‌بان بیش از هزار مصاحبه با افراد بالای ۱۸ سال در ۷۸ منطقه کوبا انجام داده است که ۷۲ درصد از آن‌ها بحران غذایی را مشکل اصلی خود می‌دانند و از هر ۱۰ کوبایی، هفت نفر به دلیل کمبود پول یا کمبود غذا، خوردن یکی از وعده‌های صبحانه، ناهار یا شام را حذف کرده‌اند. فقط ۱۵ درصد قادر به خوردن سه وعده غذایی در روز به طور منظم بودند. بیشترین آسیب را هم افراد بالای ۷۰ سال می‌بینند.

تورم، فساد، کمبود دارو و قطعی برق

بعد از غذا، خاموشی، نرخ تورم سه رقمی، فساد، وضعیت سلامتی عمومی، کمبود دارو و کمبود پزشک در بیمارستان‌ها از دیگر مشکلات مردم در کوبا است. حال آنکه کوبا روزگاری به عنوان «منبع تغذیه پزشکی» در جهان شناخته می‌شد. این مطالعه خاطرنشان می‌کند که ۳۸ درصد از شرکت‌کنندگان سالخورده قادر به تهیه دارو نبودند. افراد با زندگی راحت‌تر در کوبا، کسانی هستند که از خارج برایشان پول فرستاده می‌شود. ۱۲ درصد از شرکت‌کنندگان بیکار هستند و ۶۹ درصد از آن‌ها بیش از یک سال است که نتوانسته‌اند کار پیدا کنند. مقامات کوبا برای اولین بار در آغاز سال جاری میلادی مجبور شدند از برنامه جهانی غذا برای تهیه شیر برای کودکان زیر هفت سال درخواست کمک «فوری» کنند. (یورونیوز)

عکسی جاودانه؛ سلفی ورزشکاران کره‌شمالی و جنوبی با روح المپیک

یک عکس سلفی مشترک که در آن بازیکنان تیم‌های ملی تنیس روی میز کره‌جنوبی و کره‌شمالی دیده می‌شوند، در سراسر جهان خبرساز شده و به عنوان «نشانه‌ای فرا مرزی و ابدی» ستایش شده است. تیم ملی مختلط تنیس روی میز کره‌جنوبی در مسابقات المپیک پاریس پس از چین و کره شمالی به مدال برنز دست یافت و هنگامی که تیم‌ها روی سکو جای گرفتند، لیم یونگ‌هون، ملی‌پوش کره‌جنوبی با گرفتن یک عکس سلفی به همراه هم‌تیمی خود و ملی‌پوشان کره‌شمالی یک یادگاری جاودانه به دست آورد. مدال نقره‌ای که ملی‌پوشان کره شمالی به دست آورده‌اند، اولین مدال المپیکی این کشور پس از مسابقات المپیک ۲۰۱۶ ریو دو ژانیرو محسوب می‌شود. کره شمالی در مسابقات المپیک ۲۰۲۱ توکیو به خاطر همه‌گیری کرونا حضور نداشت. سلفی مشترک ملی‌پوشان دو کره بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های کره جنوبی داشت. روزنامه چیگرای هانکیوره از «عکسی سر و صدا برانگیز» سخن گفت. برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی در کره جنوبی ابراز امیدواری کردند که این عکس مشترک برای ملی‌پوشان کره شمالی مسئله‌ساز نشود. در هر حال لبخند مشترک ملی‌پوشان کره شمالی و جنوبی شادی‌آفرین بوده است. فضای سیاسی بین کره جنوبی و کره شمالی که سلاح‌های هسته‌ای در اختیار دارد، در حال حاضر پرتنش است. در ماه ژانویه سال جاری کیم یونگ اون، رهبر کره شمالی، همسایه جنوبی‌اش را «بزرگ‌ترین دشمن خود نامید و یک ماه بعد هرگونه روابط با کره جنوبی را قطع کرد.» (دویچه وله)

مکرون با پذیرایی مجلل از پادشاه بریتانیا و مودی هندوستان چقدر برای کاخ الیزه خرج تراشید؟

دیوان محاسبات فرانسه اعلام کرد یک ضیافت دولتی به افتخار پادشاه بریتانیا نزدیک به ۵۰۰ هزار یورو برای فرانسوی‌ها هزینه داشته است، رقمی بزرگ برای یک ضیافت حتی رسمی و دولتی. در میهمانی چه سرو شد؟ شام مجللی که برای چارلز سوم، پادشاه بریتانیا تدارک دیده شده بود و نزدیک به ۴۷۵ هزار یورو هزینه تراشید، باعث شد تا کاخ الیزه فرانسه در سال گذشته میلادی کسری بی‌سابقه‌ای را تجربه کند.

عشق فرانسوی‌ها به خودنمایی‌های باشکوه و غذاهای مجلل به وضوح در سند خرج‌کرده‌های سالانه کاخ الیزه که روز دوشنبه توسط دیوان محاسبات به عنوان بالاترین مرجع حسابرسی فرانسه منتشر شد، کاملاً مشهود است. مخارج الیزه که شامل هزینه‌های مربوط به محافل دیپلماتیک رئیس‌جمهور و سایر وظایف ریاست‌جمهوری، بخش اداری، کارکنان، امنیت و مدیریت املاک نهاد رئیس‌جمهوری را پوشش می‌دهد، در مجموع بالغ بر ۱۲۵ میلیون یورو بوده که منجر به کسری ۸ میلیون و ۳۰۰ هزار یورویی شده است. از جمله عوامل اصلی این کسری بودجه، دو ضیافت شام دولتی مجلل برای میزبانی از نارندرا مودی، نخست وزیر هند و پادشاه چارلز سوم از بریتانیا بود. مکرون در سپتامبر سال گذشته میزبان رئیس دولت بریتانیا در کاخ ورسای، اقامتگاه تاریخی و سلطنتی فرانسه بود. این ضیافت مجلل با حضور بیش از ۱۶۰ مهمان، از جمله میک جگر، رهبر گروه رولینگ استونز و هیو گرانت، هنرپیشه بریتانیایی برگزار شد.

از شاه‌میگوی آبی تا نوشیدنی‌های ۲۰ ساله

این شام که میهمانان آن با شاه‌میگوی آبی‌رنگ و شیرینی‌های ماکارون با طعم گل رز پذیرایی شدند، برای ریاست جمهوری فرانسه نزدیک به ۴۷۵ هزار یورو هزینه داشت. این مبلغ شامل بیش از ۱۶۵ هزار یورو برای پذیرایی و بیش از ۴۰ هزار یورو برای نوشیدنی ۲۰ ساله و سایر نوشیدنی‌ها بود. استفاده از کترینگ‌ها و دکوراتورهای خصوصی باعث شد تا هزینه مهمانی‌هایی که در بیرون از کاخ الیزه برگزار می‌شد، مانند پذیرایی‌هایی که برای پادشاه چارلز سوم و نارندرا مودی برگزار شد، به‌طور چشمگیری افزایش یابد. این امر به ویژه در مورد رویدادهایی مانند رویدادهای مربوط به پادشاه چارلز سوم و نارندرا مودی صادق بود. مراسم مودی که در موزه لوور برگزار شد و امانوئل مکرون شخصا برخی از آثار هنری مشهور موزه را برای نخست‌وزیری هند توضیح می‌داد، در مجموع بیش از ۴۰۰ هزار یورو هزینه داشت. (یورونیوز)

ینگه دنیا

پازل سوءقصد به ترامپ تکمیل‌تر شد

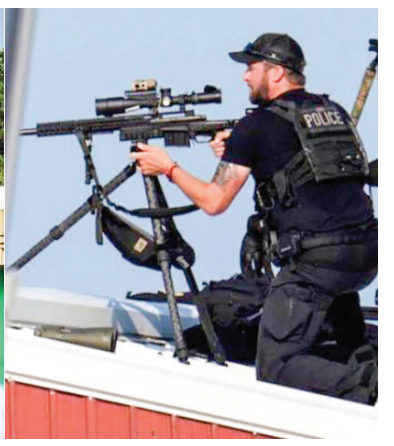

رفته رفته، پازل اطلاعاتی مربوط به سوءقصد به ترامپ در همایش انتخاباتی او در پنسیلوانیا تکمیل‌تر می‌شود. پیام‌های متنی نشان می‌دهند که تک‌تیراندازهای پلیس دو ساعت قبل از سوءقصد به جان ترامپ متوجه توماس متیو کروکس شده بودند. حادثه سوءقصد که باعث شد گوش راست دونالد ترامپ مورد اصابت گلوله قرار بگیرد، با تحقیقات رسمی کنگره و قوه مجریه همراه شد. سناتور چاک گرسلی از ایالت آیووا در ۲۹ جولای پیام‌های متنی یکی از تک‌تیراندازهای کلانتری بیور کانتی را منتشر کرد که نشان می‌داد او در ساعت ۴:۲۶ عصر، حدود ۱ ساعت و ۴۵ دقیقه قبل از تیراندازی در ساعت ۱۸:۱۱ عصر، متوجه رفتار مشکوک آقای کروکس در گردهمایی شده بود. افسر ناشناس که جزو تک‌تیراندازهای مستقر در محل گردهمایی بود، در پیامی به دیگر تک‌تیرانداز پلیس محلی نوشته بود: «یکی آمد و کنار ماشین ما پارک کرد. گفتم که در جریان باشید.» افسر مربوطه ضمن اشاره به موقعیت مکانی آقای کروکس در بین ساختمان‌های مجاور محل گردهمایی به همکار خود نوشت: «او می‌داند شما آن بالا هستید.»

یکی دیگر از تک‌تیراندازهای پلیس به نام گرگوری نیکول در ساعت ۵:۳۸ عصر در گروه گفت‌وگوی افسران نوشت که آقای کروکس از مسافت‌یاب برای ارزیابی محل گردهمایی استفاده می‌کند. آقای نیکول ضمن اشاره به تک‌تیراندازهای سرویس مخفی که نزدیک تریبون ترامپ مستقر بودند، نوشت: «دیدم که با مسافت‌یاب به تریبون نگاه می‌کرد. اگر لازم است، به تک‌تیراندازهای سرویس مخفی اطلاع دهید که مراقب باشند.» او سپس از دیگر افسران خواست که فرماندهی را مطلع کرده و یک افسر یونیفرم‌پوش را برای بررسی به محل اعزام کنند. آقای نیکول در مصاحبه با ای‌بی‌سی نیوز گفت: «فکر می‌کردم یک نفر می‌رود تا با او صحبت کند و بفهمد که اوضاع از چه قرار است.»

یک افسر پلیس در ساعت ۵:۴۵ عصر در گروه گفت‌وگوی افسران، تصاویری از آقای کروکس منتشر کرد که او را در حال قدم زدن در اطراف ساختمان سازمان تحقیقات شیشه آمریکا نشان می‌داد؛ ساختمانی که کروکس درنهایت از سقف آن بالا رفت تا به رئیس‌جمهور سابق آمریکا شلیک کند. افسر مربوطه همچنین تصاویری از دوچرخه کروکس را به اشتراک گذاشت که در ساعت ۵:۵۲ عصر از محل قبلی به جای دیگری منتقل شده بود. افسران درباره کروکس به مرکز فرماندهی اطلاع می‌دهند. یکی از افسران در پاسخ به سؤال مرکز فرماندهی درباره «جهت حرکت» کروکس که توسط یکی از اعضای گروه مطرح شد، در ساعت ۶ عصر پاسخ داد: «مطمئن نیستم. مقابل ساختمان ایستاده. اگر بخواهم جهت حرکتش را حدس بزنم، باید بگویم از محل گردهمایی دور می‌شود.» در واقع، کروکس توانست به پشت بام ساختمان سازمان تحقیقات شیشه آمریکا برسد و در فاصله ۱۲۲ متری از تریبون ترامپ مستقر شود. او درحالی که با اسلحه روی پشت‌بام سینه‌خیز می‌رفت، توسط مردم شناسایی شد که ضمن تصویربرداری از او به پلیس هشدار دادند. کروکس در ساعت ۶:۱۱ عصر قبل از اینکه به ضرب گلوله تک‌تیرانداز سرویس مخفی کشته شود، ۸ گلوله به سمت رئیس‌جمهور سابق آمریکا شلیک کرد. مشخص نیست مرکز فرماندهی در چه مقطعی به اطلاعات ارسالی تک‌تیراندازها واکنش نشان داده است. مایک پریولو، یکی دیگر از تک‌تیراندازهای پلیس، به ای‌بی‌سی نیوز گفت: «فرض بر این است که فرماندهی اقدامی صورت داده. ما نمی‌دانیم.» جیسون وودز، تک‌تیرانداز اصلی پلیس، نیز به ای‌بی‌سی نیوز گفت: «ما هیچ ارتباطی با سرویس مخفی نداشتیم.»

دفتر آقای گرسلی یک جدول زمانی دقیقه به دقیقه را منتشر کرد که کلانتر بیور کانتی تهیه‌اش کرده بود. او در این جدول زمانی به تشریح جزئیات مربوط به مشاهدات افسران پرداخت. جدول زمانی او نشان می‌دهد که آقای کروکس «اولین‌بار» در ساعت ۵:۱۰ عصر رؤیت شده است، نه ساعت ۴:۲۶ عصر که افسر ناشناس به همکارش پیام داده بود. دفتر آقای گرسلی ضمن ارائه شواهد در وبسایت خود توضیح داد که «مأموران انتظامی بیش از ۹۰ دقیقه قبل از تیراندازی به توماس متیو کروکس مشکوک شده بودند.» او افزود: «مأموران انتظامی قضیه آقای کروکس را قبل از حضور ترامپ روی صحنه به همکاران فدرال خود اطلاع داده بودند.» آقای گرسلی پیش‌تر فیلم مربوط به دوربین روی کلاه افسر بیور کانتی را منتشر کرده بود که پس از تیراندازی بالای پشت بام رفته بود تا وضعیت آقای کروکس را بررسی کند. سرویس مخفی به دلیل عدم شناسایی آقای کروکس حین بالا رفتن از سقف ساختمان مورد انتقاد قرار گرفته است. کیمبرلی چیتل، رئیس سرویس مخفی، اندکی پس از تیراندازی گفت سقف شیبدار ساختمان مذکور باعث شد که مأموران به دلیل دغدغه‌های ایمنی روی پشت بام آن مستقر نشوند. خانم چیتل در ۲۳ جولای در بحبوحه انتقادات هر دو حزب از ریاست سرویس مخفی استعفا داد. (اپوک تایمز)

حادثه روز

پلیس دوبی رهبر باند جنایتکار «فرشتگان مرگ» را به هلند تحویل داد

مقامات امنیتی روز دوشنبه اعلام کردند پلیس دوبی در عملیاتی موفقیت‌آمیز، فیصل التاغی، رهبر سازمان جنایتکار معروف به فرشتگان مرگ را دستگیر و به مقامات هلندی تحویل داده است. این اقدام در راستای همکاری‌های بین‌المللی برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته صورت گرفته است. فیصل التاغی، شهروند هلندی که به عنوان یک «هدف با ارزش» شناخته می‌شود، تحت تعقیب بین‌المللی به دلیل جرائم متعددی از جمله قاچاق مواد مخدر، پولشویی و قاچاق انسان بوده است. این دستگیری پس از سال‌ها تلاش نیروهای امنیتی بین‌المللی برای یافتن و دستگیری وی صورت گرفته است. جالب توجه است که پدر فیصل، رضوان التاغی، نیز در سال ۲۰۱۹ در دوبی دستگیر شده بود. رضوان که در آن زمان رهبری فرشتگان مرگ را برعهده داشت، از سال ۲۰۱۶ با هویتی جعلی در یک ویلای مجلل در دوبی زندگی می‌کرد. در فوریه امسال، رضوان به دلیل مشارکت در یکسری قتل‌های گروهی به حبس ابد محکوم شد. این دستگیری و استرداد پس از امضای دو موافقتنامه قضایی و حقوقی بین هلند و امارات متحده عربی در اوت ۲۰۲۱ امکان‌پذیر شد. این توافقنامه‌ها مربوط به استرداد مجرمان و کمک متقابل در امور جنایی هستند. سازمان فرشتگان مرگ که توسط خانواده التاغی اداره می‌شد، متهم به مسئولیت در بیش از ۳۰۰ جنایت مختلف از جمله ترور و قتل است. اینترپل این گروه را به عنوان یکی از خشن‌ترین باندهای جنایی جهان طبقه‌بندی کرده بود. (العین)

ویلزون

مرگ به سراغ سرهنگ مک‌کلین هم آمد؛ بروس ویلیس بعد از تحمل یک دوره بیماری درگذشت

بروس ویلیس، بازیگر نامدار و محبوب و ۶۹ ساله آمریکایی که نزد دوستداران سینما با فرنچایز «جان سخت» و نقش به یادماندنی سرهنگ مک‌کلین شناخته می‌شد، دیروز پس از تحمل یک دوره بیماری سخت درگذشت. وی در سال‌های اخیر به علت بیماری پیشرونده زوال عقل از بازیگری کناره گرفته بود و دخترش از او مراقبت می‌کرد. او همسر سابق دمی نور، بازیگر شناخته شده سینمای آمریکا بود و در ماه‌های اخیر، مور هم بارها به ملاقات و عیادت از او رفته بود. کوئنتین تارانتینو که در فیلم عامه‌پسند با ویلیس همکاری موفقی داشت بنا داشت در آخرین فیلم خود نقشی کوتاه به او بدهد و به این صورت مقام و منزلت او را گرامی بدارد که اجل به ویلیس مهلت نداد. شهر گناه و حس ششم از دیگر فیلم‌های به یادماندنی ویلیس به شمار می‌رود. به علاوه او حضوری شیرین در سریال محبوب و به ماندنی «دوستان» داشت. فیلم «دوازده میمون» اثر آخرالزمانی و مقبول اوست که در آن با برد پیت همبازی بود.

کیوسک

گاردین آمریکا، عکس و تیتر یک خود را به حساسیت جامعه آمریکا در پروژه ۲۰۲۵ و از دور خارج شدن رسمی این طرح اختصاص داد.

لیبراسیون فرانسه، عکس و تیتر یک خود را به اعتراضات نتایج انتخابات ونزوئلا اختصاص داد و نوشت «مادورو و دوستانش تنها هستند!»

آخر هفته

استقلال نکونام، رویایی می‌شود

مدیران باشگاه استقلال درصدد تقویت فهرست این تیم و جذب بازیکن جدید هستند صفحه ۱۲

صف بلند نام‌آوران

شاید یزدانی در پایان این المپیک به بزرگ‌ترین ورزشکار ایران بدل شود صفحه ۱۳

حرف های داغ هفته

کیانوش عیاری

اگر شرایط فراهم باشد، می‌خواهم فیلم «خر لنگ» را بسازم که اثری است تاریخی و داستان آن به ۱۵۰ سال قبل و زمان کشف اولین چاه نفت ایران در دوران قاجار در مسجدسلیمان بازمی‌گردد. ۲۰سال است به «خر لنگ» فکر می‌کنم. با سارا بهرامی و نوید محمدزاده دوست دارم کار کنم. بعد از کار با ریما رامین‌فر در فیلم «ویلای ساحلی» فهمیدم دیگر نباید بدون ریما فیلم دیگری بسازم. حالا شاید او قبول نکند ولی حتما از او در «خر لنگ» استفاده می‌کنم. عاشق رضا بیک ایمان‌وردی هستم و دلم می‌خواست اولین فیلم خود را با او بسازم اما او از ایران رفت.

برنامه سی و پنج میلیمتری
۸ مرداد

محسن تنابنده

علی‌رغم اینکه موضوع قطعی شدن ساخت سری دوم «سن پطرزبورگ» مطرح شده اما این خبرها به شایعه شبیه است و تاکنون صحبت‌های جدی پیرامون این موضوع انجام نشده و قراردادی هم بسته نشده. من اصلا نمی‌دانم چرا خبر ساخته شدن دنباله «سن پطرزبورگ» مطرح شده است. از طرفی مشغول پروژه‌های مختلف دیگری هستم و گفت‌وگوی جدی درباره ساخته شدن «سن‌پطرزبورگ ۲» اتفاق نیفتاده است. من از کم و کیف ساخته شدن این اثر مطلع نیستم اما مانند دفعات پیشین، هنوز کار عملی جدی در این خصوص انجام نشده و من هم برنامه‌های مختلفی پیش روی خود دارم و به همین دلیل بعید می‌دانم ساخته شدن این فیلم به نتیجه برسد.

خبرگزاری صبا
۷ مرداد

فرهاد آئیش

بعد از فوت پدرم، مادرم در شمیرانات مدیر مدرسه بود و به نام خانم ابطحی همه می‌شناختند. به من می‌گفتند فرهاد ابطحی. ولی وقتی می‌گفتند حشمتی کمی گیج می‌شدم. یادم می‌آید در دبستان، وقتی معلم‌ها حاضر غایب می‌کردند، وقتی می‌گفتند فرهاد حشمتی حاضر نمی‌گفتم. دو، سه سه بار که تکرار می‌کردند یکدفعه به خودم می‌آمدم. فکر می‌کردم من ابطحی هستم. فکر می‌کنم با این فامیلی مشکل داشتم. به خصوص اینکه انرژی خوبی از مادر و خواهرم در ارتباط با پدرم نمی‌گرفتم. یعنی از پدرم به خوبی یاد نمی‌کردند. گویا جوری بوده که دوست‌داشتنی نبوده و مادرم را اذیت می‌کرده. از بچگی در «لحظه» زندگی می‌کردم و هنوز همین است.

اعتماد
۳ مرداد

امیر غفارمنش

در دوران «ساعت خوش» و در دوره آقای لاریجانی و پورنجاتی به مدت دو سال ممنوع‌الفعالیت بودیم و توضیحی هم ندادند، بعد از دو سال هم گفتند که بیشتر از سه نفر در یک نمایش باهم نباشند، آن زمان اوج محبوبیت رضا عطاران، نصرالله رادش، سعید آقاخانی و حمید لولایی بود. اگر این جمع بودند من و پوپک (گلدره) هم به آنها اضافه می‌شدیم اجازه فعالیت نداشتیم. بعدها گفتند محبوبیتی که دارید برای ما غیراستاندارد است و ما تصمیم گرفتیم با شما کار نکنیم و البته که از آن زمان تا کنون ۳۰ سال گذشته است و نوع تفکرات تغییر کرده مثلا الان که درباره عشق می‌توان در تلویزیون صحبت کرد.

خبرآنلاین
۱۰ مرداد

احمد معظمی

قطعا این اقدام تروریستی و شهادت اسماعیل هنیه بی‌پاسخ نمی‌ماند و جواب سختی خواهد داشت. این اتفاق خوشایند نیست و در اینجا همه باید آن را محکوم کنند و باید جواب سختی به آن داد. در ژانر امنیتی کارهایی داشتم که از آن جمله می‌توانم به سریال «خانه امن» اشاره کنم. بخشی از این سریال به داعش و بخش دیگری از آن به جنایات رژیم صهیونیستی می‌پردازد. این سریال بازتاب جهانی هم داشت؛ به طوری که در یکی از شبکه‌های اسرائیلی درباره آن صحبت شد و با سریال «تهران» که خود شبکه اسرائیلی آن را پخش می‌کرد، مقایسه‌اش کردند. ساخت سریال «خانه امن» برایشان گران تمام شده بود.

ایسنا
۱۰ مرداد

چهره هفته

الهه حصاری

موقعیت کیمیا

سریال «زخم کاری» یک شخصیت مرموز دارد به نام کیمیا که از فصل اول تا حالا پازلی از معمای داستان بوده. این کاراکتر را الهه حصاری بازی می‌کند که باید اعتراف کرد یکی از بهترین گزینه‌ها بوده. چهره سرد و آرام بازیگر انطباقی درست با شخصیت دارد؛ هرچند می‌توان به روشنی پی به تلاش خانم حصاری و ایده‌های کارگردان (محمدحسین مهدویان) برای خلق ویژگی‌های رفتاری کیمیا برد. او در فصل اول وارد زندگی مالک شد و همچنان از سمیرا نیش و کنایه می‌شنود اما ساکت می‌ماند. در سری دوم قصد کمک به میثم را داشت و حالا ظاهرا در جبهه مالک است. با این همه نمی‌توان از نقشه‌های این دختر مرموز سر درآورد و الهه حصاری چقدر درست این نکته را در بازی‌اش لحاظ کرده. او اصولا تبحری ویژه در ارائه شخصیت‌های آرام دارد اما در فیلمی چون «فسیل» توانایی‌اش در کمدی نیز اثبات شد. الهه حصاری متولد ۱۳۶۹ در تهران، فارغ‌التحصیل کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی و کاردانی رشته تربیت بدنی است. او سال ۱۳۸۷ با بازی در فیلم سینمایی «تاکسی نارنجی» وارد سینما شد. او از ورزشکاران حرفه‌ای هوازی و مربی یوگا است.

این فیلم ها را ببینید

وفا / جمعه / ساعت ۱۰ / شبکه سه

- کارگردان: محمدحسین لطیفی
- تهیه‌کننده: منصور سهراب پور
- نویسنده: علیرضا افخمی
- بازیگران: پوریا پورسرخ، هانیه توسلی، فرهاد اصلانی
- محصول: ایران / ۱۳۸۵

تماشای مجدد روایت «وفا» بیشتر جنبه نوستالژیک دارد و قرار دادن نسخه خلاصه‌شده این سریال در کنداکتور پخش سینمایی این هفته شبکه سه، بهانه‌ای است برای مرور خاطرات. سریال «وفا» داستان جوانی به نام ژوبین پناهی است که به جرم جاسوسی برای صهیونیست‌ها در لبنان زندانی است. او به دلیل مشکلات روحی و روانی که پس از کشته شدن پدر و مادرش در انفجار بمبی در قبرس پیدا کرده، به بیمارستان منتقل می‌شود. در این زمان مامور ویژه‌ای از طرف موساد و سازمان امنیت ملی اسرائیل برای ربودن او وارد ایران می‌شود.

گاندی / پنجشنبه / ساعت ۲۱ / شبکه نمایش

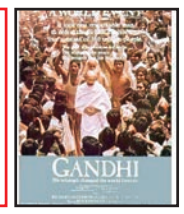

- کارگردان: ریچارد آتن برو
- تهیه‌کننده: ریچارد آتن برو
- نویسنده: جان بریلی
- بازیگران: بن کینگزلی، روهینی هاتانگادی
- محصول: آمریکا / ۱۹۸۲

یک فیلم اسکاری و تماشایی؛ در سال ۱۸۹۳ ماهاتما گاندی سوار یک قطار درجه یک می‌شود ولی متصدی قطار او را با تحقیر از قطار به بیرون پرت می‌کند چون یک هندی حق ندارد کنار انگلیسی‌ها و اشراف سوار قطار درجه یک شود. او پس از مشاهده این تبعیض و تحقیر تصمیم می‌گیرد یک کمپین اعتراضی علیه تبعیض شکل دهد. اما همین موضوع پایه اعتراضات گسترده او و طرفدارانش علیه استعمار انگلستان در هند می‌شود. گاندی مردم هندوستان را علیه استعمار انگلستان متحد می‌کند تا در نهایت هند را به استقلال برساند.

روز شیطان / جمعه / ساعت ۱۷ / شبکه نمایش

- کارگردان: بهروز افخمی
- تهیه‌کننده: سیدضیا هاشمی
- فیلمنامه: بهروز افخمی
- بازیگران: آتیلا پسیانی، علی دهکردی، عبدالرضا اکبری
- محصول: ایران / ۱۳۷۳

یکی از گروهک‌های سلطنت‌طلب در پاریس طرحی برای براندازی در دست اجرا دارد و از حمایت بعضی از صاحبان قدرت در آمریکا برخوردار است. مرحله اول این طرح وارد کردن تدریجی قطعات یک بمب اتمی کوچک است. مرحله دیگر جاسازی آن در داخل یک چمدان است تا یک هفته قبل از بازدید نمایندگان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای از تأسیسات اتمی ایران، جنب استادیوم یکصدهزار نفری آزادی منفجر کرده و با این کار ایران را متهم به زیر پا گذاشتن قراردادهای کنترل سلاح‌های هسته‌ای کنند. قطعات بمب به وسیله ۱۱ نفر وارد کشور می‌شود.

پیشنهاد ویژه هفته

ایف (IF) | شبکه نمایش خانگی

نمای کلی

- کارگردان: جان کرازینسکی
- نویسنده: جان کرازینسکی
- تهیه‌کننده: اندرو فروم
- بازیگران: کایلی فلمینگ، رایان رینولدز، جان کرازینسکی، استیو کارل
- محصول: آمریکا / ۲۰۲۴
- زبان: انگلیسی / دوبله، زیرنویس
- زمان: ۱۰۵ دقیقه

درباره فیلم

معمولا کتاب‌ها و فیلم‌های برخاسته از دنیای تخیل، جذابیت ویژه‌ای دارند. فیلم «ایف» (IF) یک کمدی خانوادگی و فانتزی است به نویسندگی، تهیه‌کنندگی و کارگردانی جان کرازینسکی که البته خودش، هم یک نقش مکمل را در فیلم بازی کرده و هم صداپیشه یکی از شخصیت‌های انیمیشن فیلم است. کرازینسکی بازیگر و کارگردانی آمریکایی است که بیشتر به خاطر کارگردانی، مشارکت در نگارش فیلمنامه و بازی در فیلم ترسناک «مکانی آرام» محصول ۲۰۱۸ و نویسندگی و کارگردانی دنباله آن شناخته می‌شود؛ فیلم‌هایی که همسرش امیلی بلانت نقش اصلی‌شان را بازی کرده است. «ایف» که نقدهای مثبت و منفی مختلفی بر آن نوشته شده و ترکیب بازیگران صداپیشه‌اش پرستاره‌تر از تقریبا هر فیلمی است، با بودجه ۱۱۰ میلیون دلاری‌اش، در گیشه‌های سراسر جهان نزدیک به ۱۸۵ میلیون دلار فروخته است.

درباره داستان

داستان فیلم درباره دختر ۱۲ساله‌ای است که به آپارتمان مادربزرگش مارگارت در شهر نیویورک نقل مکان می‌کند تا پدرش عمل جراحی قلبش را در همان بیمارستانی انجام بدهد که مادرش چند سال پیش به دلیل ابتلا به سرطان در آنجا مرده بود. او شبی از خانه بیرون می‌رود و موجودی ناشناخته را می‌بیند که ظاهرا در طبقه بالای ساختمان‌شان ساکن است. او روز بعد دوباره این موجود را همراه مردی به نام کَل می‌بیند و این بار آن‌ها را دنبال می‌کند. او که یک موجود بزرگ خزدار بنفش به نام بلو را هم می‌بیند وقتی با موجود پروانه‌مانند قبلی به نام بلاسم روبه‌رو می‌شود از هوش می‌رود. او در آپارتمان کَل به هوش می‌آید و متوجه می‌شود که مرد با ایف‌ها (دوستان خیالی) زیادی همکاری می‌کند تا آن‌ها را با بچه‌های جدیدی آشنا کند.

درباره نقدها

«ایف یک فیلم توخالی بزرگ است اما به شیوه‌ای که اغلب فیلم‌های خانوادگی خوب چنین هستند!» این تعریف عجیب و غریب از فیلم «ایف» را منتقد تلگراف به قلم آورده و به نوعی حکایت واکنش اغلب منتقدان به فیلم است. منتقدانی که از نظر سینمایی با فیلم ارتباط برقرار نمی‌کنند اما حس و حال خوب آن را هم دوست دارند! ادرین هورتن منتقد گاردین هم با همین نگاه درباره فیلم نوشته است: «برای فیلمی که خودش را تا حد زیادی به‌عنوان یک کمدی معرفی می‌کند، به‌خصوص به‌واسطه شخصیت دوست‌داشتنی بلو، «ایف» نمی‌تواند از تماشاگرانش خنده‌های واقعی بگیرد. در عوض، وقتی به پایان فیلم می‌رسیم تماشاگران با چشمانی خیس‌شده، کامی که شیرین شده است و این درس ماندگار، رها می‌شوند که وقتی بزرگ می‌شوند عشق و بازیگوشی را از یاد نبرند.»

فیلم‌های آخر هفته

شبکه نمایش
پنجشنبه ۱۱ مرداد
هندوستان آزاد / ساعت ۱۳
منطقه سبز / ساعت ۱۵
من و دبورا / ساعت ۱۷
دختر آرام / ساعت ۱۹
گاندی / ساعت ۲۱
پلنگ آناتولی / ساعت ۲۳
جمعه ۱۲ مرداد
گذرگاه / ساعت ۱
بیلو / ساعت ۱۳
دختر آرام / ساعت ۱۵
روز شیطان / ساعت ۱۷
حقیقت محض / ساعت ۱۹
قیام / ساعت ۲۱

شبکه یک
پنجشنبه ۱۱ مرداد
بازمانده / ساعت ۲۳:۳۰
جمعه ۱۲ مرداد
فرحه / ساعت ۱۶

شبکه دو
جمعه ۱۲ مرداد
کفر قاسم / ساعت ۴۵ دقیقه بامداد
سوم شخص غایب / ساعت ۸

شبکه سه
جمعه ۱۲ مرداد
وفا / ساعت ۱۰

شبکه چهار
پنجشنبه ۱۱ مرداد
شکار اشباح / ساعت ۲۰:۳۰

شبکه تهران
پنجشنبه ۱۱ مرداد
سربازان کوچک / ساعت ۱۳:۳۰
جمعه ۱۲ مرداد
نجات زرافه / ساعت ۹
۳۳ روز / ساعت ۱۳:۳۰

شبکه کودک
پنجشنبه ۱۱ مرداد
بازگشت به دریا / ساعت ۱۴
جمعه ۱۲ مرداد
کودک کیهان‌نورد / ساعت ۱۴

شبکه امید
پنجشنبه ۱۱ مرداد
آخرین ایست بازرسی / ساعت ۱۸
جمعه ۱۲ مرداد
طعم آفتاب / ساعت ۱۸

شبکه افق
جمعه ۱۲ مرداد
گذرگاه / ساعت ۱۰
شکارچی شنبه / ساعت ۱۷

شبکه سلامت
جمعه ۱۲ مرداد
تمپل گراندین / ساعت ۱۱

عکس هفته

جوکر توقیف نمی‌شود

فصل دوم «جوکر» با اجرای احسان علیخانی نظرات مختلف به خود دید. فارغ از آن اما حاصل کار مورد توجه مخاطبان قرار گرفته و این نکته را می‌توان از انبوه کامنت‌ها متوجه شد. در حالی که آرام آرام نوبت به ادامه پخش «جوکر» از فیلیمو می‌رسد، خبری حاشیه‌ساز منتشر شد. در نهایت محمدصادق افراسیابی معاون کاربران و تنظیم‌گری اجتماعی ساترا در گفت‌وگو با ایرنا توضیحاتی را بیان کرد. او با اشاره به شکایات ثبت شده در سامانه ساپرا درباره برخی بخش‌های «جوکر ۲» گفت: شرط ساترا برای ادامه تولید قسمت‌های بعدی اصلاح است که در صورت اصلاح این به معنای توقف تولید برنامه نیست بلکه هدف ساترا این است که ابتدا بخش‌های گذشته مطابق با آیین‌نامه‌های محتوایی و مصوبات شورای صدور مجوز ساترا اصلاح شود و سپس ادامه فرآیند تولید از سر گرفته شود.

ترین‌های هفته

سلامت باشند هفته | دو بازیگر در بستر بیماری

این هفته خبر رسید که جمشید هاشم‌پور بیمار است. روز گذشته همسر این بازیگر به ایرنا گفت: «خوشبختانه حال عمومی او رو به بهبود است و به بخش منتقل شده. چندی پیش بدحال بود که پزشکان با انجام آزمایشاتی متوجه شدند سنگ صفرا به پانکراس و کلیه و کبد برخورد کرده است. خوشبختانه زود متوجه مشکل شدیم و به بیمارستان مراجعه کردیم و با انجام عملیات درمانی، معالجه شد.» همچنین فتح‌الله طاهری، بازیگر پیشکسوت که چند روزی است در بیمارستان بستری شده، همچنان تحت درمان قرار گرفته. برای هر دو بازیگر آرزوی بهبودی و سلامتی داریم.

فراخوان هفته | تولید فصل جدید «بگو بخند»

پایگاه اطلاع‌رسانی سیما خبر داد: مسابقه استعدادیابی «بگو بخند» در ۲ فصل تولید شده است و این روزها عوامل برنامه فراخوانی برای حضور شرکت‌کنندگان در برنامه در سری سوم منتشر کرده‌اند. علاقه‌مندان می‌توانند در زمینه‌های شعر طنز، موسیقی طنز، اجرای گروهی طنز (تئاتر)، اجرای تک‌نفره طنز (استندآپ) برای سری سوم آثار خود را ارسال کنند و مهلت ارسال آثار تا شهریور است. سری اول برنامه با حضور نعیمه نظام‌دوست، هومن برق‌نورد، بیژن بنفشه‌خواه و شهرام شکیبا ساخته شد. نعیمه نظام‌دوست، علیرضا خمسه، شهاب عباسی و شهرام شکیبا داوران سری دوم بودند و عبدالله روا اجرای برنامه را به‌عهده داشت.

فرقه، عوامفریبی، توطئه یا استعداد؟

چرا و چگونه یک خواننده ۳۱ساله ظرف مدت کوتاهی توانست به نماد موسیقی و شاید فرهنگ پاپ آمریکایی تبدیل شود؟

مصطفی آرانی | کنسرت خانم تیلور سویفت در مونیخ، نه تنها هزاران نفر را به استادیوم المپیک مونیخ کشاند بلکه هزاران نفر دیگر در تپه‌هایی که مشـــرف بر این ورزشگاه بودند، جمع شدند، تا به نوعی در کنسرت او حضور داشته باشند. مدت‌هاست که میزان درآمد تیلور سویفت از این کنسرت‌های خود که به نام «تور اراس» مشهور شـــده از مرز یک میلیارد دلار گذشته است. از سوی دیگر برخی از تاثیر او بر اقتصاد کشورهایی حرف می‌زنند که در آنجا کنسرت می‌گذارد و برخی یا را فراتر گذاشتند و مدعی هستند که حالا دیگر سویفتیسم، یک فرقه در سطح فرقه‌های مذهبی است! رابطه شخصی او با یک فوتبالیســـت فوتبال آمریکایی باعث شده که میزان فروش بلیط بازی‌های این ورزش و باشگاهی که آن فوتبالیســـت در آن حضور دارد، بالاتر برود. سوال این است که چطور شد، به شـــکل ناگهانی ظرف یکی، دو سال پدیده‌ای به نام تیلور سویفت در جهان اینقدر مورد توجه قرار گرفت؟ آیا واقعا دستی پشت پرده است که ســـویفت را به نمادی در جهان تبدیل کند یا واقعا سلیقه عمومی نســـل جدید او را بسند کرده است. این هفته با این سوال، تلاش می‌کنیم نوعی بررسی انتقادی در مورد تیلور سویفت و پدیده او داشته باشیم.

۱ لطف پدر و مادر

شاید خوب باشـــد که ابتدا ببینیم تیلور سویفت از کجا کارش را آغاز کرد. او متولد ۲۲ اذرماه ۱۳۶۸ است در پنســـیلوانیا. پدر و مادر او هر دو از طبقه متوسط رو به بالای جامعه آمریکا بودند. پدرش یک دلال معاملات سهام بود و مادرش هم برای مدت کوتاهی، مدیر بازاریابی یک شرکت بزرگ بود. به این ترتیب، سویفت در خانواده‌ای به دنیا می‌آید که مشکل تامین مالی برای علاقه و استعدادهای فرزند خود را ندارد و از سوی دیگر در خانواده‌ای زیست می‌کند که الفبای بیزنس و بازاریابی شناخته شده است.

این خانواده نکته دیگری هم دارند و آن هم اینکه، اهل موسیقی هستند. نام تیلور سویفت از روی جیمز تیلور، خواننده، ترانه‌سرا و گیتاریست مشهور آمریکایی که شش‌بار برنده جایزه گرمی شده بود، برداشته شده است. از سوی دیگر برادر او خواننده ایرا بود و در کلیسا آواز می‌خواند؛ بنابراین، همه چیز مهیا بود برای اینکه تیلور ســـویفت از این خانواده برخیزد.

چیزهای دیگری هم هست. مثلا گفته شده که سویفت در تعطیلات تابستان دبیرستان، مکرر برای آموزش آواز خواندن تا نیویورک می‌رفت. از شهر سویفت تا نیویورک چیزی در حدود دو ساعت و نیم راه است و نیویورک هم شهر ارزانی نیست؛ بنابراین امکانات خوبی برای او حتی در نوجوانی فراهم بوده تا بتواند به موفقیت امروزی برسد.

جالب اســـت بدانید که ســـویفت کار حرفه‌ای در زمینه موسیقی را از حدود ۱۰ ســـالگی و با موســـیقی کانتری (که می‌توان گفت معادل موسیقی محلی است) آغاز کرده و پدرش در ۱۴ سالگی برای اینکه او راحت‌تر بتواند به کلاس‌های درس خود برسد، خانه و زندگی را به ایالت تنسی آمریکا برد. شهری که ۱۲ ســـاعت تا محل تولد تیلور سویفت فاصله داشت.

بعد از عقد قرارداد با اولین شـــرکتی که قصد داشـــت آلبومی از تیلور سویفت منتشر کند؛ چون این شرکت تازه تاسیس بود، پدر سویفت ۱۲۰هزار دلار پول داد و بخشـــی از سهام این شـــرکت را خرید و در نهایت، بعد از انتشار اولین آلبوم او در سال ۲۰۰۶، مادر او کسی بود که سی‌دی‌های آلبوم او را در بسته‌بندی‌هایی قرار می‌داد و به ایستگاه‌های رادیویی در سراسر کشور می‌فرستاد تا با پخش آن از طریق رادیو بتواند صدای دختر خود را به گوش همه برساند؛ بنابراین در فهم پدیده تیلور سویفت دست کم تا نیمه عمر او، به نقش این پدر و مادر باید به شدت توجه کنید.

۲ با تشکر از کانیه وست

بخش مهمی از شهرت تیلور سویفت، مدیون کانیه وست است. چرا؟ در جریان اهدای جوایز موزیک‌ویدئوهای ام‌تی‌وی در سال ۲۰۰۹، تیلور سویفت روی صحنه بود و داشت از حضار و هیات‌داوران تشکر می‌کرد که این موفقیت را برای او اهدا کردند. او در آن زمان برای موزیک ویدئوی «تو متعلق به من هستی» جایزه برده بود. ناگهان کانیه وست در میانه این نطق روی صحنه رفت، میکروفون را از دست سویفت کشید و گفت: «من واقعا برای تو خوشحالم ولی بیانـــه یکی از بهترین ویدئوهای سویفت بود که ایدا بیینم تیلور سویفت از کجا کارش را آغاز کرد. او متولد ۲۲ اذرماه ۱۳۶۸ است در پنســـیلوانیا. پدر و مادر او هر دو از طبقه متوسط رو به بالای جامعه آمریکا بودند. پدرش یک دلال معاملات سهام بود و مادرش هم برای مدت کوتاهی، مدیر بازاریابی یک شرکت بزرگ بود. به این ترتیب، سویفت در خانواده‌ای به دنیا می‌آید که مشکل تامین مالی برای علاقه و استعدادهای فرزند خود را ندارد و از سوی دیگر در خانواده‌ای زیست می‌کند که الفبای بیزنس و بازاریابی شناخته شده است.

این خانواده نکته دیگری هم دارند و آن هم اینکه، اهل موسیقی هستند. نام تیلور سویفت از روی جیمز تیلور، خواننده، ترانه‌سرا و گیتاریست مشهور آمریکایی که شش‌بار برنده جایزه گرمی شده بود، برداشته شده است. از سوی دیگر برادر او خواننده ایرا بود و در کلیسا آواز می‌خواند؛ بنابراین، همه چیز مهیا بود برای اینکه تیلور ســـویفت از این خانواده برخیزد.

چیزهای دیگری هم هست. مثلا گفته شده که سویفت در تعطیلات تابستان دبیرستان، مکرر برای آموزش آواز خواندن تا نیویورک می‌رفت. از شهر سویفت تا نیویورک چیزی در حدود دو ساعت و نیم راه است و نیویورک هم شهر ارزانی نیست؛ بنابراین امکانات خوبی برای او حتی در نوجوانی فراهم بوده تا بتواند به موفقیت امروزی برسد.

جالب اســـت بدانید که ســـویفت کار حرفه‌ای در زمینه موسیقی را از حدود ۱۰ ســـالگی و با موســـیقی کانتری (که می‌توان گفت معادل موسیقی محلی است) آغاز کرده و پدرش در ۱۴ سالگی برای اینکه او راحت‌تر بتواند به کلاس‌های درس خود برسد، خانه و زندگی را به ایالت تنسی آمریکا برد. شهری که ۱۲ ســـاعت تا محل تولد تیلور سویفت فاصله داشت.

بعد از عقد قرارداد با اولین شـــرکتی که قصد داشـــت آلبومی از تیلور سویفت منتشر کند؛ چون این شرکت تازه تاسیس بود، پدر سویفت ۱۲۰هزار دلار پول داد و بخشـــی از سهام این شـــرکت را خرید و در نهایت، بعد از انتشار اولین آلبوم او در سال ۲۰۰۶، مادر او کسی بود که سی‌دی‌های آلبوم او را در بسته‌بندی‌هایی قرار می‌داد و به ایستگاه‌های رادیویی در سراسر کشور می‌فرستاد تا با پخش آن از طریق رادیو بتواند صدای دختر خود را به گوش همه برساند؛ بنابراین در فهم پدیده تیلور سویفت دست کم تا نیمه عمر او، به نقش این پدر و مادر باید به شدت توجه کنید.

۳ با تشکر از کانیه وست

بخش مهمی از شهرت تیلور سویفت، مدیون کانیه وست است. چرا؟ در جریان اهدای جوایز موزیک‌ویدئوهای ام‌تی‌وی در سال ۲۰۰۹، تیلور سویفت روی صحنه بود و داشت از حضار و هیات‌داوران تشکر می‌کرد که این موفقیت را برای او اهدا کردند. او در آن زمان برای موزیک ویدئوی «تو متعلق به من هستی» جایزه برده بود. ناگهان کانیه وست در میانه این نطق روی صحنه رفت، میکروفون را از دست سویفت کشید و گفت: «من واقعا برای تو خوشحالم ولی بیانـــه یکی از بهترین ویدئوهای سویفت بود که ایدا بیینم تیلور سویفت از کجا کارش را آغاز کرد. او متولد ۲۲ اذرماه ۱۳۶۸ است در پنســـیلوانیا. پدر و مادر او هر دو از طبقه متوسط رو به بالای جامعه آمریکا بودند. پدرش یک دلال معاملات سهام بود و مادرش هم برای مدت کوتاهی، مدیر بازاریابی یک شرکت بزرگ بود. به این ترتیب، سویفت در خانواده‌ای به دنیا می‌آید که مشکل تامین مالی برای علاقه و استعدادهای فرزند خود را ندارد و از سوی دیگر در خانواده‌ای زیست می‌کند که الفبای بیزنس و بازاریابی شناخته شده است.

این خانواده نکته دیگری هم دارند و آن هم اینکه، اهل موسیقی هستند. نام تیلور سویفت از روی جیمز تیلور، خواننده، ترانه‌سرا و گیتاریست مشهور آمریکایی که شش‌بار برنده جایزه گرمی شده بود، برداشته شده است. از سوی دیگر برادر او خواننده ایرا بود و در کلیسا آواز می‌خواند؛ بنابراین، همه چیز مهیا بود برای اینکه تیلور ســـویفت از این خانواده برخیزد.

چیزهای دیگری هم هست. مثلا گفته شده که سویفت در تعطیلات تابستان دبیرستان، مکرر برای آموزش آواز خواندن تا نیویورک می‌رفت. از شهر سویفت تا نیویورک چیزی در حدود دو ساعت و نیم راه است و نیویورک هم شهر ارزانی نیست؛ بنابراین امکانات خوبی برای او حتی در نوجوانی فراهم بوده تا بتواند به موفقیت امروزی برسد.

جالب اســـت بدانید که ســـویفت کار حرفه‌ای در زمینه موسیقی را از حدود ۱۰ ســـالگی و با موســـیقی کانتری (که می‌توان گفت معادل موسیقی محلی است) آغاز کرده و پدرش در ۱۴ سالگی برای اینکه او راحت‌تر بتواند به کلاس‌های درس خود برسد، خانه و زندگی را به ایالت تنسی آمریکا برد. شهری که ۱۲ ســـاعت تا محل تولد تیلور سویفت فاصله داشت.

بعد از عقد قرارداد با اولین شـــرکتی که قصد داشـــت آلبومی از تیلور سویفت منتشر کند؛ چون این شرکت تازه تاسیس بود، پدر سویفت ۱۲۰هزار دلار پول داد و بخشـــی از سهام این شـــرکت را خرید و در نهایت، بعد از انتشار اولین آلبوم او در سال ۲۰۰۶، مادر او کسی بود که سی‌دی‌های آلبوم او را در بسته‌بندی‌هایی قرار می‌داد و به ایستگاه‌های رادیویی در سراسر کشور می‌فرستاد تا با پخش آن از طریق رادیو بتواند صدای دختر خود را به گوش همه برساند؛ بنابراین در فهم پدیده تیلور سویفت دست کم تا نیمه عمر او، به نقش این پدر و مادر باید به شدت توجه کنید.

۴ دار و دسته نیویورکی‌ها

سال ۲۰۱۴، تیلور ســـویفت به نیویورک نقل مکان می‌کند. او البته املاک زیادی در تمام آمریکا دارد و خانه خود را تنســـیل می‌داند ولی بارها و بارها از تاثیر نیویورک بر حرفه خود صحبت کرده است. در آن زمان قرار بود که ســـویفت روی پنجمین آلبوم خود به نام ۱۹۸۹ کار کند. آلبومی که در واقع عدد سال تولد اوست.

آن طور که ســـویفت گفته نیویورک به او حس آزادی و نوآوری داد و او را تشویق کرد تا صدای جدیدی را در موسیقی خود کشف کند و به او اجازه داد تا با اعتماد به نفس بیشتری به خلق موسیقی بپردازد و بدون ترس از قضاوت دیگران، مسیر هنری خود را دنبال کند و باعث شد به او این فرصت داده شود که خود واقعی‌اش را پیدا کند و این تجربه‌ها را در آثارش منعکس کند.

با این حال این همه چیزهایی نیســـت که نیویورک به تیلور سویفت داده است. نیویورک در واقع می‌تواند با اتصفر تجاری و بینرسی خود، هر کسی را به ســـمت و سوی بازار بکشـــاند و این دقیقا اتفاقی بود که برای سویفت افتاد. او در نیویورک بود که موسیقی کانتری که در آن استعداد داشت و جوایز زیادی برده بود و اساسا کار خود را در موسیقی از این ژانر آغاز کرد بود را کنار بگذارد و رو به موسیقی پاپ بگذارد.

یکی از برجســـته‌ترین نشـــانه‌های این تاثیر، ترانه Welcome To New York است که به عنوان قطعه افتتاحیه آلبوم ۱۹۸۹ انتخاب شد. از ســـوی دیگر نیویورک با فضای رسانه‌ای خود به تیلور سویفت کمک کرد که همه‌جا، از خیابان گرفته تا حتی یک خرید ســـاده زیر ذره‌بین رسانه‌ها باشد و هر چه بیشتر و بیشتر در چشم عموم مردم قرار بگیرد و شناخته‌تر شود.

نیویورک البته خاصیتی بین‌المللی هم دارد و او را از خواننده‌ای محلی در آمریکا به یک خواننده جهانی تبدیل کرد.

۵ دعاوی رسانه‌ای و حقوقی

یکی دیگر از راه‌های شـــهرت تیلور ســـویفت دعواهایی است که در رسانه‌ها و دادگاه‌ها علیه این و آن به راه انداخته و باعث شهرت او شده است. دو مورد از تمام این دعاوی در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ اتفاق افتاد.

در سال ۲۰۱۵ او به جنگ ایل رفت. داستان این است که در آن زمان ایل موزیک در مدت سه ماه اول آزمایشی به خوانندگان پولی نمی‌داد و تیلور سویفت در یک مقاله این موضوع را به نقد گرفت و تهدید کرد که موسیقی‌های خود را از این پلتفرم بیرون خواهد کشید. ایل بعد از آن قانع شد که حق حسابی به خوانندگان بدهد ولی سویفت فقط به خاطر این پول نبود که در این بازی برنده شـــد بلکه بیش از هر چیز به برنامه تلویزیونی آرزوی این را داشته باشد که آن‌ها به بیانه دیدن لحظه دریافت جایزه توســـط خواننده محبوب خود یا دست کم اجرای او در جریان این مراسم تلویزیون خود را روشن کنند و آمار بازدید برنامه و در نتیجه آگهی‌های آن را بالا ببرند.

۶ رابطه‌ها

یکی دیگر از نکاتی که باعث شهرت تیلور سویفت شده، تعدد روابط عاطفی اوست. از سال ۲۰۰۸ تاکنون یعنی ظرف ۱۵سال، او حدودا ۱۵ رابطه عاطفی داشـــته اســـت. این روابط که تعدد آن حتی در جامعه آمریکا هم می‌تواند انتقادبرانگیز باشد، به شدت به شهرت ســـویفت کمک کرد است؛ چرا که رسانه‌های عامه‌پسند عاشق این خبرها هســـتند و همیشه آن را مورد توجه قرار می‌دهند و باعث می‌شوند که نام فرد همیشه بر سر زبان‌ها باقی بماند.

البته ســـویفت با را از این همه فراتر گذاشته و در انتخاب رابطه‌های خود هم به مسائل تجاری و شهرت فکر می‌کند. مثلا در روزهای نخست فعالیت خود سراغ یکی از برادران یوناس رفت و در میانه این دوره مدتی با هری استایلز در رابطه بود و دست آخر هم به ســـراغ یکی از معروف‌ترین بازیکنان فوتبال آمریکایی رفت.

خاطر کشتی گرفتن با کمپانی بزرگ و شناخته شده‌ای مثل ایل بود که توجه عمومی را به خود جلب کرد.

از سوی دیگر در سال ۲۰۱۷ او یکی از نخستین دعاوی اتهام آزار جنسی را به راه انداخت. در آن زمان او دبوید مولر که صاحب یک برنامه در یک ایستگاه رادیویی بود را متهم کرد که در هنگام عکس گرفتن با او، پشت او را لمس کرده است. سویفت این موضوع را در دادگاه جلو برد و در نهایت مولر را محکوم کرد و باعث شد که او کار خود را از دست بدهد ولی مهم‌تر از آن باعث شد که خود به عنوان یک قهرمان در میان زنان مشهور شود. قهرمانی که سکوت نمی‌کند و آزار جنسی را تا آخر پیگیری می‌کند.

طبیعتا محاکمه هم چون در مورد آزار جنسی یک سلبریتی بود، مجرا توسط رسانه‌ها گزارش می‌شد و بیش از پیش باعث شد که سویفت به شهرت برسد. دقت کنید که داریم در مورد سالی صحبت می‌کنیم که او هنوز به سی‌سالگی هم نرسیده است!

۷ خودشیفتگی

یکی از مهم‌ترین عناصر در تحلیل تیلور سویفت خودشیفتگی و سطح بالای اعتماد به نفس اوست. موضوعی که شاید بتوان از ضبط مجدد کارهای او هم دریافت. در واقع ضبط مجدد‌ها نشان از این دارند که متن این کارها که اغلب با همگی کار سویفت بودند، خوب بوده ولی او حالا می‌خواهد با نوایی بهتر آن‌ها را به مخاطب عرضه کند.

خودشـــیفتگی البته موضوعی نیســـت که فقط بتوان از این موضوع، آن را دریافت. برخی از روانشناسان با تحلیل متن آهنگ‌های سویفت هم به این نتیجه رسیده‌اند. مثلا یک روانشناس متن آهنگ «آنتی هیرو» را بررسی کرده و نشان داده که او در این آهنگ، عملا افراد دیگر را مقصر دانسته و خود را بری از هر اشـــتباه و خطایی می‌داند و می‌خواهد از مسئولیت‌پذیری فرار کند. یا مثلا روانشناس دیگری شـــعرهای «شکنجه‌شده» را بررسی کرده که او در بخشـــی از آن می‌گوید «اگر تو را ترک کنم، خودکشی می‌کنی؟» و این جمله را نشان از خودشیفتگی بالای ســـویفت می‌داند. نوعی روحیه که باعث شده، او با استفاده از آن بتواند روابط خود را هم کنترل کند و افرادی که وارد رابطه عاطفی با او می‌شـــوند را با ایجاد حس گناه و مسئولیت در چرخه مخربی از وابستگی عاطفی نگه دارد و حفظ کند. البته که مشخص نیست با این همه چطور او نمی‌تواند روابط خود را حفظ کند و هرســـال خود را با یک فرد می‌گیراند! نشـــانه‌ای دیگر از این موضوع را می‌توان در همین مجموعه شعرهای «شکنجه‌شده» دید. جایی که به نظر برخی از منتقدان، حرف اول و آخر ســـویفت این است که او شخصیتی خوب است ولی توسط افرادی که سابقا با او در رابطه بودند، مخالفان و افرادی که از او نفرت دارند و حتی گاهی از سوی طرفدارانش، مورد اذیت‌واز قرار می‌گیرد!

۸ تکنیک‌های مدیریت و بازاریابی

کارشناسانی هستند که سویفت را متهم می‌کنند که آگاهانه یا (به احتمال خیلی کم) ناآگاهانه روش‌هایی را به کار می‌برد که باعث شهرت بیش از پیش او می‌شـــود. مثلا یکی از تکنیک‌های او، این است که در بخش وسواس ذهن شما بنشیند. یعنی چه؟ یعنی شـــما را وادار کند که به صورت وسواسی او را چک کنید و سراز کارهایش دربیاورید و خبرهایی در مورد او بخوانید. او چطور این کار را کرده است؟ به مدد خبرسازی هر روزه در عصر اینترنت. حالا دیگر وضع به جایی رسیده که اگر شما روزی از او خبری نبینید، احساس می‌کنید چیزی کم دارید. یکی دیگر از تکنیک‌های او این است که هیچگونه همراهی چز خانواده و دوســـتانش ندارد. او حتی هیچ نماینده و مدیری ندارد و همه چیزهای مربوط به خود را خود و البته به کمک برخی از والدین و دوســـتان مورداعتمادش کنترل می‌کند. این باعث می‌شـــود که سویفت در واقع یک مدیریت پروژه فوق‌العاده از خود نشان دهد و البته امنیت روانی بالایی داشته باشد.

۹ عوام فریبی

سویفت بخشـــی از فرهنگ و موسیقی پاپ اســـت و البته چهره‌ای مهم در مارکت موســـیقی و عجیب نیســـت که حتی ســـلایق اجتماعی، سیاسی و شخصی خود را بر این مبنا تنظیم کند و اجازه بدهد که هر کسی از ظن خود، یا را وشود.

در اوایل مشهورشدن او راست افراطی به شدت به او امیدوار بود و او را یک الهه می‌دانست؛ چرا که از اشعارش ایده‌های محافظه‌کارانه می‌فهمید. بعد از مدتی تیویورک‌تایمز پنج‌هزار کلمه، مطلب نوشت و ثابت کرد که او یک همجنس‌گرا است. این شایعه آنقدر تقویت شد که سویفت مجبور شد، آن را تکذیب کند. بعد از آن سویفت آنقدر به سمت چپ‌های آمریکایی و دموکرات‌ها چرخید که برخی گفتند شـــهرت او یک توطئه از سوی دولت بایدن و حتی پنتاگون است؛ برای اینکه بتوانند قدرت را در ســـال ۲۰۲۴ در دست خود نگه دارند. البته تاثیرگذاری او بر انتخابات غیرقابل انکار است. یک نظرسنجی نشان داده که ۱۸درصد از رای‌دهندگان ایالات‌متحده – حدود ۳۰میلیون نفر از سال – احتمالا به نامزد مورد تایید سویفت رای می‌دهند. نشانه‌ای دیگر، اینکه در ماه سپتامبر، او پیام کوتاهی در حساب اینستاگرام خود منتشر کرد و ۲۷۲میلیون دنبال‌کننده خود را تشـــویق کرد تا برای رای‌دادن ثبت‌نام کنند. این پست منجر به ثبت نام بیش از ۳۵هزار نفر در سایت غیرحزبی Vote.org شد.

از سوی دیگر، ســـویفت خود را پرچمدار برخی مسائل فمینیستی مثل شکایت از آزار جنسی می‌داند و از جهت دیگر، برخی از پرفورمنس‌های او، مورداتفاق فمنیست‌هاست؛ چرا که آن را نوعی برخورد کالایی با بژرهای زنان می‌دانند. به این‌ترتیب، سویفت توانســـته با نوعی پنهان‌کاری که در مواضع و زندگی خود دارد، عملا همه را از خود راضی کنـــد و در عین‌حال، عضو هیچ حزب و دســـته‌ای نباشد.

۱۰ جامعه؟ به من ربطی ندارد

شاید شما هم با برخی از افراد نسل جدید برخورد کرده باشید و به این موضوع برخورد کرده باشـــید که گویی آن‌ها هیچ دغدغه‌ای جز خودشان ندارند. ســـویفت دقیقا همین محصول را به آن‌ها عرضه می‌کند. در شهرهای ســـویفت خبری از ارزش‌های اجتماعی یا انتقادهای گزنده نیســـت. هرچه هست اوســـت و او. یا در حال خودنمایی است و گفتن از خودش یا در حال انتقاد از کســـانی که او را آزار دادند و به این ترتیب می‌خواهـــد ترحم مخاطب را به خود جلب کند. برخی می‌گویند در ۳۱سالگی انتظار ندارند چنین اشعاری را از ســـویفت بشنوند ولی مســـئله این اســـت که هم او از نظر روانی این موضوع را دوست دارد و هم مارکت از او مطالبه می‌کند و بـــه این‌ترتیب، او همچنان در حال و هوای نوجوانانه خود باقی مانده است و از مکر معشوق و بدعهدی او می‌خواند.

در این شرایط شما هم اگر یک زندگی مثل ســـویفت داشتید و البته نوعی انحصار که به مدد شـــرکت‌های ضبط و برگزاری کنســـرت و تبلیغات به وجود آمده؛ حتما مثل او می‌شدید. فراموش نکنید که دو میلیون هنرمند در اسپاتیفای هســـتند ولی ۹۵درصد از درآمد این پلتفرم شنیده می‌شود، متعلق به چهاردرصد از هنرمندان است! فراموش نکنید که در سال ۱۹۸۲، سهم یک درصد برتر از هنرمندان، ۲۶درصد از کل درآمد کنســـرت‌ها بود ولی در سال ۲۰۱۷ این رقم به ۶۰درصد رسید. یعنی از هزار دلار درآمد کنســـرت ۶۰۰دلار فقط به یک درصد از کل هنرمندان می‌رسد. اینترنت، به ظاهر انتخاب‌های ما را فراوان کرده ولی به همان میزان، ما را به انتخاب‌های محدودتری هم سوق داده است و خب، شما هیچوقت نخواهید دید که تیلور ســـویفت در آهنگ‌هایش از این چیزها بخواند!

توضیح هفت‌صبح: بخشی از مطالب این صفحه برگرفته از شبکه‌های اجتماعی است و منبع اولیه انتشار دهنده آنها ذکر شده است. بدیهی است که استفاده از این مطالب مصداق استفاده منصفانه طبق ماده ۷ قانون مولفان، مصنفان و هنرمندان خواهد بود.

قاب ایرانی

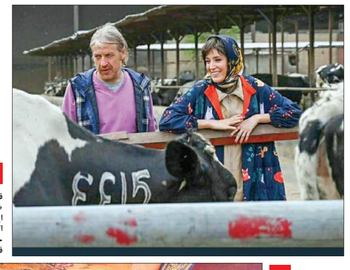

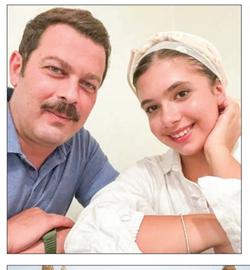

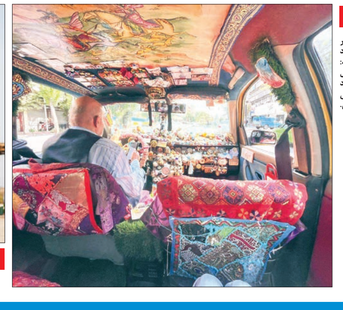

۷ الناز شاکردوست و سحر دولتشاهی در پشت صحنه فیلم سینمایی «بادگار جنوب»

< عکس پدر دختری بزمان و نفس بازغی

< فرشته حسینی در فیلم «چرا اگر به نمی‌گی؟» این فیلم سینمایی بعد از اکران ناموفق در سینما حالا در پلتفرم آنلاین فیلم‌نت اکران می‌شود.

< این عکس را کاربر «رویا» در توئیتر خود منتشر کرده و نوشته: «راننده امروز مثل عتیقه‌فروشی بود با یک راننده خیلی مهربون.

< رضا عطاران و پارسا پیروزفر در اکران مردمی «صفاب شیرین»، تفسیر چهره عطاران مورد توجه کاربران قرار گرفته است.

۸ شیم قلی‌خانی این عکس عجیب را از خودش و خودش منتشر کرد و نوشت: وقتی به خود اجازه می‌دهید صدای کودک درون‌تان را بشنوید، جادو اتفاق می‌افتد.

قاب فرنگی

< جیمز لویز ۵۵ ساله عکس‌هایی از فرزندان دو قلویش مکس و ام ۶ساله منتشر کرد و نوشت: قلب من. در این عکس دخترش ام کنارش ایستاده است.

< برد پیت در حال بازی در فیلم جدیدش F1 (فرمول یک) در مجارستان.

۸ عکسی استثنایی از کابریل مدینا موج‌سوار برزیلی، او برفراز آب‌ها انگشت اشاره خود را به نشانه پیروزی بالا برد و تخته او هم به دنبالش. عکس از زروم برول.

ویدئوهای برباز دید هفته

گلایه‌های خانم جاور، خبر تلخ شروین و پرستو صالحی پشیمان

< سلین دیون ۵۶ساله بعد از ۳ سال درگیری با سندروم نادر استیف پرسن توانست در افتتاحیه المپیک ۲۰۲۴ اجرا داشته باشد. این عکس گوشه‌ای از استقبال مردم پاریس از او بعد از اجرا را نشان می‌دهد.

< رابرت داونی جونیور در مراسم کاسبک کان اعلام کرد قرار است با نقش «دکتر دوم» در فیلم انتقام‌جویان به دنیای سینمایی مارول برگردد.

۸ جسیکا چستین و فرزندانش در حال تماشای مسابقه سیمون بایلز، از اعضای تیم ژیمناستیک آمریکا. بایلز در این مسابقات هشتمین مدال المپیک خود را به دست آورد و یکی از درخشان‌ترین اجراها را در بین ژیمناست‌های دیگر به نمایش گذاشت.

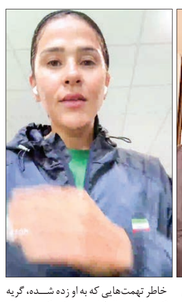

این هفته در حاشـــیه برگزاری مســـابقات المپیک، انتقـــادات زیادی به لباس ســـاده و ســـفید کاروان ایران شـــد. مثـــلا المیرا شریفی‌مقدم در تلویزیون به کنایه گفت: «تیم ایران که رو کشـــتی اومد انگار تیم پزشکی المپیک اومده. یکی خورد زمین دوید سمت تیم ایران فکر کرد اینا پرســـتارا و پزشکان.» مهسا جاور، قایقران تیم رونینگ، در واکنش به همه انتقادات ویدئویی منتشر کرد و گفت: «چرا انقدر بی‌فرهنگی بین‌مون عادی شده. چی شده که مسخره کردن انقدر خنده داره؟ از کی تاحالا به خودمون این اجازه‌رو میدیم؟ ما چهل تا ورزشکاریم که سهمیه المپیک‌رو گرفتیم. باور کنید ما زندگی‌مون‌رو گذاشتیم اومدیـــم. اگه تو هم از اون آدم‌ها هســـتی خود این اجازه‌رو ندد چون ما خـــیلی با هم فرق داریم.» ژیلا صادقی هم در دفاع از این طراحی لباس گفت: «کلاســـکی می‌تونستیم نگاهمون‌رو تغییر بدیم. من وقتی این لباس‌رو دیدم، با اینکه کار خودم طراحی لباس هست، اولین چیزی که نظـــرم‌رو جلب کرد رنگش بود. مدلش سلیقه‌ای بود و خیلی من‌رو راضی نکرد اما رنگش‌رو دوست داشتم. حس کردم می‌تونه حامل پیام صلح جهانی باشـــه. برای دیده شدن در سوشـــال مدیا راه‌های بهتری هم‌وجود داره. آی مردم قضاوت چیزی خوبی نیست. آی مردم هیس...» شروین حاجی‌پور ویدئویی ســـه دقیقه‌ای در اینستاگرام خود منتشر کرد و خبر داد به زودی باید خود را به زندان معرفی کند. خلاصه‌ای از حرف‌های او را اینجا می‌خوانید: «سلام رفقا. خیلی‌هاتون می‌دونید دلیلی که کـــم‌کار بودم این مدت، حکم بدوی بـــوده که برای من اومده، ســـه سال و هشت ماه حبس برای آهنگ «برای». به ابلاغ شـــده که باید تا چند روز دیگه خودم‌رو به زندان معرفی کنم. برام ســـواله که چطوری مـــن باید اعتـــراض می‌کردم؟ مگه مسالمت‌آمیزتر از «برای» میشه؟ توی حکم تجدید نظر اومده که ممنوع‌الخروجی من برداشـــته شـــده. اگه منظوری دارید از برداشـــتن این حکم، باید بگم که من واقعا قرار نیســـت حالا حالاها ایران‌رو ترک کنم. پدرم در گیر یک بیماریه و من عاشق اینجام.» الهام چرخنده باز دیگـــر روی آنتن زنده به خاطر تهمت‌هایی که به او زده شـــده، گریه کرد. با این حال گفت این اشـــک‌های حال خوبه، حالم حال کربلاست. و در آخر پرستو صالحی که در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ از ایران رفته بود، در ویدئویی اعلام کرد که از مهاجرت پشیمان است و با خانه سینما برای بازگشت به ایران نامه‌نگاری کرده: «نمی‌دونم چه اتفاقی میفته و چه برخوردی خواهد شد. مادر من در شرایطی قرار داره که آوردنش به یک کشور دیگه اشتباه بزرگی بود. امیدوارم من رو ببخشـــه. یکی از پلاتین پاهاش عمر مفیدش رو کـــرده و من شـــرایط اقتصادیم طوری نیست که بتونم به نحو احسن از پس هزینه‌هاش بر بیام.»

سوژه هفته

سوتی در کشور غریب

این هفته یکی از کاربران توئیتر از دیگران پرسید: «ایرانی‌هایی که مهاجرت کردیـــد، بیاید بگید تو غربت چه سوتی‌هایی به زبان انگلیسی دادید؟»

سمینیسم: به سوئدی به کسی بخوان بگن «خفه شو» می‌گن شُتْ. شـــوهر دوستم شـــنا بلد نبود داشت غرق می‌شد، دوستم پریده بیرون داد زده مین من (شوهر من) شفتن. همچین آدمای خلافی هستیم ما.

سیاوش غریب: دوران دبیرستان به دوستی داشتیم، کنار زمین فوتبال توپ محکم خورد به دوست خارجیش. اومد کلاس جلوی طرف داد زد: هی مستر، مَر بی کرفول.

ناشـــناس: یه بار بـــه مدیرمون که پاکســـتانی بود، می‌خواستم بگم خسته نباشید، گفتم rest in peace که میشه خدا بیامرزدت‌تون.

کیک کشمشی: یکی از دوســـتام کلی گل گاوزبون آورده بـــوده. توی گمرک ازش می‌پرســـن چی داری؟ به انگلیسی چیزی میگه که معنیش میشه: این یک جور علفه. مواد مخدری که آدم‌رو آروم می‌کنه. افیسرها، هزار دفعه زیر دستگاه برده بودنش و آخرش هم بهش نداده بودن.

ریواس: تو اسپانیایی embarazada میشه باردار. اما چون شـــبیه embarrassing هســـتش، همه اولش فکر می‌کنـــن میشـــه خجالت‌آور که در اصل میشـــه avergonzada. تو یه جلسه‌ای یکی یه چیزی اشتباه گفت، بعد اومد بگه خجالت کشیدم اشتباهی گفت که من خیلی بارداره.

مرد تـــا آرام: من یه بـــار یه جـــای «بایـــام فلیش pacemaker (باتری قلب) داره» بـــه دکتر گفتم بابام pacifier (پستونک) داره.

مردوآد: دوستم تو یک فروشگاه شلوغ تعداش خورد به تنه به خانومی؛ خانومه بر گشـــت به انگلیســـی گفت ببخشید (sorry). دوستم می‌خواست بگه اختیار دارید شما ببخشید، برگشت گفت: you sorry.

نیما: دســـتم‌رو ناجـــور بریده بـــودم و رفـــته بودم بیمارستان. مسئولش به انگلیسی پرسید: چه چیزی شما را به اینجا آورده؟ منظورش این بود چی شده؟ گفتم اوبر.

آتی: من یـــه بار منظـــورم این بود بگـــم orange (پرتقال)، بعد مخاطبم هی نمی‌فهمید چی میگم! بعد برای من عجیب بود چرا نمی‌فهمه! اینکه خیلی لغت ساده‌ایه! بعد یهو به خودم اومدم دیدم همین جوری که دارم توی هوا به پرتقال‌رو نشـــون میدم، دارم به فارســـی میگم بابا پرتقال پرتقال.

اشادور: تو ایتالیا به کارت اقامت میگن «پرسمو» ولی وقتی کسی هم می‌خواد از بغلت رد شه میگه «پرســـو.» من یک ماه بود اومده بودم به پیرزن اومد از بغلم تو اتوبوس رد شه گفت پرسمو منم فکر کردم باید کارت اقامتم‌رو نشون بدم سکته کردم در آوردم نشونش دادم کل اتوبوس رفت رو هوا.

پویا: من یه بار به ســـاعت، خیلی جدی داشـــتم به آرایشگر توضیح می‌دادم که چه‌جوری مدل موی پسرامرو بزنه وســـطش دیدم داره با تعجب و حیـــرت خاصی نگام می‌کنه. یکم مکث کردم ببینم

نکته بازی

خانه به‌دوشی تیم‌های بزرگ

قرار است دو هفته دیگر لیگ بیست و چهارم آغاز شود. برنامه بازی‌ها هم اعلام شده است اما در برنامه ۳ هفته ابتدایی که توسط سازمان لیگ اعلام شده، استادیوم محل برگزاری ۳ بازی مشـــخص نیست. در واقع هنوز مشخص نیست تیم‌های چادرملوی اردکان و هوادار قرار است در کدام ورزشگاه بازی‌های خانگی خود را برگزار کنند اما نکته اینجاست که مشکل فقط این ۳ بازی و این دو باشگاه نیستند! واقعیت این اســـت که هنوز تکلیف بازی‌های خانگی استقلال و پرسپولیس هم مشخص نشده است. هرچند طبق اعلام سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال، بازی‌های خانگی این دو تیم باید در ورزشگاه تختی برگزار شود اما در فاصله دو هفته تا شروع بازی‌ها، این ورزشگاه آماده برگزاری بازی‌های خانگی این دو تیم نیست. مشکلاتش هنوز رفع نشده و دوستان منتظر بودجه هستند تا ورزشگاه را آماده کنند. حتی گفته شده جواد نکونام خواهان برگزاری بازی‌های خانگی تیمش در مشهد و اســـتادیوم امام رضا شده اســـت. احتمالا مدیران باشگاه پرسپولیس هم از ترس‌شان، به گاریدو درباره ورزشگاه تختی و مشکلات میزبانی تیم در بازی‌های ابتدایی هنوز حرفی نزده‌اند! بازی تیم ملی مقابل قرقیزستان هم که به دلیل آماده نبودن ورزشگاه آزادی به استادیوم نقش جهان اصفهان منتقل شده است! می‌بینید؟ مهم‌ترین تیم‌های مملکت، یعنی استقلال، پرسپولیس و تیم ملی خانه‌به‌دوش هستند و نمی‌توانند در ورزشگاه اصلی خود از میهمانان پذیرایی کنند. البته می‌دانیم مقصر مدیران و مسئولان وزارت ورزش و فدراسیون و باشگاه‌ها نیستند و این ما رسانه‌ها هستیم که باید از این وضعیت خجالت بکشیم و دهان‌مان را ببندیم.

نفس راحت استقلال؛ حامدی‌فر رفت

امید حامدی‌فر از استقلال جدا شد. او را بیش از مســـائل فنی، با حاشیه‌ها به یاد آوردیم. در واقع ضررهای او برای استقلال بیشتر از سودش بود. استاد جوری بازی می‌کرد که اصلا نمی‌فهمیدیم چطور اینقدر زود چهار کارته و محروم شده است! با خودمان می‌گفتیم اصلا این بنده‌خدا مگر ۴ بازی انجام داده که ۴ کارت زرد هم گرفته باشد؟ مهم‌ترین ضربه حامدی‌فر به استقلال مصدوم کردن کوین یامگا بود. اگرچه عمدی در این کار نبود اما او جوری یامگا را از ناحیه چشـــم مصدوم کرد که هنوز هم عده‌ای معتقدند این بازیکن باید ریسک نکند و فوتبال را کنار بگذارد. چند وقت بعد هم در یک استوری مدعی شـــد که نذر کرده اگر عمل جراحی یامگا موفقیت‌آمیز باشد، به ۱۱ جوان که شرایط مالی نامناسبی دارند کمک کند. او از هواداران خواست که اگر کسی را می‌شناسند معرفی کنند! اما چند روز بعد مدعی شد که در استقلال مشکل مالی دارد و در خانه دوستش زندگی می‌کند و گاهی غذا هم برای خوردن ندارد و این در حالی بود که تصاویری از گشت و گذار او با یک ماشین بنز گران‌قیمت در فضای مجازی منتشر شده بود. در نهایت هم در هفته‌های آخر لیگ، پس از سوت پایان بازی مقابل ذوب‌آهن، از پشت به مهرداد رضایی بازیکن مصدوم این تیم حمله کرد و او را به زمین انداخت! بعد هم مدعی شد که این اتفاقات در فوتبال طبیعی است! در نهایت او از استقلال رفت اما امیدواریم در تیم جدیدش رویه دیگری را در پیش بگیرد و فوتبال هم بازی کند.

استقلال نکونام، رویایی می‌شود

مدیران باشگاه استقلال در صدد تقویت فهرست این تیم و جذب بازیکن جدید هستند

شاگردان جواد نکونام بعد از سفر به ترکیه و آغاز دوران آماده‌سازی خود در این کشور، روز سه‌شنبه اولین دیدار تدارکاتی خود برابر استانبول‌اسپور را برگزار کردند که آبی‌ها برابر حریف دسته‌دومی متوقف شدند و به تساوی یک-یک رضایت دادند. در شرایطی اردوی آماده‌سازی استقلالی‌ها در ترکیه به پا شده که همزمان با برگزاری اردوی آماده‌سازی، تلاش‌ها برای تقویت فهرست آبی‌پوشان هم در جریان است و مدیران باشگاه استقلال در حال رایزنی با بازیکنان مدنظر کادرفنی هستند.

ســـامان فلاح در کنار رامین رضائیان، میلاد زکی‌پور، محمدحســـین اســـلامی، علیرضا کوشکی و آلمدین زیلیکیچ ۶ خرید استقلال در بازار نقل‌وانتقالات تابســـتانه هستند. در شـــرایطی که آبی‌ها برنامه‌ای بـــرای جذب بازیکن جدیـــد در خط دفـــاع و خط حمله ندارند، رایزنی‌ها برای جذب حداقل ۳ بازیکن جدید در پست هافبک و وینگر ادامه دارد و در این مسیر نام چهره‌های مختلفی به میان آمده است؛ از مهدی گودرزیِ جوان و علی کریمی تا گائل کاکوتا و البته دیدیه اندونگ.

پول به حســـاب هوادار برود، گودرزی استقلالی می‌شود!

اســـتقلالی‌ها بعد از جدایی امید حامدی‌فر، بـــه دنبال جـــذب هافبکی جـــوان و زیر ۲۳ سال هستند و در این مســـیر، گزینه مدنظر جواد نکونام، مهدی گودرزی اســـت. هافبک فصل گذشـــته هوادار در شـــرایطی پای میز مذاکره با آبی‌ها نشســـته که کلیـــد انتقال او به جمع شـــاگردان نکونـــام، پرداخت هزینه رضایتنامـــه‌اش از ســـوی آبی‌ها اســـت. در شـــرایطی که هنوز انتقال پول انجام نشـــده، گـــودرزی همچنان در جمع بنفش‌پوشـــان است و با وجود ابراز علاقه قلبی او به استقلال، گفته می‌شـــود در صورت ادامه تعلل آبی‌ها، احتمال منتفی شدن انتقال این هافبک جوان به تیم اســـتقلال و ماندنی شدن او در هوادار وجود دارد!

وضعیت انتقال کریمـــی، پیچیده‌تر از همیشه

آبی‌پوشـــان پایتخت طی روزهای گذشته از راه‌های مختلف در تلاش بودنـــد تا بتوانند علی کریمی را به خدمت بگیرند. براســـاس آخرین خبرها، بعد از کش‌وقوس‌های فراوان سرانجام باشگاه ترکیه‌ای رضایت خود را در زمینه انتقال علی کریمی به استقلال اعلام کرده اما مســـئولان کایسری‌اسپور دو شرط مهم دارند؛ اول اینکه کریمی مطالبات خود را ببخشد و شرط دیگر آنها هم پرداخت هزینه رضایتنامه از سوی آبی‌ها است. گفته می‌شود با توجه به وضعیت پیچیـــده به‌وجود آمده، همچنان کریمی بلاتکلیف اســـت و احتمال حضور او در جمع شاگردان جواد نکونام کمتر از احتمال عدم حضور است. البته هواداران اســـتقلال هم خود علی کریمی را به دلیل تمدید ۳ ساله قراردادش با کایسری اسپور در ایجاد این وضعیت مقصر می‌دانند. آنها در فضای مجازی به کریمی یادآوری کرده‌اند که در اســـتقلال هر بار به سختی راضی می‌شد که قراردادش را به صورت یک ساله تمدید کند اما حالا استقلالی‌ها باید تلاش کنند تا قرارداد ۳ ســـاله او با تیم ترکیه‌ای را خنثی کنند.

کاکوتا در یک‌قدمی پیوستن به استقلال

مدیران باشگاه استقلال در مسیر جذب وینگر با گائل کاکوتا، وینگر ســـابق چلسی که در ۶ فصل اخیر در تیم‌های لنس و آمیان، مذاکرات مثبتی با این ستاره باتجربه داشته‌اند. براساس آخرین خبرها، مسئولان باشـــگاه فرانسوی هم نسبت به جدایی کاکوتا چراغ سبز نشان داده‌اند و اگر اتفاق خاصـــی رخ ندهد، گائل کاکوتا طی ۴۸ ساعت آینده بعد از گذراندن تست‌های پزشـــکی در ترکیه، قراردادش را با آبی‌ها نهایی خواهد کرد و رســـماً در قامت خرید جدید استقلال در بازار تابستانه معرفی می‌شود.

اندونگ در نقش آلترناتیو کریمی

علی کریمـــی تنها گزینه بزرگســـال مدنظر آبی‌ها برای تقویت خط هافبک نیست و گفته می‌شود استقلالی‌ها شرایط دیدیه اندونگ را هم زیرنظر دارند. هافبک سابق ساندرلند که در فصل گذشـــته عضو تیم الریاض عربستان بود و حالا در ۳۰ ســـالگی احتمال کوچ او به فوتبال ایران وجود دارد. گفته می‌شود با وجود انجام مذاکرات اولیه، استقلالی‌ها چشم‌انتظار تعیین تکلیف وضعیت علی کریمی هستند و در صورتی که انتقال او نهایی نشود، به سراغ جذب اندونگ می‌روند.

وضعیت پیچیده فهرست خارجی‌های استقلال!

رافائل سیلوا به همراه کوین یامگا، جلال‌الدین ماشاریپوف، آلمدین زیلیکیچ، منتظر محمد و گوستاوو بلانکو در کنار ودران کیوسفسکی بازیکنـــان خارجی تحت قرارداد اســـتقلال هستند. احتمال نهایی شدن قرارداد کاکوتا طی ۴۸ ساعت آینده هم وجود دارد تا شمار بازیکنان خارجی آبی‌ها به عدد ۸ برسد و در صورت توافق با اندونگ، استقلالی‌ها ۹ بازیکن خارجی خواهند داشـــت؛ آن‌هم در حالی که طبق قانون می‌توانند (۱+۵) بازیکن خارجی داشته باشند. براساس آخرین خبرها، منتظر محمد در کنـــار کوین یامـــگا و البته ودران کیوسفســـکی در مســـیر خروج از فهرست استقلال هستند و مدیران باشگاه امیدوارند که این ۳ بازیکن خارجی جدایی کم‌دردسر و کم‌هزینه‌ای داشته باشند! هرچند در مورد کیوسفسکی بعید است همه چیز به خوبی و خوشی تمام شود. دروازه‌بان بوسنیایی توسط مدیران باشگاه و در شـــرایطی که نکونام در جریان نبود با استقلال قرارداد امضا کرده اما ظاهرا نه نکونام او را می‌خواهد و نه باشـــگاه دیگری برای جذب قرضـــی او اعلام آمادگی کرده اســـت و این احتمال وجـــود دارد که دروازه‌بان بوســـنیایی تبدیل به یک مشکل بزرگ در استقلال شود.

گزارش

رئال دیگر بمب نمی‌ترکاند!

آنچلوتی تصمیم رئیس بزرگ را قبول کرد و رئال تنها با دو بازیکن جدید وارد فصلی جهنمی خواهد شد

کارلو آنچلوتی سه‌شنبه شب گفت تیم کامل است و رئال خرید دیگری نخواهد داشت. او در نشست خبری خود قبل از بازی دوستانه با آث‌میلان گفت: «نگرانی خاصی ندارم چون ما بازیکنان خوبی در همه پست‌ها داریم. کیلیان امباپه به جمع ما اضافه شده که بازیکن بسیار خوبی است. پرونده خریدها بسته شده است. وایخو برگشته و آلابا در حال طی کردن روند درمانش است. بازیکنان آکادمی هم بسیار با کیفیت هستند. فکر نمی‌کنم جدایی دیگری هم در کار باشـــد. هیچ کس نمی‌خواهد جدا شود. ما تیم بسیار خوبی داریم.» اگرچه ظاهرا یک فرصـــت می‌تواند در را به روی یک مدافـــع میانی باز کنـــد. رئال مادرید در شـــیکاگو و همچنان پشت صحنه کار می‌کند. در ایالات متحده رئال خود را از نظر فیزیکی و تاکتیکی برای یک فصل دشـــوار مهیا خواهد کرد، ضمن اینکه در پس زمینه با آرامش اما بدون مکث نقشـــه راه خود را در نقل و انتقالات ادامه می‌دهد.

یورو برنامه‌ها را به هم زد

برای انتقال آلفونسو دیویس در سال ۲۰۲۵ قبلاً توافق شده اما در مورد یک مدافع میانی، کار دشوارتر است و به یکباره همه چیز پیچیده شـــد. تا دو هفته پیش همه چیز به لنی یورو ختم می‌شـــد، اما او یونایتد را انتخاب کرد. تصمیمی کـــه رئال را مجبور می‌کند به دنبال یک یوروی جدید باید که حداقل در این بازار پیدا نمی‌شود.

ناچو عازم عربستان شده است، آلابا در ۳۲ سالگی و پس از (احتمالا) ۱۱ مـــاه دوری به دلیل مصدومیت رباط صلیبی خود بازخواهد گشت و رودیگر، اگرچه خطاناپذیر است اما ۳۱ ســـال دارد. این یک واقعیت تغییرناپذیر اســـت. میلیتائو نیز بعد از بازگشـــت از مصدومیت طولانی هنوز روی فرم نیست و با همه اینها کارلتو پایان انتقالات را اعلام کرد.

فقط یک فرصت اســـتثنایی در بازار می‌تواند درها را باز کند. پرونده لاپورت، گزینه‌ای که آنچلوتی را اغوا می‌کرد نیز بسته شده است. مشکل، درخواست مالی بالای النصر بود. رئال مادرید خوشـــحال می‌شد که آیمریک را به فهرســـت خود اضافه کند، اما با کارت بازیکن آزاد زیر بغل اما در عربستان پس از پرداخت ۲۷ میلیون یورو در تابســـتان گذشـــته، کسی مایل به فســـخ قرارداد نبود. رئال روی یـــورو مدت‌ها کار کرده بود و این مدافع ۱۸ ساله فرانسوی را به عنوان یک فوتبالیســـت با پتانســـیل متفاوت می‌دانست. درست مثل آردا گولر، اندریک، وینیسیوس و سال‌ها دورتر، رافا واران اما رئال حاضر نشد ۷۰ میلیون یورو برای بازیکنی هزینه کند که یک ســـال از قراردادش باقیمانده بود. در نهایت رئال بدون مدافع جدید ماند.

عملیات ماستانتونو

رئال نام یک بازیکن آرژانتینی را با قلم قرمز مشخص کرده است. فرانکو ماستانتونو، در ۱۶ سالگی، الماس بعدی در رادار اســـت. ریورپلاته در مـــاه مارس بند فسخ او را به ۴۵ میلیون یورو رساندند اما سانتیاگو ســـولاری، حامی بـــزرگ این هافبک بازیســـاز که روابط عالی با مدیـــران ریـــور دارد، می‌خواهد این رقم را کاهش دهد. رئال فقط ۲۵ میلیون یورو برای ماســـتانتونو خواهد داد. مبلغی که می‌تواند افزایش یابد، اما نه خیلی زیاد. انتقالی شبیه اندریک که اگر انجام شود برای تابستان بعد خواهد بود. او پاسپورت اروپایی دارد و در ۱۷ سالگی نیز می‌تواند برای رئال بازی کند.

مدافعان کناری

گزینه برایی تقویت جناح چپ مشـــخص‌تر اســـت. آلفونسو دیویس شماره سه رئال در سال ۲۰۲۵ خواهد بود. ناسازگاری بایرن در قبال فروش او و تمایل این فوتبالیست به پوشـــیدن پیراهن رئال، کارها را انجام داده است. برای جذب دیویس رئال عجله‌ای ندارد و اعتماد آنچلوتی به فرلاند مندی که تمدیدش در حال انجام است، در این قضیه نقش مهمی داشت. در حالی که در انگلیس، هیاهو و شایعه انتقال ترنت الکساندر آرنولد در حال افزایش اســـت، رئال حداقل امسال به جذب او تمایلی ندارد، ۲۰۲۵؟ شاید. رئال با کارواخال (۳۲ ساله) و لوکاس (۳۳) فعلا سمت راستش را بیمه کرده است.

سوژه روز

سهمیه خارجی‌ها، استقلال سقف بودجه را تلافی می‌کند؟

پرسپولیس در لیگ بیست‌وسوم سهمیه بازیکنان خارجی خود را خرج نبیل باهویی، وحدت حنانوف، عبدالکریم حسن، گئورگی گولسیانی و اوستون اورونوف کرده بود، اتفاقی که ظاهرا برای نقل‌وانتقالات قرمزها در لیگ بیست‌وچهارم دردسرساز شده و باید دید درنهایت چه تصمیمی گرفته می‌شود.

وحدت حنانوف و نبیل باهویی بازیکنانی بودند که در کمتر از ۶۰ درصد دیدارهای فصل برای قرمزها به میدان رفته بودند و همین اتفاق سبب شده عده‌ای بر این عقیده باشند که دو سهمیه خارجی پرسپولیس برای لیگ بیست‌وچهارم باید بسوزد اما طبق شنیده‌ها فدراسیون فوتبال قصد دارد در سکوت خبری این سهمیه را به همه تیم‌ها برگرداند.

پرسپولیس، سپاهان، تراکتور و فولاد ضرر زیادی از این قانون می‌بینند چراکه بازیکنان زیادی از این چهار تیم، طبق مقررات فدراسیون فوتبال عمل نکرده‌اند. در این میان، گفته می‌شود با توجه به اصلاحات قانونی انجام شده و تغییر قانون از حضور در ۶۰ درصد دقایق بازی به ۶۰ درصد تعداد بازی‌ها، جرایم فصل گذشته بخشیده خواهد شد اما هنوز باید منتظر اعلام رسمی سازمان لیگ باشیم.

اما در حالیکه هنوز این اتفاق جنبه رسمی پیدا نکرده، باشگاه استقلال با ارسال نامه‌ای به سازمان لیگ تاکید کرده پرسپولیس نمی‌تواند بیش از چهار بازیکن خارجی داشته باشد و این نامه درحالی ارسال شده که رضا درویش مدعی است پرسپولیس منعی برای جذب ۱+۵ بازیکن خارجی ندارد.

پرسپولیس چند وقت پیش با ارسال نامه‌ای به کمیته پزشکی فدراسیون فوتبال، دلیل غیبت نبیل باهویی و وحدت حنانوف را مسائل پزشکی اعلام کرده و ادعای سرخ‌پوشان پایتخت هنوز در حال بررسی است.

باید منتظر ماند و دید درنهایت قرمزها می‌توانند سه بازیکن خارجی جذب کنند یا فقط باید به جذب یک بازیکن خارجی از بین سه پست دروازه‌بان، دفاع چپ و مهاجم اکتفا کنند.

احتمالا این ماجرا یک وجه دیگر هم دارد. چند روز پیش، باشگاه پرسپولیس در جلسه با مسئولان سازمان لیگ، تنها مخالف افزایش سقف بودجه باشگاه‌ها بود و همین باعث شد استقلالی‌ها حسابی از دست مدیران پرسپولیس ناراحت شوند. آنها معتقد بودند پرسپولیس به واسطه فروش عبدالکریم حسن و همچنین حضور پنهان هوادار متمول، بودجه‌اش را کسب کرده و مشکل مالی ندارد و به همین دلیل با افزایش سقف خودش و دیگر مدعیان مخالفت کرده است. اصلا بعید نیست آبی‌ها به تلافی آن موضع‌گیری، مخالف افزایش سهمیه خارجی‌ها شوند و برای پرسپولیس مشکل بزرگی ایجاد کنند.

گوشه و کنار مستطیل سبز

قرعه‌کشی لیگ قهرمانان اروپا نرم‌افزاری می‌شود

بر اساس اعلام اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا)؛ قرعه‌کشـــی لیگ قهرمانان اروپا در فصل پیش رو از طریق «نرم‌افزار تخصصی خودکار» انجام می‌شـــود. این نرم‌افزار همچنین تصمیم خواهد گرفت کـــه کدام بازی‌ها در خانه یا خارج از خانه برگزار شود. برای جلوگیری از طولانی شدن فرایند قرعه‌کشی، نرم‌افزار خودکار ۸ حریف را به صورت تصادفی از چهار گلدان برای هر تیم اختصاص می‌دهد. قرعه‌کشی روز پنجشنبه ۲۹ آگوست (۸ شهریور) انجام خواهد شد. یوفا قصد دارد مســـابقات لیگ قهرمانان اروپا را از فصل ۲۵-۲۰۲۴ با فرمتی متفاوت برگزار کند. در فرمت جدید اما هر تیم ۸ بازی (چهار بازی خانگی و چهار بازی خارج از خانه) با رقبای مختلف انجـــام می‌دهد و در نهایت ۸ تیم برتری که بیشترین امتیاز را کسب کرده باشند، به طور مستقیم راهی مرحله یک‌هشتم نهایی می‌شوند. تیم‌های نهم تا بیست‌وچهارم جدول رده‌بندی نیز به مرحله پلی‌آف راه پیدا می‌کنند و ۸ تیم برنده هر تقابل که به صورت رفت و برگشتی خواهد بود هم جواز حضور در مرحله یک‌هشتم نهایی را دریافت خواهند کرد. از این مرحله به بعد تا مسیر فینال هم فرمت برگزاری مسابقات همانند سابق خواهد بود.

پایان رویای بارسلونا برای جذب نیکو

از روزی که یورو ۲۰۲۴ با قهرمانی اسپانیا به پایان رسید، همه از انتقال نیکو ویلیامز به بارسا صحبت می‌کردند. اما دیروز اتلتیک بیلبائو پیامی صریح برای بارسا ارسال کرد. این باشـــگاه دیروز بلیت‌های مسابقات خود در فصل جدید لالیگا را به معرض فروش گذاشـــت اما همه نگاه‌ها بـــه بلیت هفته آخر جلب شد: بلیت بازی اتلتیک بیلبائو و بارسلونا در هفته سی و هشتم. در تصویری که روی این بلیت چاپ شـــده، نیکو ویلیامز را می‌بینیم که در حال بوسیدن لوگوی باشگاه اتلتیک بیلبائو است. باشگاه باسک از این صریح‌تر نمی‌توانست به بارسا بگوید نیکو امسال ماندنی است اما این تنها تصویر نیکو ویلیامز روی کمپین فروش بلیت‌های اتلتیک بیلبائو نیست. در سایت باشگاه تصویر اصلی بلیت‌فروشی هم عکسی از نیکو ویلیامز است که کارت عضویت باشگاه را بالا گرفته و کنار عکس او نوشته شده است: «به جزئیات توجه کنید». بارسا در روزهای گذشـــته با تمام قوا برای جذب نیکو ویلیامـــز تلاش می‌کرد و حتی حاضر شده بود بند فسخ ۵۸ میلیون یورویی او را فعال کند اما امروز رسانه‌های اسپانیایی مدعی شدند که او با اتلتیک به توافق رسیده و با افزایش دستمزدش دست‌کم فصل آینده را در سن مامس بازی خواهد کرد.

مدافع چلسی در یک قدمی یونایتد

منابع نزدیک به باشگاه چلســـی خبر داده بودند که مارسکا علاقه زیادی به اســـتفاده از چیلول ندارد و همین موضوع باعث شـــده که او به صورت جدی به فکر جدایی از این باشگاه باشـــد. این بازیکن ۲۷ ساله که در سال ۲۰۲۰ از لسترسیتی به استمفوردبریج آمد، بیشتر از ۱۰۰ بازی با پیراهن چلسی انجام داده اما رسانه‌های انگلیسی در چند هفته اخیر از احتمال انتقال غیرمنتظره او به منچستریونایتد خبر داده بودند و حالا سرمربی این تیم هم احتمال جدایی او را تایید کرده است. مارسکا در این باره به خبرنگاران گفت: «چیلول از نظر من یک مدافع چپ است و من همیشه او را در همین پست دیده‌ام و تمایلی به استفاده از او در پست دیگری ندارم. باید بگویم که شرایط فعلی او در تیم ما کمی حساس و پیچیده است و این موضوعی است که خودش هم از آن خبر دارد. دوست داریم پست درستی برای او داشته باشیم.»

درخواســـت اســـتقلال برای برگزاری بازی‌های خانگی در مشهد

با توجه به بازسازی ورزشگاه آزادی، قرار است تیم‌های استقلال و پرسپولیس چند هفته از بازی‌های خانگی خود در رقابت‌های لیگ برتر را در ورزشـــگاه تختی برگزار کنند. باشگاه استقلال اما به سازمان لیگ اعلام کرده قصد دارد به جای تختی در ورزشگاه امام رضا (ع) مشهد میزبانی کند. دیروز چهارشنبه نماینده باشگاه استقلال در گفت‌وگو با امیرحسین روشنک، مسئول برگزاری مسابقات سازمان لیگ این پیشنهاد را داد که مسئول سازمان لیگ اعلام کرد این باشگاه باید درخواســـت خود را به صورت کتبی به سازمان لیگ بدهد تا موضوع برگزاری بررسی شود.

مشـــکل دروازه‌بان الجزایری مدنظر پرسپولیس برطرف شد

باشگاه پرسپولیس با الکســـیس گندوز دروازه‌بان الجزایری برای حضور در جمع سرخپوشان به توافق نهایی رسیده و در جدیدترین مذاکرات نیز مشکل این بازیکن برای حضور در اردوی ترکیه حل شده است. مشکل گندوز برای حضور در اردوی پیش‌فصل پرســـپولیس این بود که این دروازه‌بان به دلیل قراردادی که با تیم الجزایری داشـــت، تا هفته دوم لیگ برتر نمی‌توانست به جمع پرسپولیسی‌ها اضافه شود که با مذاکرات صورت گرفته ظاهراً این مشکل حل شده است و گندوز در صورت عقد قرارداد رسمی می‌تواند از هفته اول لیگ برتر پرسپولیس را همراهی کند. باشگاه پرسپولیس در تلاش است تا هر چه سریع‌تر قرارداد رسمی و اینترنتی خود با اکسیس گندوز را به امضا برساند و این دروازه‌بان مستقیماً به اردوی سرخپوشان در ترکیه اضافه شود.

مشخص شدن سیدبندی پرسپولیس و استقلال در لیگ نخبگان آسیا

ســـیدبندی تیم‌های حاضر در لیگ نخبگان آسیا را که سطح اول رقابت‌های باشگاهی قاره کهن به شـــمار می‌رود، مشخص کرد. پرســـپولیس که فصل گذشته جام قهرمانی لیگ برتر را بالای سر برد، در سید اول لیگ نخبگان قرار گرفت و استقلال که در رتبه دوم جدول ایستاد، در سید دوم. سیدبندی لیگ نخبگان آسیا به معنای عدم رویارویی تیم‌های حاضر در یک سید با یکدیگر نیســـت. هر تیم در لیگ نخبگان، در چهار مسابقه خانگی و چهار بازی خارج از خانه صف‌آرایی می‌کند که چهار دیدار برابر تیم‌های سید اول و چهار بازی برابر تیم‌های سید دوم خواهد بود. همچنین تیم‌های هر کشور با هم روبه‌رو نمی‌شوند. سیدبندی لیگ نخبگان آسیا ۲۵-۲۰۲۴ به این شرح است: سید اول: العین امارات، الهلال عربستان، الســـد قطر، پرسپولیس ایران، پاختاکور ازبکستان و الشرطه عراق. ســـید دوم: النصر و الاهلی عربستان، الریان قطر، اســـتقلال ایران، الوصل امارات و برنـــده مرحله مقدماتی (ســـپاهان ایران، شباب‌الاهلی امارات یا الغرافه قطر)

امارات، بدون بازی تدارکاتی مقابل ایران

کادر فنی تیم ملی فوتبال امارات به رهبری پائولو بنتو، تصمیم گرفته اســـت که هیچ بازی دوستانه‌ای برگزار نکند. این تصمیم پیش از دو دیدار حساس مقابل قطر و ایران در پانزدهم و بیستم شهریور اتخاذ شده است. این دو بازی در چارچوب دور نخست و دوم مرحله سوم مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۶ برگزار خواهد شد. بر اساس برنامه‌ای که کادر فنی تیم ملی امارات به رهبری پائولو بنتو تهیه کرده است، تیم ملی این کشور اولین اردو خود را در پایان آگوست (دهم شهریور)، یعنی پس از پایان دور دوم لیگ که در ۳۰ همین ماه برگزار می‌شود، آغاز خواهد کرد. این اردو در ابوظبی و به صورت کوتاه برگزار می‌شود و به منظور آماده‌ســـازی برای بازی اول مقابل قطر خواهد بود. تیم ســـپس به دوحه ســـفر خواهد کرد تا این دیدار را برگزار کند و پس از آن به ابوظبی بازمی‌گردد تا برای دیدار مقابل ایران در دور دوم آماده شود. تیم ملی امارات دو روز پیش از دیدار با ایران به العین سفر خواهد کرد تا در استادیوم هزاع بن زاید تمرین کند و برای این بازی آماده شود.

پولامو مثل عقلم دارم از دست میدم
صفحه ۱۴

محمود آقا خواب سیاوش را نبین هرگز!
صفحه ۱۶

صف بلند نام آوران

شاید یزدانی در پایان این المپیک به بزرگ‌ترین ورزشکار ایران بدل شود

همزمان با المپیک مروری داریم بر فهرست پرافتخارترین چهره‌های تاریخ ورزش ایران در این رده‌بندی طلای المپیک ارزش مضاعفی دارد.

۱ هادی ساعی پرافتخارترین ورزشکار تاریخ ایران محسوب می‌شود. بچه شهرری که از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۸ تقریبا طی ده سال توانسته در رشته تکواندو دوبار قهرمان المپیک شود و یک مدال برنز المپیک نیز ضمیمه آن کرده است. در سه دوره متوالی. ساعی در این یک دهه به جز این سه مدال المپیکی، دو طلا یک نقره و یک برنز جهانی را هم به دست آورده است. ساعی متولد سال ۱۳۵۵ است و دوره‌ای هم شانس خود را در سیاست آزمود که چندان بهره مناسبی برای شهرتش نداشت.

۲ حسین رضازاده. وزنه‌بردار فوق سنگین اهل اردبیل که ظهور و افولش تقریبا همزمان با هادی ساعی بود. او در دو المپیک پیاپی دو طلا به دست آورد. در المپیک ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴. به جز این ۴ طلا و یک برنز جهانی را نیز در کارنامه دارد تا به کلکسیونی از افتخارات برسد. او سال‌ها رکورددار فوق سنگین محسوب می‌شد. رضازاده متولد سال ۱۳۵۷ است.

۳ محمد نصیری. اعجوبه وزنه‌برداری سبک وزن ایران که چهار دوره در المپیک شرکت کرد و سه مدال شامل یک طلا و یک نقره و یک برنز به دست آورد و به جز این ۵ بار هم قهرمان جهان شد و یک نقره و سه برنز جهانی را هم در کارنامه دارد. دوران درخشش محمد نصیری از سال ۱۹۶۴ شروع می‌شود و تا سال ۱۹۷۶ به طول می‌انجامد. نصیری متولد شهر بیجار است و در حال حاضر هشتاد ساله است.

۴ غلامرضا تختی. چهره افسانه‌ای کشتی ایران که در دوران طولانی حضورش در ورزش قهرمانی سه مدال رنگارنگ از سه دوره پیاپی المپیک به دست آورد. یک طلا و یک نقره و یک برنز. به جز این سه مدال او در بین سال‌های ۱۹۵۱ تا ۱۹۶۴ دوبار هم قهرمان جهان شده است و یک نقره و یک برنز جهانی را هم به دست آورده است. در مجموع هفت مدال در آوردگاه‌های جهانی و المپیک. تختی در ۳۷ سالگی و در سال ۱۳۴۶ خودکشی کرد.

۵ حسن یزدانی. او را آخرین قهرمان بزرگ ایرانی می‌نامند. طی یک دهه درخشش در میادین بزرگ جهانی کارنامه او شامل یک طلا و یک نقره المپیک است و در کنار آن سه طلا و سه نقره جهانی و البته یک برنز. در مجموع او ۹ مدال در عرصه جهان و المپیک دارد که با شرکت در المپیک پاریس این شانس را دارد تا این عدد را به ده برساند. کسب سومین مدال المپیک جایگاه او را در این جدول بالاتر می‌برد و اگر این مدال طلا باشد او می‌تواند با خیال آسوده به عنوان پرافتخارترین ورزشکار تمام ادوار در تاریخ معاصر ایران شناخته شود. یزدانی متولد جویبار است و ۲۹ سال دارد.

۶ رسول خادم. اولین قهرمان بزرگ ایران در سال‌های پس از انقلاب که طلسم نگرفتن طلای المپیک را بعد از هفت دوره پیاپی شکست. کشتی‌گیر خراسانی و متخصص بزکش در بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۸ در کشتی جهان درخشید و در این فاصله زمانی یک طلا و یک برنز المپیک به دست آورد در کنار دو طلا و یک نقره جهانی. وزن اضافه کردن ناگزیر او موجب شد نتواند دوران طولانی‌تری را در ورزش قهرمانی تجربه کند.

۷ حمید سوریان. اعجوبه بزرگ کشتی فرنگی که او هم اهل شهرری است. یک طلای المپیک و شش طلای جهانی را در کارنامه خود دارد تا به لحاظ قهرمانی کم نظیر باشد. شاید اگر یک مدال المپیکی دیگر در کارنامه‌اش بود او جای ساعی را در آن بالا تصاحب می‌کرد. سوریان متولد سال ۱۳۶۴ است و دوره درخشش خیره کننده او مابین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ است.

۸ عبدالله موحد. نابغه بزرگ کشتی ایران که بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۰ یک طلای المپیک و ۵ طلای جهانی به دست آورد. در این شش سال او مطلقا بدون شکست بود. موحد یک نسل بعد از دوره تختی و حبیبی در کشتی ایران ظهور کرد و آن را می‌توان آخرین قهرمان کلاسیک کشتی ایران نام نهاد. موحد متولد ۱۳۱۸ است و ساکن آمریکاست.

۹ امامعلی حبیبی. اعجوبه مازندرانی که طی سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۰ یک دوره حیرت انگیز و بدون رقیب را از سر گذراند و در این سال‌ها یک بار قهرمان المپیک شد و سه بار قهرمان جهان. او یکی از فنی‌ترین کشتی‌گیران تاریخ این رشته ورزشی در جهان محسوب می‌شود. حبیبی متولد ۱۳۱۰ است و در حال حاضر در ۹۳ سالگی در کنار خانواده‌اش به زندگی در کهنسالی ادامه می‌دهد. عمرش دراز.

۱۰ بهداد سلیمی. جانشین حسین رضازاده در وزنه برداری فوق سنگین که در المپیک ۲۰۱۲ لندن شاهکار کرد و قهرمان المپیک شد. سلیمی به جز این طلای فوق‌العاده دو طلای دیگر از مسابقات جهانی نیز دارد تا جایگاه خود در پانتئون بزرگان ورزش ایران را محکم‌تر از قبل کند. سلیمی متولد قائمشهر است و تازه ۳۴ سال دارد.

● به این نام‌ها می‌توان این اسامی را اضافه کرد: کیانوش رستمی با یک طلای المپیک و دو طلای جهانی در رشته وزنه برداری، سجاد گنج پور قهرمان المپیک در کاراته، علیرضا دبیر یک قهرمانی المپیک و یک طلای جهانی، کمیل قاسمی با یک طلای المپیک، امید نوروزی با یک طلای المپیک، محمدرضا گرایی و جواد فروغی با طلای المپیک در تیراندازی، حسین توکلی و نصیر شلال و محمدپور و مرادی در رشته وزنه‌برداری که همه‌شان در دوران اوج این رشته طلای المپیک به دست آوردند.

● چهره‌هایی مثل علی دایی، کریم باقری، پرویز قلیچ خانی، علی پروین، سعید معروف، محمد نامجو، حسین شمسایی، حسین باغبانباشی، احمدرضا عابدزاده، ناصر حجازی، همایون بهزادی، حمید سجادی و... از مفاخر دیگر رشته‌های ورزشی ما هستند که خب در المپیک‌ها شانس چندانی نداشته و ندارند. اما جایگاهی افسانه‌ای در تاریخ ورزش ایران دارند.

● **حساب ورزشکاران خانم که جداست.**

روایت

تجمیع شهرت و پول

مروری بر دوره‌های پرکاری ستاره‌ها

● افسانه بایگان. در دهه شصت تا اوایل دهه هفتاد بسیار پرکار بوده است. اوج فعالیت او به سال‌های ۶۸ تا ۷۶ مربوط می‌شود. یعنی در سن ۲۸ تا ۳۶ سالگی. مثلا او در سال ۱۳۷۶ در هفت فیلم بازی کرده است. هفت فیلم در یکسال. در سال ۱۳۷۱ هم او آمار بازی در ۶ فیلم را در کارنامه دارد. اما بین این قله‌ها به لحاظ پرکاری وقفه‌های مشخصی وجود دارد که احتمالا به خاطر مداخله وزارت ارشاد برای سلبریتی نشدن خانم بایگان بوده است. افسانه بایگان یک دهه بعد یعنی در سال‌های ۸۶ و ۸۷ در مجموع در هفت فیلم دیگر بازی می‌کند و از آن پس به آرامی کم کار می‌شود.

● نیکی کریمی. در اوایل دهه هفتاد به ستاره بدل شد اما وسواسش در انتخاب نقش که در کارنامه سینمایی دهه هفتاد او به چشم می‌خورد به پرکاری حیرت‌انگیزش در دهه هشتاد تبدیل می‌شود. یعنی در گذر از ۳۲ و ۳۳ سالگی. مثلا در سال ۱۳۸۴ در ۵ فیلم بازی می‌کند و در سال ۱۳۸۷ در ۷ فیلم ظاهر می‌شود و در سال ۸۹ نیز آمار بازی در ۵ فیلم را در کارنامه خود دارد. این پرکاری ناگهانی در دهه هشتاد شاید به خاطر دلمشغولی نیکی کریمی به عنوان کارگردان فیلم‌های شخصی‌اش و جمع کردن سرمایه لازم بوده باشد.

● هدیه تهرانی. دوران پرکاری هدیه تهرانی بسیار کوتاه بوده است. بین سال‌های ۷۸ تا ۸۱ که هیچ سالی هم بیشتر از ۳ فیلم بازی نکرده است.

● الناز شاکردوست. خانم شاکردوست در دهه هشتاد ثروت قابل توجهی از بازی در سینما اندوختند. او در حالی که دختری بیست و سه ساله بود درخشش در سینمای تجاری را شروع کرد و در بعضی سال‌ها مثل سال ۱۳۸۷ در هفت فیلم ظاهر شد. او در سال ۸۸ در ۵ فیلم بازی کرد و در سال‌های ۸۴ و ۸۳ هم آمار ۴ فیلم در سال را در کارنامه دارد. از دهه نود خانم شاکردوست تغییر رویه داد.

● پریناز ایزدیار. ستاره سینمای دهه نود بین سال‌های ۹۳ تا ۹۸ بسیار پرکار بود. از ۲۷ سالگی تا ۳۳ سالگی. او در این ۶ سال در ۱۴ فیلم سینمایی بازی کرد که خب بخشی از وقتشان هم صرف حضور در سریال شهرزاد شده بود. کرونا و رکود تولید این خط سیر را متوقف کرد وگرنه خانم ایزدیار می‌توانستند رکوردهای بازی و درآمد را جابه‌جا کنند.

● لیلا حاتمی. به شکل عجیبی در یک سال یعنی در سال ۱۳۸۹ لیلا حاتمی در ۴ فیلم بازی کرده است و در همه آنها نقش‌های مهمی را هم ایفا کرده. پله آخر، جدایی نادر از سیمین، چیزهایی هست که نمی‌دانی و سعادت‌آباد. خب این سالی استثنایی در کارنامه این سوپر استار خوش چهره و البته مادر دو فرزند بوده است. او در این سال ۳۸ ساله بوده.

● هانیه توسلی. در دهه نود تصمیم می‌گیرد به پیشنهادات کمتر نه بگوید. پس در کارنامه‌اش مثلا سال ۱۳۹۴ ثبت شده که در این سال در ۴ فیلم بازی کرده. این پرکاری را در سال ۱۳۹۷ هم دارد و در ۴ فیلم دیگر نیز بازی کرده است.

● طناز طباطبایی. این ستاره سینمای ایران بین سال‌های ۹۲ تا ۹۵ بسیار پرکار بوده است. در سنین ۳۳ تا ۳۶ سالگی. او در این سال‌ها به طور متوسط هر سال در سه فیلم بازی کرده است. در نیمه دوم دهه نود هم با وسواس بیشتری نقش‌ها را ایفا می‌کند و هم زمانی را برای بازی در سریال‌ها (مثل یاغی) و پرفورمنس‌های نمایشی موزیکال (مثل سی صد) صرف می‌کند. او دستمزدهای کلانی را برای حضور در هر فیلم سینمایی طلب می‌کند.

۲۵۰ فیلم . شمارش معکوس -۲

جنایت‌ها و ماشین‌ها

هفته پیش یک پاورقی جدید را شروع کردیم و آن معرفی ۲۵۰ فیلم مورد علاقه‌ام بوده که آنها را به تدریج و طبق معمول در یک شمارش معکوس به اشتراک می‌گذارم. با این موضوع که فیلم‌های ایرانی که به نظرم جذاب می‌آمدند هم در لابه‌لای این نام‌های بزرگ تاریخ سینما ارائه می‌شوند. بسیاری از فیلم‌های بزرگ تاریخ سینما در این فهرست هستند و بسیاری هم نیستند اما به نظرم همین غیرقابل پیش‌بینی بودن این فهرست می‌تواند از نقاط قوتش باشد! حالا ادامه این فهرست:

۲۳۹-شب را به یاد آور. اثر کلاسیک و زیبای میشل لایزن که در دهه سی چند فیلم پرفروش ساخت که مهم‌ترین آنها فیلم نیمه شب بود. شب را به یاد آور یک ملودرام عاشقانه و لطیف است با بازی فرد مک مورای در نقش یک وکیل که عاشق موکل نسبتا گناهکار خود با بازی باربارا استنویک می‌شود. فیلمنامه فیلم را پرستن استرجس نوشته است.

Remember the night. 1940

۲۳۸-اژدها وارد می‌شود. فیلم مالیخولیایی مانی حقیقی که با روایت یک داستان عجیب و باورنکردنی و پرحادثه و مملو از شخصیت‌ها و لوکیشن‌های اگزوتیک که می‌تواند تماشاگر را با خود همراه کند و روایتش را و قواعد تفسیر ناپذیرش را به تماشاگر بقبولاند.

A dragon arrives. 2014

۲۳۷-پرواز بادکنک قرمز. در ظاهر یک فیلم سفارشی است که هوشیائو شین سینماگر تایوانی در بزرگداشت فیلم بادکنک قرمز ساخته دوست داشتنی آلبر لاموریس فقید در پاریس و با امکانات فرانسوی‌ها می‌سازد اما فیلم پر است از همان نشانه‌گذاری‌های ماهرانه سینماگر تایوانی. با یک بازی خیره کننده از جولیت بینوش. فیلمی سهل و ممتنع و بسیار تماشایی.

Flight of the red balloon. 2008

۲۳۶-آیا موفقیت راک‌هانتر را تباه خواهد کرد. فیلمی کمدی و پر از طعنه به فرهنگ زندگی کالیفرنیایی دهه پنجاه و افسون جمعی این جامعه که با هدایت رسانه‌های روز در مورد نمادهای جنسی و زنان زیبا شکل گرفته بود. جامعه‌ای که برای مقداری لذت بیشتر خودش را به هر رنجی راضی می‌ساخت. با بازی فوق‌العاده از جین منسفیلد. فیلمی خنده‌دار و پر از لحظات هوشمندانه. راستی فیلم را فرانک تاشلین ساخته است.

Will success spoil rock hunter? 1958

۲۳۵-حرفه خبرنگار (مسافر). فیلمی که آنتونیونی در ادامه تلاشش برای تجربه فعالیت‌های خارج از سینمای ایتالیا ساخت و از بازیگر مشهوری مثل جک نیکلسون و خانم ماریا اشنایدر (آخرین تانگو در پاریس) در نقش‌های اصلی یک درام جاسوسی و رمز آلود که در آفریقا و اروپا جریان دارد سود جست. فیلم تاثیر چشمگیری بر ذهنیت تماشاگر خود دارد.

Passenger. 1975

۲۳۴-رویال تننبامز. یکی از بهترین فیلم‌های وس اندرسون که مربوط به دورانی است که داستانش را با پیچیدگی‌های کمتری روایت می‌کرد. داستان خانواده‌ای از هم پاشیده و غیرعادی که با رندی پدر خانواده پس از سال‌ها کنار هم جمع می‌شوند. اسامی بازیگران فیلم شگفت‌انگیز است: جن هکمن، بیل موراي، آنجلیکا هیوستن، گوینت پالترو، بن استیلر، اوون ویلسون، لوک ویلسون و ...

Royal tenenbaums. 2002

۲۳۳- عصر جدید. مطمئنا بهترین فیلم چارلی چاپلین. فیلمی که از لحظه اول تا انتها پر از شوخی‌های بکر است و لحظه‌ای تماشاگر را رها نمی‌کند. شوخی‌های سیاسی فیلم خشم گروه‌های چپ را به همراه آورد و از آن سو گروه‌های راست هم به برخی مفاهیم فیلم و موضع ضد ماشینیزم آن مشکوک بودند. با این حال فیلم در گذر زمان همچنان زنده و پویاست.

Modern times. 1936

۲۳۲-جنایت‌های آینده. فیلم درخشان دیوید کرانبرگ که یک پارودی ترسناک درباره تبدیل هنر به یک پدیده مازوخیستی است. تبدیل بدن انسان به یک بوم و یا گل مجسمه سازی. جایی که هنر با جراحی‌های سخت پزشکی و از بدن انسان استخراج می‌شود. با حضور همزمان لئا سیدو و کریستین استوارت و درخشش ویگو مورتنسن.

Crimes of the future. 2022

۲۳۱-طلای سرخ. فیلم تاثیرگذار جعفر پناهی با فیلمنامه دقیق و ظریف عباس کیارستمی که یکی از کامل‌ترین فیلم نوآرهای ایرانی را رقم می‌زند. با تصویری دقیق و حتی پیشگویانه از تهران دهه هشتاد شمسی. فیلم یک جایزه مهم از جشنواره ونیز به دست آورد.

Crimson gold. 2001

۲۳۰-زنده باد عشق. فیلم پیچیده و فرمال تسای مینگ لیانگ که داستان قهرمان‌های خود را در تایپه معاصر با ظرافت و دقت پیش می‌برد و با بالا بردن تدریجی درجه تنش فیلم، آن را به یک پایان غافلگیر کننده ختم می‌کند. فصل آخر فیلم یادآور انتهای فیلم مشهور کسوف ساخته میکل آنجلو آنتونیونی است.

Vive L'Amour. 1994

۲۲۹-درخت گلابی. اقتباس هنرمندانه داریوش مهرجویی از نوول گلی ترقی. که به شکلی غیرمنتظره همزمان شاد است و صمیمی و به شکلی عمیق غم‌انگیز. نوعی نوستالژی و درکی رنج آور از گذر عمر در لحظات فیلم احساس می‌شود.

Pear tree. 1997

بیست معارفه بزرگ ستاره‌های فوتبال؛ از مارادونا تا CR۷

شهنام صفاجو | تابستان هر سال، رسانه‌ها و دوستداران فوتبال در انتظار نقل‌وانتقالات بزرگ بین تیم‌های مطرح اروپایی هستند. سال ۲۰۱۷ پاریس‌سن‌ژرمن با پرداخت ۲۲۲میلیون یورو، نیمار را از چنگ بارسلونا خارج کرد و ناگهان تیم مدیریتی مستاصل بارتومئو وارد بازار شد و دو بازیکن تقریبا معمولی را با رقم‌های سرسام‌آور جذب کرد تا به نوعی شکست خود را جبران کند. دمبله و کوتینیو خیلی زود نشان دادند که ارزش این سرمایه‌گذاری هنگفت را نداشتند؛ اما این سیاست انفعالی بازار نقل‌وانتقالات را چند سالی بهم ریخت و رقم‌ها را غیرواقعی کرد تا مدیران تیم‌های بزرگ به این نتیجه برسند که خیلی نباید در این مارکت ریخت‌وپاش کنند؛ اما این انتظار جرات رویاپردازی به هواداران می‌دهد. گاهی با بازگشت یک بازیکن محبوب، در مواردی جذب یک فوتبالیست جوان هیجان‌انگیز و در نهایت ورود یک فوق ستاره جهانی. همه این تحرکات باعث می‌شود تابستان هر سال، جذابیت خاصی هم برای رسانه‌ها هم داشته باشد. این مقدمه‌ای برای ورود به بحث اصلی این مقاله است که به قلم «بن های‌وارد» به معارفه‌های بزرگ تاریخ فوتبال و استقبال تماشاگران از ستاره‌های جدید تیم محبوبشان می‌پردازد. متن اصلی روز ۲۷ جولای ۲۰۲۴ در نشریه معتبر FourFourTwo منتشر شده که ترجمه آن را می‌خوانید...

۲۰) مارادونا (نیوولز اولدبویز)

چه خوب که از نفر بیستم شروع می‌کنیم؛ یک نمره -۲۰- واقعی؛ دیه‌گو مارادونای کبیر که در مراسم معارفه خود در بازگشت به خانه و تیم آرژانتینی نیوولز اُولدبویز ۴۰هزار نفر شرکت کردند؛ جایی که مسی شش‌ساله هم حضور داشت؛ مارادونا اما در این تیم فقط پنج بازی انجام داد و یک گل با پیراهن قرمز و مشکی زد.

۱۹) داوید ویا (بارسلونا)

او به عنوان قهرمان جام‌جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی، با ۴۰میلیون یورو از والنسیا به بارسلونا پیوست و در حضور ۴۰هزار طرفدار در نیوکمپ معارفه شد. ویا سه فصل موفق را در تیم کاتالانی سپری کرد و دو قهرمانی لالیگا و یک لیگ قهرمانان اروپا به‌دست آورد.

۱۸) کارلوس تِوِز (بوکاجونیور)

او سال ۲۰۱۵ برای دومین‌بار به تیم محبوب بوینس‌آیرس پیوست و با استقبال قهرمانانه ۴۰هزار هوادار در La Bombonera روبه‌رو شد. آنها بنرهای بزرگی را به ورزشگاه آورده بودند؛ از جمله بنری که به نقل از خانواده مارادونا نوشته شده بود: «از کارلیتوس برای بازگشت متشکرم» تِوِز زمین بازی را بوسید و در یک شب احساسی با دخترانش عکس گرفت.

۱۷) دنی آلوز (سائوپائولو)

در آگوست ۲۰۱۹ بیش از ۴۰هزار نفر از بازگشت دنی‌آلوز به سائوپائولو استقبال کردند. او روی نشان بزرگ تیم برزیلی ایستاد و موردتحسین هواداران قرار گرفت و سپس آتش‌بازی به نشانه ورود پرافتخارترین بازیکن جهان به‌راه افتاد؛ اما آلوِز دو سال بعد به دنبال اختلاف بر سر حقوق تصویر خود، سائوپائولو را ترک کرد.

۱۶) خامس رودریگز (رئال مادرید)

او سال ۲۰۱۴ بعد از درخشش در جام‌جهانی برزیل، با ۷۵میلیون یورو به رئال‌مادرید آمد و در حضور بیش از ۴۰هزار هوادار در سانتیاگو برنابئو معارفه شد. هافبک کلمبیایی در مادرید اغلب نیمکت‌نشین بود و نتوانست انتظارات را برآورده سازد و بعد از قرارداد قرضی با بایرن، به رایگان راهی اورتون و سپس، از مدار فوتبال خارج شد.

۱۵) نیمار (پاریس‌سن‌ژرمن)

این مهاجم برزیلی با ۲۲۲میلیون یورو، هنوز هم رکورددار نقل‌وانتقالات فوتبال جهان است. او سال ۲۰۱۷ هیات‌مدیره و هواداران بارسلونا را حیرت‌زده کرد و با پرداخت رقم فسخ قراردادش توسط ناصر الخلیفی، به پاریس‌سن‌ژرمن پیوست و در حضور ۴۵هزار هوادار پاریسی در پارک‌دوپرنس معارفه شد. نیمار شش‌فصل در فرانسه بازی کرد و بیش از ۱۰۰گل به ثمر رساند و با ثبت مصدومیت‌های سریالی و دریافت پیشنهادی شگفت‌انگیز، راهی الهلال شد.

۱۴) فرناندو تورس (اتلتیکومادرید)

این مهاجم اسپانیایی در ژانویه ۲۰۱۵، بازگشتی احساسی به باشگاه دوران کودکی خود داشت و ۴۵هزار هوادار اتلتی در ویسنته کالدرون از او استقبال کردند. تورس چهار فصل دیگر در تیم دوم پایتخت اسپانیا دوام آورد و سال ۲۰۱۸ قهرمان لیگ اروپا هم شد.

۱۳) ادن هازارد (رئال مادرید)

بازیکن بلژیکی ۱۰۰میلیون یورویی، یکی از بدترین نقل‌وانتقالات تاریخ فوتبال است؛ جایی که سال ۲۰۱۹ به رئال مادرید آمد، بلافاصله مصدوم شد و خیلی زود از دنیای فوتبال خداحافظی کرد. هازارد در اولین حضور خود با پیراهن سفید در سانتیاگو برنابئو با استقبال ۵۰هزار نفری هواداران مواجه شد، اما در چهار فصل نمایش ناامیدکننده فقط ۷۶بازی انجام داد و سال ۲۰۲۳ بازنشسته شد.

۱۲) لوئیس سوارز (گرمیو)

مهاجم سابق بارسلونا و لیورپول در بازگشت به آمریکای لاتین، ابتدا به تیم اول خود ناسیونال اروگوئه پیوست و سپس ژانویه ۲۰۲۳ راهی تیم برزیلی گرمیو شد و با استقبال ۵۰هزار نفری هواداران در پورتوآلگره مواجه گردید. البته او خیلی زود این تیم را ترک کرد و به تیم دوستش مسی (اینترمیامی) ملحق شد.

۱۱) نیمار (الهلال)

مرد برزیلی سعودی‌ها آگوست ۲۰۲۳ در مراسمی دیدنی با حضور بیش از ۵۰هزار هوادار الهلال معرفی شد؛ اما به دلیل پارگی رباط صلیبی و مینیسک قدامی در بازی با اروگوئه، آسیب جدی دید تا فقط پنج بازی در لیگ عربستان انجام داده باشد.

۱۰) لیونل مسی (اینترمیامی)

ورزشگاه اینترمیامی فقط ۲۰هزار نفر گنجایش دارد و مهاجم مُسن آرژانتینی جولای سال ۲۰۲۳ با حضور همین تعداد تماشاگر در DRV PNK Stadium معارفه شد. البته بسیاری از طرفداران مسی پشت درِ ورزشگاه ماندند و مراسم معارفه را از طریق Apple TV+، YouTube و Twitch تماشا کردند. بعدها ادعا شد این مراسم ۳/۵میلیارد بیننده اینترنتی داشته که شاید پذیرش آن فقط توسط طرفداران شماره ۱۰ آرژانتینی ممکن باشد؛ البته شاید هم منظور ۳/۵میلیون نفر بوده است!

۹) تیاگو سیلوا (فلومیننسه)

مدافع ۳۹ساله برزیلی در بازگشت به فلومیننسه در ژوئن ۲۰۲۴، با گردهمایی ۵۵هزار نفری هواداران در ورزشگاه بزرگ ماراکانا مواجه شد تا اتفاقی کم‌نظیر در فوتبال باشگاهی برزیل ثبت شود.

۸) کاکا (رئال‌مادرید)

مهاجم محبوب برزیلی سال ۲۰۰۹ با قراردادی ۶۸/۵میلیون یورویی از میلان به مادرید آمد و با حضور ۵۵هزار هوادار در سانتیاگو برنابئو معارفه شد. این یک هفته قبل از معرفی کریستیانو رونالدو به عنوان ستاره جدید لوس‌بلانکوس بود.

۷) نیمار (بارسلونا)

پیوستن جنجالی نیمار از سانتوس به بارسلونا که تحت شعاع علاقه رئال‌مادرید به این مهاجم برزیلی بود، با حضور بیش از ۵۵هزار هوادار کاتالان در روز گرم نیوکمپ رسمیت یافت؛ در حالی که رقم این نقل‌وانتقال بزرگ پوشیده ماند!

۶) روبرت لواندوفسکی (بارسلونا)

انتقال ۵ + ۴۵میلیون یورویی لوا از بایرن به بارسا در تابستان ۲۰۲۲ با استقبال تقریبا ۶۰هزار نفری هواداران بارسلونا همراه شد. لوا دو روز بعد اولین بازی خود را با پیراهن آبی‌اناری در جام خوان‌گمپر انجام داد و گلزنی هم کرد.

۵) کریم بنزما (الاتحاد)

مهاجم فرانسوی در سال آخر قرارداد با رئال، این تیم را به مقصد اقتصادی الاتحاد ترک کرد و در شب معارفه خود که با حضور ۶۰هزار تماشاگر برگزار شد، شاهد آتش‌بازی‌ها و استقبال پر سروصدای هواداران این تیم بود. بنزما این شب را «لحظه‌ای خاص برای من» توصیف کرد!

۴) زلاتان ابراهیموویچ (بارسلونا)

بعد از هزینه‌های هنگفت رئال‌مادرید در تابستان ۲۰۰۹، بارسلونا هم از خرید گران‌قیمت خود در نیوکمپ رونمایی کرد؛ جایی که ۶۰هزار تماشاگر با اشتیاق برای زلاتان هورا کشیدند و در طول مراسم، با وجود گاردهای امنیتی به زمین هجوم بردند.

۳) دیه‌گو مارادونا (ناپولی)

ستاره ابدی فوتبال تابستان ۱۹۸۴ با رکورد جهانی ۶/۹میلیون پوند از بارسلونا به ناپولی پیوست و در جَو فراموش‌نشدنی استادیوم سن‌پائولو با حضور ۷۵هزار هوادار مورد استقبال ویژه قرار گرفت؛ برای ادای احترام به مردی که باشگاه را به باشکوه‌ترین دوران حیاتش هدایت کرد.

۲) کیلیان امباپه (رئال مادرید)

حماسه نقل‌وانتقال کاپیتان فرانسوی در جولای ۲۰۲۴ به سرانجام رسید تا امباپه در حضور ۸۰هزار هوادار سانتیاگو برنابئو معارفه شود؛ در شبی که اسطوره رئالی‌ها، زیدان کبیر هم در زمین حضور داشت و به او خوشامد گفت.

۱) کریستیانو رونالدو (رئال‌مادرید)

اعجوبه پرتغالی تابستان ۲۰۰۹ از منچستریونایتد به رئال آمد تا در بزرگترین استقبال تاریخ و در حضور بیش از ۸۰هزار هوادار، با خوش‌آمدگویی آلفردو دی‌استفانو و اوزه بیو، معارفه شود.

پیام‌های بر گزیده خوانندگان/ پنجشنبه ها/ پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷

اندر تحلیف سینه کفتری و عارفان قونیه

هتل شاه‌عباس، باباطاهر، اتوبوسرانی مشهد، ترور ترامپ، تحلیف پزشکیان، المپیک ۲۰۲۴، غلامرضا پهلوی و اشرف...

۰: ۹۱۱۸۷۱۱: یقین دارم جوابی ندارید و چاپ نمی‌کنید؛ آیا این عدالت و خداپسندانه است در حالی که مردم ما با مشکلات و فقر اقتصادی فراوانی درگیرند، برای واگذاری و تحلیف ریاست‌جمهوری، ۳۰۰ مهمان و چندین گروه خارجی که یقینا هزینه بسیار سنگینی بر دوش ملت مظلوم می‌گذارد، دعوت شوند؟ خدا عاقبت ما را بخیر کند.

دعا کن خودم رئیس‌جمهور بشم، به جان خودم مراسم تحلیفم به صورت دونگی، تو کافه بگیرم، فقط دعا کن ایبرام رئیس‌جمهور بشه!

۰: ۹۱۵۱۰۴: اگر در اتوبوس‌های سازمان اتوبوسرانی مشهد مقدس، نشستن زنان در صندلی‌های قسمت مردانه آزاد است، چه اصراری بر جداسازی است؟ وگرنه چاره‌ای برای جلوگیری از ورود زنان به این قسمت نداریم‌شاید. این مشکل بارها مطرح شده اما پاسخی نداده‌اند.

من شهردار مشهد باشم می‌گم زنا بنشینن، مردا بایستن و میلم‌رو بگیرن! (دیدید چقدر قمپنیست زن ذلیلم؟) «میلم» و بگیر آقا، صدبار گفتم میلم‌رو بگیر نیفتی»!

۰: ۹۱۲۴۶۰: عرض ادب و ارادت. عکس صفحه آخر شماره ۳۸۳۳ (قاب نوستالژی ۱) مربوط به رویروی هتل شاه‌عباس و مدرسه چهارباغ، محل کتابفروشی و آثار فرهنگی هنری است و میدان نقش‌جهان نمی‌باشد. ارادت. (سلیمی از اصفهان)

منو بگو تا حالا اصفهان نرفتم، وگرنه ممکن بود با سی و چهار پل ماماچوست اشتباه بگیرم!

۰: ۹۳۶۲۲۹: درود بیکران. ابراهیم خان، نرخ «لنبر» را نمی‌دانم ولی نرخ «ضنبر» سر به ثریا کشیده.

داش، اون دوتا زندگی‌شون به هم بسته است. هر جا که اینو بکشه بالا، عنبر هم می‌کشه پایین!

۰: ۹۳۳۲۲۴: آقای هدف‌صبح، یک عارف موسفید با ژن مرغوب که از سال ۸۴ قم شده بود، پیدا شد!

عرفاور بفرستید قونیه، کمی سماع کنن!

۰: ۹۳۵۶۳۵: شما که بالیدن وزیر گردشگری به لنو یکطرفه رو دید را بازنشر کردید، این شعر باباطاهر هم مدنظر داشته باشید: «چه خوش بی‌مهربانی هر دو سر بی - یک یک سرمهربانی در دسر بی».

منو بگو همیشه با «بی‌بی» سر این شعر بر «ابی»، کل کل داشتیم!

۰: ۹۳۹۶۲۹: نتایج بررسی‌های علت و عوامل ترور ترامپ اعلام نشده هنوز؟! وقتی قطعا در آن گزارش، به روز تلو می‌ت ۲۳ تیره‌اه است، توجهی نمی‌شه. به نظر من ترامپ قصد داشت با این شوی تیفیلتی، هم رای الکتوال‌کالج افاضه کنه و هم تولد منو خراب کنه چاره‌ای نداشت این روز مهم نشوند. (مجتبی گووسی - فعلا از مشهد عزیزم)

۰: ۹۱۲۲۹۳: درود بر همه هفت‌صبح‌ها، نویسندگان و خوانندگان و دست‌اندرکاران. از اینکه سردبیر عزیز و گرامی سه‌شنبه نوشته‌اند برای امروز گزینه مطلب سیاسی نداشتند بسیار مشعوف و ممنون شدم. به عنوان خواننده قدیمی هفت‌صبح از همان یکی دو سال اول تاکنون (سال اول هم به دلیل شایعه و شائبه‌ای که در مورد وابستگی به باز غار معجزه هزارسوم در میان بود، کمی دیرتر خواننده شما شدم) مشکلی با مطالب سیاسی ندارم و خواننده این مطالب هم هستم، حتی ناگفته نماند که خواندن روزنامه را از صفحه چهار شروع می‌کنم تا نوبت به صفحات دیگر برسد ولی مطالب سیاسی سردبیر خیلی گرامی، گاهی دلچسب و دلنشین در نمی‌آید. نمی‌دنم چرا، مانند مطلب روز دوشنبه. در عوض مطالب ورزشی و فوتبالی و سینمایی و خاطرات و وقایع‌نگاری مشارالیه بسیار عالی و خواندنی است.

۰: ۹۱۲۷۴۰: مشارالیه دیگه کیه؟ بگو برم خرشو بگیرم! مگه هفت‌صبح هم مشارالیه دارم؟ کی استخدام کرد که من نفهمیدم؟!

۰: ۹۳۰۴۶۹: اعضای شورای رقابت، عامل دشمن هستند و این شورا دست دراز خزانه‌داری آمریکا در جمهوری اسلامی ایران است برای ایجاد آشوب و نارضایتی در جامعه و عامل تخریب اقتصادی در ایران هستند. هر نوع افزایش قیمت خودرو از سوی شورای رقابت، به منزله تقابل با مردم و نظام است.

مگه باز فراره قیمت پراید بکشه بالا؟

۰: ۹۲۲۰۲۲: عراق و کشورهای منطقه و دنیا را نگاه کنید که چه خودروهای را با چه تعرفه و قیمتی دارند بدون دغدغه استفاده می‌کنند. نه محدودیت‌های رانت‌سار و تورم‌ساز و احمارساز ۴۰هزار دلاری دارند نه محدودیت OCC ۲۵۰۰. این کشورها حق دارند قیمت بنزین‌شان جهانی باشد چون مجموع تعرفه عوارض واردات خودروی‌شان ۴ درصد است.

الان اگه یه پورش ۲۰۲۵ بندازم زیرپات، دیدت برمی‌داری؟!

۰: ۹۱۲۷۱۰: در مرداد ماه ۱۴۰۳ اولین سالگرد خونین فوت بسنگان‌مان را گرامی می‌داریم و به جرم خان‌زاده دون هیچگونه حمایتی از ما نکردند. هلوالغی، روح‌شان شاد باشد(علیرضا، سرورانعظم، محمد زمان، سولماز، محمودرضا، دکتر محمودرضا، دکتر فریدون، تیمور، عشرت، مجتبی، مهشید، گیتی زمانی فراهانی، تیمسار احمد و مهوش خسروانی، حاج‌محمد و بهناز فراهانی، دکتر محمدرضا اعتمادیه با خانواده‌اش، مریم و علیرضا اعتمادیه اراکی، مهندس فرهاد بدوحی، نرگس زمانی فراهانی و...)

دیگه فقط همین بادت رفته که زیر اعلامیه می‌نوشتی «با تشکر از خانواده زمانی و بسنگان سببی و نسبی»!

پولامو مثل عقلم دارم از دست میدم

هر نوشته‌ای نویسنده‌ای دارد. هر نویسنده‌ای حق دارد اسمش را پای مطلبش ببیند. نوشته‌هایی که در این صفحه می‌خوانید توئیت‌های کپی پیست شده‌ای است که در شبکه‌های اجتماعی دست به دست چرخیده و صاحبش را گم کرده. اگر «شما» نویسنده این آثار هستید، لطفاً عصبانی نشوید. لبخند بزنید و به خواننده‌هایی فکر کنید که با خواندن نوشته‌هایتان لبخند می‌زنند و در دل تحسینِ تان می‌کنند.

عزیزم هر از کارت تاروت تبرس که دوستت داره یا نداره، کسی که واقعا دوستت داره، کارتو به تاروت نمی‌کشونه.

خواهرم به دوستی داره که کم‌کم باید بابام به سرپرستی بگیرتش از بس که خونه‌مونه، خستمون کردی دختر یو با مامان و بابای خودتم آشنا شو.

یکی از دلایل اینکه نتونستم ادامه تحصیل بدم این بود که کنکورمون جمعه صبح بود.

عزیزم من دارم با کارصد و دعائوبس میرم پیش ترایپسنج؛ کارم تموم شد زنگ می‌زنم.

شما هم حالتون از گوشی بهم می‌خوره و در عین حال دست‌تونه؟

دوستان، ترایپسنت خوب می‌شناسید؟ ممنون میشم بریدید پیشش.

اصطلاح پول بی‌زبون حوالیه. فکر کن پوله می‌خواسته بگه منو برای این اشغال خرج نکن ولی نتونسته.

بارو وسط میدون خراسون ازم پرسید شهرک غرب چجوری باید بره؟

اگر تو افریقا یکی ازت آدرس آلمان بخواد.

از دکترش پرسیدم بچه چه خوابی می‌بینه که گریه می‌کنه، گفت مثلن خواب می‌بینه گشنش شده.

به بابام میگم این عکس‌تون با مامان قشنگه بیست بدار اینستا. میگه به کسی چه عکسای ما قشنگ شده؟

به جوری می‌گید کسی که سیگار فلان می‌کشه سیگاری واقعی نیست. کسی که با یاد ترک کرده سیگاری واقعی نبوده اگار. «سیگاری واقعی» بودن نوعی افتخاره که نصیب هر کسی نمی‌شه و نباید اجازه داد سوسولا خودشونو سیگاری واقعی جا بزنن. سرفه‌تو بکن و سرطانتو بگیر بابا.

معمولا اجازه میدم آدما به‌طور مکرر منو ناامید کنن تا لحظه حذف کردن‌شون هیچ شک و تردیدی به دلم راه ندم.

غم فقط اونجایی که علیرضا قربانی میگه: «تو همسفر نیمه‌راه من؛ چگونه بنویم؟ تو می‌گویم؟» امیدوارم دعا و جادو و طلسم و چشم خوردن و اینا واقعا وجود داشته باشه، من اصلا تنهایی نمی‌تونم مسئولیت همه گندایی که زدمو به عهده بگیرم.

نظر شخصی:

دورنگوها نه خجالتی هستن نه منزوی، اینا فقط با هرکسی حال نمی‌کنن.

واقعا مدرسه و دانشگاه رو که رد میکنی ۸۰٪ مزایای تابستون نسبت به پاییز و زمستون بخاک میره.

پولامو مثل عقلم دارم از دست میدم.

می‌دونستید اگه تو نونوایی سرعت شاطرو بالا ببریم چی میشه؟ نونوایی تاریک میشه.

لطفا از دانشجویان ارشد نپرسید کی دفاع می‌کنی؟ ما خودمونو نمی‌دونیم!

من با صبر مشکلی ندارم؛ مشکلم اینه که نمی‌دونم چقدر دیگه باید صبر کنم.

به بابا عیبی نداره فدا سرت، من اصلا از اول روح و روان نداشتم.

تنها راننده‌گی کردن فقط اونجاش که آهنگ مورد علاقات رو ۲۷ بار پشت سر هم گوش میدی و کسی نیست اعتراض کنه.

کلش حداقل به طوری بود که تو گمراه آدم غمگین نمی‌شد. ترکیب گرما و غصه خوردن دیگه خیلی نامردی و ظلمه.

بهترین قسمت تنها زندگی کردن اینه که نور و دمای خونه‌رو به سلیقه خودت تنظیم می‌کنی.

آرزومه بفهمم این راننده نیسانا پشت فرمون با کی صحبت می‌کنن که همیشه یه نوکیا در گوششونه.

نجات‌دهنده فقط تو کارت بانکیه، جای دیگه دنبالش نگردین.

امروز کاملاً بی‌دلیل احساس خرسندی و رضایت می‌کنم. از من بعیده. این سرتونین کدوم‌تونه افتاده تو حیاط ما؟ بیاد برش داره. من وقت ندارم خوشحال و اروم باشم.

بعضی وقت‌ها پیشرفت به معنای جلو رفتن نیست بلکه به معنای عقب‌نشینی از یک مسیر غلطه.

عزیزم هوا گرمه مجبورم سرد برخودت کنم.

هرچی بزرگتر میشم بیشتر خرسواری درک می‌کنم که از خواب بیدار میشن و جیغ می‌کنن.

خدا کاشف کلمه «دقیقا»رو رحمت کنه اگه نبود نمی‌دونستم چطوری باید با بقیه ارتباط برقرار کنم.

تا یک سال دیگه با خانواده زندگی کنم مستقل میشم

مستقل در تهران بزرگ.

سوراخ دماغمان رسما شیفتی وظیفه اکسیژن‌رسانی به بدنم رو انجام میدن.

الان دقیقا ۱۵ ساله هر کی ازم می‌پرسه داری چکار می‌کنی، میگم هیچی دارم درس می‌خونم.

من دیگه واقعا مطمئن شدم که هدف غایی در زندگی اینه که بهت خوش بگذره. حالا تو رابطه، جایی که زندگی می‌کنی، کاری که می‌کنی، کلاً هر فعلی در جهان اگر منجر به این نشه که بهت خوش بگذره، مفت نمی‌ارزه.

من یک بار با اعتراض ۹/۵ رو شدم ۱۰/۲۵ و هنوزم مهم‌ترین موفقیت آکادمیکم می‌دونمش.

چند سالت بود فهمیدی که از نظر روانشناسی ثابت شده کسانی که دروغگوی خوبی هستن معمولا بهتر از بقیه می‌تونن دروغ‌های بقیه‌رو تشخیص بدن؟ این قضیه که برای پول درآوردن باید کار کرد اصلا جالب نیست.

اولین واکنشم نسبت به ناراحت شدن اینه که دیگه نمی‌تونم با طرفم ارتباط چشمی برقرار کنم.

فقط زن‌های زشت و مردهای بی‌پول واقعیت زندگی‌رو درک می‌کنن.

شده به خودتون بیاین و ببینین دارین عین مامان‌باباتون رفتار می‌کنین و رفتاریه که سال‌ها به خاطرش مسخره‌تون می‌شدی؟

کاشکی اول ترم که داشتم ۲۴ واحد برمی‌داشتم به رفیق داشتم بهم می‌گفت مصد نکن شر میشه.

گل به موجود زنده‌ی که وقتی کنده میشه می‌میره. یعنی وقتی به کسی گل می‌دین عملا به موجود زنده‌رو می‌کشین و جنازشو میدین به کسی که دوس دارین.

تشکر ویژه از لباس‌هایی که نیاز به اتو ندارن.

پذیرفتن به معنی گمه کردن دردتن نیست. من خیلی چیزهارو پذیرفتم اما هر روز بابت‌شون درد می‌کنم.

پیرهنی که برای آخرین دیدارمون پوشیده بودم چند روز عطر تو روش مونده بود، چند روز از من خوشبخت‌تر بود.

شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷

قاب

قاب مشاهیر

ماجرای کمال کورسل، جوان فرانسوی که در کرمانشاه شهید شد: اوایل بهمن سال گذشته بود که از درگذشت بدر تنها شهید اروپایی دفاع مقدس باخبر شدیم. محمد بن‌الصالح مرادی که بعد از ۳۵ سال از شهادت پسرش در تونس به خاک سپرده شد. این پدر شهید که در سال ۹۸ نیز به دعوت بنیاد شهید، مهمان جمهوری اسلامی ایران بود، در نشستی با خبرنگاران گفته بود تا ۳۰ سال از شهادت پسرش بی‌خبر بوده است. او حرف‌های بسیاری داشت ولی نکته جالبی که بدر شهید از قول همرزمان پسرش نقل کرد، این بود که «کمال پسر از چندین بار حضور در جبهه‌های حق علیه باطل در عملیات مرصاد در کمین دشمن افتاده و پس از چند روز تحمل تشنگی گفته بود می‌تواند درک کند که امام حسین(ع) و یارانش در روز عاشورا چه سختی را تحمل کرده‌اند. هنوز سخنرانی کمال به گوش‌مان که بدر شهید از قول همرزمان پسرش نقل کرد، این بود که «کمال گلوله آر بی جی ۷ دشمن به فیض شهادت نائل آمد.» کمال کورسل با نام اصلی ژروم ایمانوئل ۹ آوریل ۱۹۶۴ در فرانسه از مادری فرانسوی و پدری تونسی به دنیا آمد. کمال در دوران نوجوانی سفری به تونس داشت و آنجا با اسلام آشنا شد و به دین اسلام گرویده شد. کمال در سال ۱۳۶۱ به ایران سفر کرد و تصمیم گرفت در حوزه علمیه قم به فراگیری دروس بپردازد و با کسب رضایت مادرش سرانجام در مدرسه حجتیه مشغول تحصیل شد. شهید کورسل در یکی از مدت‌ها با طلبه‌های حوزه علمیه به دیدار امام خمینی رفت و همیشه از این دیدار به نیکی و با شوقی وصف‌ناپذیر یاد می‌کرد. ژروم دوست داشت نام علی را انتخاب کند اما به دلیل حضور در کشوری که مسلمانان در اقلیت بودند، اسم خود را کمال گذاشت. کمال کورسل در سفر زیارت جمهوری وقت، آیت‌الله خامنه‌ای به قم، به نمایندگی از طلاب غیرایرانی سخنرانی کرد. کورسل نیز با اصرار زیاد در دوره‌های آموزش نظامی شرکت کرد اما اجازه حضور در جبهه را نیافت. کمال بعد از پذیرش قطعنامه و حمله منافقین با حماسیت بعل‌ها، فرصت را مناسب دید و با عضویت در گردان شهید صدر، به جبهه غرب اعزام شد که پنجم مرداد ۱۳۶۷ در درگیری با منافقین در منطقه اسلام‌آباد غرب استان کرمانشاه به درجه رفیع شهادت نائل آمد. سید محمدحسادی حسینی‌مقدم در مقدمه کتاب کمال کورسل نوشت: روحانی یکی از فرزندان شهیدای علی بن جعفر(ع) شهرستان قم قدم می‌زدم که «کلاس درس آشپزی. در این روز من به دبیرستان نورخش، برای عکس‌برداری از دختران ورزشکار قم که در همین دبیرستان بود، رفته‌ام. چون یک استادیوم شخصی داشتند. در این روز عکاسی دخترها، چنان بلایی سر من آوردند که نبین و نبیرس - سال ۱۳۵۰.

قاب نوستالژی ۱

داستان یک کلاس درس آشپزی: کامران عدل در شرح این عکس نوشت: موضوع این بود که در سال ۱۳۵۰، اشرف پهلوی از من خواست که به‌مناسبت دهمین سالگرد انقلاب سفید، یک مجموعه‌ای را عکاسی کنم. که نماینده زن آن سال‌ها باشد. «سازمان زنان ایران» می‌بایست از این عکس‌ها نمایشگاهی ترتیب می‌داد و کتابی هم از عکس‌ها منتشر می‌کرد. من هم مشغول به عکاسی شدم. وقتی طرفم «همادنار هوایپما» یا «پلیس زن» بود، مشکلی نداشتم. «ایران ایر» دختر خانم‌های برازنده‌ای داشت مخصوص این کارها. یا شهربانی یا راهنمایی و رانندگی به همین ترتیب. ولی روز گار نصیب هیچ کس نکند که بود سر کلاس آشپزی دخترانی. در مورد آن روز و خاطراتش، در آرشیوم نوشته‌ام: «کلاس درس آشپزی. در این روز من به دبیرستان نورخش، برای عکس‌برداری از دختران ورزشکار قم که در همین دبیرستان بود، رفته‌ام. چون یک استادیوم شخصی داشتند. در این روز عکاسی دخترها، چنان بلایی سر من آوردند که نبین و نبیرس - سال ۱۳۵۰.

قاب نوستالژی ۲

چهار نفر از مجریان رادیو نفت آبادان در حال اجرای یک نمایش - دهه ۳۰: اولین رادیو در آبادان متعلق به شرکت ملی نفت ایران بود که از سال ۱۳۲۳ و با نام «رادیو نفت ملی» فعالیت خود را آغاز کرده بود. این رادیو به صورت ۲۴ ساعته به پخش برنامه می‌پرداخت و به‌طور مستقل زیر نظر شرکت ملی نفت اداره می‌شد و هیچگونه ارتباط کاری با اداره رادیو تلویزیون آن زمان نداشت. رادیو نفت ملی از طریق یک فرستنده موج متوسط ۱۰ کیلووات در منطقه جمشیدآباد آبادان برنامه‌های خود را پخش می‌کرد و به دلیل برخورداری از موقعیت مناسب آنتن‌ها در اغلب نقاط کشور، شنیده می‌شد. فضل‌الله صابری نویسنده کتاب فرکانس ۱۶۰ درباره رادیو آبادان بعد از انقلاب می‌گوید: رادیو آبادان به عنوان رادیو نفت ملی شناخته شده بود، چون در ساخت آن و نصب آنتن‌هایش از امکانات خیلی خوبی استفاده کرده بودند. دامنه برد زیادی داشت. تنی شبکه زمینی‌اش بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ کیلومتر بود. و زمین دل بودند. این شبکه زمینی، خود آنتن، ارتفاع متناسب آن فرستنده قوی و زمینی که مرطوب و نزدیک آب بود، همه اینها باعث می‌شدند که برد این رادیو از رادیوهای معمولی هم‌سطح خودش، خیلی بیشتر باشد. من بعدها توی استاد ارشیو دیدم که مثلا از کشورهای اروپایی مثل فنلاند درخواست پخش آهنگ داشتند. ساختمان رادیو آبادان، یک طبقه بود که دورش نرده و فضای وسیع داشت. ساختمان لابه‌لای خانه‌های شرکت نفت بود و فاصله‌اش تا اروندرود تقریبا ۱۰۰ متر می‌شد. یادم هست که خانه کناری مامزل آقای ایره* دختر خانم‌های برازنده‌ای داشت مخصوص این کارها. یا شهربانی یا راهنمایی و رانندگی به همین ترتیب. ولی روز گار نصیب هیچ کس نکند که بود سر کلاس آشپزی دخترانی. در مورد آن روز و خاطراتش، در آرشیوم نوشته‌ام: «کلاس درس آشپزی. در این روز من به دبیرستان نورخش، برای عکس‌برداری از دختران ورزشکار قم که در همین دبیرستان بود، رفته‌ام. چون یک استادیوم شخصی داشتند. در این روز عکاسی دخترها، چنان بلایی سر من آوردند که نبین و نبیرس - سال ۱۳۵۰.

مرتضی کلیلی

قاب تاریخ

سید حسن امامی، امام جمعه مادام‌العمر عصر پهلوی دوم؛ سازمان فراماسونری انگلیس مقیم ایران امامی را به خاطر شخصیت مذهبی و اجتماعی و نفوذی که در سازمان‌ها و مقامات دولتی دارد وارد تشکیلات خود کرد و او در رأس آن ژنوه قرار داد این لژ به موجب دعوتنامه‌ای که ذباذ نقل می‌شود، در روز ۱۳ خرداد ۱۳۴۶ در تهران تأسیس و تقدیس شد و همه تشکیلات رسمی تشکیل لژ و حتی خودش آیات نوات و ادعیه لتجیل توام با موریک که در اینگونه مواقع اجرا می‌شود عیناً و با حضور کریستوفر اسحاق فری یهودی الاصل (ناظر اعظم لژ ناحیه ایران) انجام پذیرفت. دعوتنامه تشکیل لژ به این شرح است: «آقای محترم و برادر عزیز با کمال احترام از آن برادر گرامی دعوت می‌شود تا در جلسه تأسیس و تقدیس لژ نور و تنصیب برادر دکتر سید حسن امامی به سمت ج.ا.ا. که در تاریخ شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۴۶ در محل انجمن آزری تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانید.» با تأسیس لژ نور که ایران که در واقع یکی کردن انواع لژهای فراماسونری در ایران بود، ترکیب رهبران این لژ به شکلی صورت گرفت که مهندس شریف‌امامی از لژهای آلمانی، دکتر حسن امامی از لژهای انگلیسی و دکتر احمد علی آبادی از لژهای فرانسوی در رأس آن لژ بزرگ ایران واقع شدند. طبیعی بود که امامی با این سابقه‌ای که داشت مورد خشم و نفرت طرفداران نهضت امام خمینی خصوصاً هواداران جبهه ملی و بازاریان از قول برادر ۱۵ خرداد به گزارش ساواک در بین اعضای هیئت مذهبی و طرفداران جبهه ملی و بازاریان از قول برادر آیت‌الله خمینی گفته می‌شود. شاهنشاه افای امام جمعه تهران را مأمور کرده‌اند تا با آیت‌الله خمینی تماس بگیرد و هدف و پیشنهادات او را پرسش کند و آیت‌الله خمینی در ضمن ملاقات با امام جمعه گفته است هر چه می‌خواستم بگویم روز عاشورا در قم گفته‌ام و غیر آن حرفی ندارم. اما نظر امریکاییان نسبت به امامی؛ حسن امامی امام جمعه تهران مهم‌ترین چهره مذهبی موجود در میان ملازمین شاه است. به خاطر موفقیتش از او مقداری نفوذ مذهبی و سیاسی برخوردار است لیکن به خاطر حمایتش از شاه اکثر روحانیون حرف او را خریدار نیستند. او از رابطه‌های سیاسی بسیار وسیعی برخوردار است و شاه نیز در همین زمینه از او بهره می‌گیرد. وی شاه را به کرات می‌بیند. امامی از خانواده سلطنتی قاجار است و پدر و پدربزرگش هر دو امام جمعه بوده‌اند. تا اینجا که می‌دانیم حسن فرزندی ندارد که جانشین وی شود. امامی در زمینه علوم اقلیمی تحصیل کرده ولی هیچ کس او را یک عالم واقعی در زمینه الهیات اسلامی نمی‌داند. اما او تحصیل‌کرده‌ای بسیار خوبی داشته است که عبارت است از تحصیل در رشته حقوق در دانشگاه لوزان. سرانجام، شعله‌ور شدن آتش انقلاب اسلامی همزمان است با وخامت حال جسمانی سید حسن امامی، به همین دلیل وی در اواخر عمر رژیم، راهی اروپا می‌شود و در اواخر مرداد ۱۳۵۸ در سوئیس فوت می‌کند و همانجا به خاک سپرده می‌شود (کلاه تاریخ)

جدول و سرگرمی

سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است

در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.

هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.

برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید. در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند. همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.

قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

جدول سودوکو

۴				۲				۱
	۸		۴	۱	۶		۵	
		۱				۲		
	۴						۲	
۱	۲						۶	۹
	۵						۷	
		۴				۵		
	۱		۷	۶	۲		۳	
۲				۹				۷

۳				۴				۷
	۴		۵	۷	۶		۱	
		۹				۶		
	۱						۶	
۴	۲						۳	۱
	۸						۹	
		۸				۱		
	۵		۷	۸	۹		۲	
۲				۳				۶

						۹		۲
							۶	
						۸		۶
۷			۴			۳		
	۳		۱	۹	۵		۸	
		۹				۱		
	۲						۶	
۵	۸						۱	۷
	۴						۳	
		۱				۳		
	۵		۸	۳	۹		۷	
۳				۷				۲

						۱		۵
							۳	
						۲		۸
							۶	
						۶		
						۲		۴
						۳		
						۵		۹
						۷		۸
						۹		۲
						۴		۸
						۸		۳
						۷		۶
						۳		۷

جدول شرح در متن

شرکت کردن در مجلسی / دانشمندان / مادر همسر برف / یکدندگی / غرقابل اعتماد در حفظ اسرار / تعامل پیدا کردن به چیزی / حرف ندا / فرسوده و مندرس / مزه خرمالو / عجیب خانمانه / پول پرداختی برای وارد شدن به جایی / قیافی از ایستاده شدن / رضاعطاران از جانب خدا

از روی وجدان / آکنده و لبریز / فریاد شادی / ابزار خودبینی

جاده قطار / برکت ساده / پرتاب کننده / درغیر این‌صورت

اتومبیل آلمانی / عذر بی‌جا / دارای اندامی درشت / نامی دخترانه

نفس چاق / اندک / عقل و خرد / آخر کاری با چیزی / شکم‌بند طلبی / رایحه

زمین نوبتی / بهارگ / واضح و آشکار / گیاهی پیچنده و خاردار / دشمن سرسخت / حرف بیست و هشتم الفبا

وسیله آرایش بوده‌ها / قابل دسترسی / شتر تندرو / غول برف‌ها / اشاره به دور / عازم شهری دیگر

زمین نوبتی / بهارگ / کم سخن / خوش‌حساب نیست / نشانه‌ها / پوشیده و مستور / بار هماپون / دارای شرم و حجب / اداره دولتی مهم هر استان / با اشتیاق و علاقه زیاد

خرس فلکی / مدت کوتاهی / نوعی جین / تکنیایی و پردباری / پیشامدگی لبه بام / قهوه‌ای مایل به قرمز / جیوه / برابر و مساوی / عامیانه

روشنایی کم چراغ / زندان / به‌جا آوردن عهد / براکندگی و انتشار / پشم شتر / جوان / ست و وارفته

ملفف به معلم دوم / کاری مهم در زراعت / همین و بس / بازده! / قلب / از این رو / از زبان‌های ترکی باخزری / نابود و ناپدید

پاسخ‌های شماره قبل

۴	۸	۲	۱	۵	۷	۶	۹	۳
۵	۶	۱	۳	۴	۹	۷	۲	۸
۷	۳	۹	۸	۲	۶	۵	۴	۱
۲	۵	۸	۷	۱	۴	۹	۳	۶
۹	۱	۶	۵	۸	۳	۲	۷	۴
۳	۴	۷	۶	۹	۲	۸	۱	۵
۶	۷	۴	۲	۳	۵	۱	۸	۹
۱	۹	۵	۴	۷	۸	۳	۶	۲
۸	۲	۳	۹	۶	۱	۴	۵	۷

۱	۵	۹	۷	۲	۶	۳	۸	۴
۶	۷	۳	۵	۴	۸	۲	۹	۱
۸	۴	۲	۱	۹	۳	۶	۵	۷
۵	۳	۸	۴	۷	۱	۹	۲	۶
۴	۹	۱	۲	۶	۵	۸	۷	۳
۲	۶	۷	۸	۳	۹	۴	۱	۵
۹	۳	۴	۶	۸	۲	۷	۱	۲
۷	۱	۶	۳	۵	۴	۱	۲	۸
۳	۲	۸	۹	۱	۷	۵	۶	۴

ک	و	ن	ک	ت	ی	ر	ا	ش
		م		ا				

هفت صبح
پنجشنبه | ۱۱ مرداد ۱۴۰۳ | شماره ۳۸۳۱

سوژه هفته
المپین‌ها

ابراهیم افشار

محمود آقا خواب سیاوش را نبین هرگز!

۱ وقتی رسیدم بیمارستان بالای تختش، دیدم با آن موهای وزوزیِ پریشان، خیره شده به صورتم. از آن بدن قیامت که به وقت خودش، در دنیا استثنا بود چیزی باقی نمانده بود. نه دکتر شهابی را تحویل گرفت، نه تمرز را، نه گهرخانی و برومند را. فقط خیره به من پلک نمی‌زد. اولش فکر کردم مرا با پسرش علی اشتباه گرفته است. بعد گفتم نکند فکر کند من همان وزیر بهداشتم که او را سال‌ها برای گرفتن مجوز داروی گیاهی جاودانگی‌اش -که در قالب معجونی ساخته بود و دنبال مجوزش بود- اسیر و عبیرِ راهروهای اداری کرده بود. اما نه، در نگاهش خشم نمی‌دیدم. مهربانی و حیرت بود که می‌ریخت و چشم‌هایم را نوازش می‌کرد. یکهو برگشت گفت «دیشب خواب سیاوش شاهنامه را می‌دیدم، چقدر چشم و ابرویش شبیه چشم و ابروی مشکی تو بود.» یک لحظه دیگر به بدن پریشانش نگاه کردم که ملافه بیمارستان ازش دور افتاده بود و با خود گفتم خدایا این همان محمود چینی است که نخستین طلای جهانی ایران را به ارمغان آورده است؟ هرچه سعی کردم تعداد طلاها و نقره‌ها و برنزهای جهانی و المپیکش را بشمارم زبانم بند آمد. آدمی که در ۳۹ سالگی مدال قهرمانی جهان -آنهم در رشته هالتر- را می‌برد باید چیز خاص و غریبی باشد. خدایا من کجایم شبیه سیاوش است؟ من حتی انگشت کوچک اسب شبرنگ او هم نیستم. در بیمارستان بود که از مشابهت خوابش و من که عیادت‌کننده جوانی بودم، حیرت کرده بود و گل و شیرینی در دست بقیه عیادت‌کنندگانش یخ زده بود. گفتم لابد لابد این هم نوعی شیزوفرنی مخلوط پیران هالتریست و فعالان قدیمی زیبایی‌اندام است که خرخره‌شان را در روزگار پیری می‌گیرد. آن روز که به گمانم یکی از روزهای سال ۶۸ بود محمودآقا همه چیز را ول کرد و نشست داستان لندنش را برایم تعریف کرد و وسط هر جمله‌اش، ناله و نفرینش خطاب به کسانی که در وزارت بهداشت مانع صدور مجوز برای معجونش شده بودند به آسمان رفت:

۲ «یک نیمه‌شبِ خرابی بود آقا. ساعت از چهار بامداد گذشته بود. ساعت‌ها بود که وایستاده بودم کنار رود تایمز لندن و می‌گریستم. از وقتی مسابقه‌ام در خروس‌وزن استادیوم ویمبلی لندن تمام شده بود زده بودم بیرون و یللی‌تللی خیابان‌ها را گز کرده بودم تا غم شکست را فراموش کنم. گیله‌مرد گریانی بودم که به میله‌های فلزی کنار پل تایمز تکیه داده و با ستارگان درددل می‌کند. «خدایا من به خاطر هوس کردن یک پرس چلوکباب، مدال طلای حتمی المپیک را از دست دادم. مرا ببخش.» از غصه هلاک می‌شدم. دردم هم فقط این بود که من که با پول پیرزنان دوک‌ریس وطنم و مالیات آنها به المپیک لندن ۱۹۴۸ اعزام شده‌ام جواب‌شان را چه بدهم؟ چگونه بدهد؟ درد من فقط پیرزنان وطنم بود. گیسوسفیدانی که به انتظار طلای ناب من، ساعت‌ها گوش به رادیو سپرده بودند. حتی یک لحظه به فکر انتحار افتادم؛ «چطور است خودم را به همین رودخانه مرموز تایمز بیاندازم و از این غم و غصه خلاص شوم؟ آخر من با چه رویی برگردم ایران؟» غصه‌ام از این نبود که بازی را به حریفان قدرتمندم باخته‌ام بلکه دردم این بود که چرا طلا را به خاطر یک شکم‌چرانی کودکانه که صبح مسابقه هوس کباب کردم از دست دادم. کمی بعد زنگ بزرگ «بیگ‌بن» بر کرانه تایمز، چهار بار نواخت و من همچنان گریان در این اندیشه بودم که خودم را چگونه گم و گور کنم. در این فکرهای ناقص بودم که ناگهان صدای ترمز اتوبوسی، مرا به خود آورد. سر برگرداندم؛ پیرمردی را در تاریکی دیدم که خطاب به من می‌گفت «کجا پسرم؟ کجا؟ این وقت شب کجا؟» فقط این را فهمیدم که خود را از گردن او آویختم و گریستم. مثل ابر بهاری چنان گریستم. نمی‌دانم خدا چگونه در این وقت آخرشب، مستر جانسون- سردبیر ورزشی تنها مجله ورزشی انگلستان- را سراغم فرستاده بود و او چگونه در آن نیمه‌شب از کنار تایمز می‌گذشت. من او را همیشه پاپا صدا می‌کردم. مردی که با نوشته‌هایش باعث شهرت من در صحنه‌های جهانی وزنه‌برداری شده بود. حالا پاپا را خدا رسانده بود. او مرا مثل یک پدر واقعی دلداری داد و با خود به دفتر مجله‌اش برد و دستور داد برایش شیر و قهوه بیاورند که ۲۴ ساعت بود هیچ نخورده بودم و سپس گفت «پسرم! ساعتی بعد مسابقات قهرمانی پرورش‌اندام المپیک لندن در ویمبلی برگزار می‌شود و تو باید آنجا تاج قهرمانی را بر سر بگذاری تا دست‌خالی به وطن برنگردی.» مرا به زور عازم ویمبلی کرد اما طعم کباب کوفتی ظهر روز مسابقه که باعث افتادن طلای المپیکم از کف دستم شده بود از زیردندانم بیرون نمی‌رفت که نمی‌رفت.»

۳ در حالی که مفسرین وزنه‌برداری دنیا روی طلای حتمی نامجو شرط‌بندی می‌کردند تنها مدال کاروان ایران از لندن را میرزاجعفر سلماسی به عنوان اولین مدال تاریخ ایران در المپیک دشت کرد که روی سکوی سوم ایستاد و قیامتی به پا کرد. حالا نوبت به نامجو رسیده بود که همه کارشناسان بین‌المللی، منتظر درخشش بودند. او در حالی که صبح روز مسابقه، طبق عادت معمول خود، لقمه‌ای کره و عسل خورده بود کمی مانده به ظهر، با اصرار سرپرست تیم مواجه شد که می‌گفت «نامجو باید ظهر چلوکباب سلطونی بخوره که قوت بگیره و قدرت شکستن رکورد دنیا را داشته باشه.» نامجو خودش هم البته بفهمی‌نفهمی هوس کباب و ریحون کرده بود. بچه‌های تدارکات، حوالی ظهر بود که محمود چینی، امید اول طلای کاروان ایران را سوار تاکسی کرده و او را به سمت مرکز شهر لندن بردند تا کباب فیله اصل درجه‌یک نایبی به خوردش بدهند و پولادمرد ایرانی چنان قوت بگیرد بلکه بعدازظهر برود روی پلدفرم هالتریست‌ها و با طلایش کولاک به پا کند.

۴ اما لندن به وقت ظهر در ازدحام و ترافیک غریب ماشین‌ها و آدم‌ها له شده بود و ماشین حامل نامجو آنقدر در ترافیک گیر کرد که محمودآقا وقتی به کبابی مرکز شهر لندن رسید فهمید که تا شروع شدن مسابقه خروس‌وزن، فرصتی ندارد و لقمه‌ها را در همان ماشین کذایی هول‌هولکی قورت داد و در بازگشت سالن مسابقه، آنقدر در ترافیک، گاز و ترمز و کلاچ زدند که دیر شد و محمودآقا وقتی جلوی سالن مسابقات وزنه‌برداری رسید اسمش را از بلندگوها شنید که فوری باید برود روی سن. رنگ به رخسار روسای کاروان ایران نبود. «بدبخت‌های کباب‌ندیده!» محمودآقا فقط این را فهمید که باید با همان بدن سرد، بدود روی سن و با کمترین وزنه آغاز کند تا حذف نشود. عضلات «محمود چینی» چنان یخ زده بود که حتی در نوبت‌های بعدی وزنه زدن نیز بدنش به آمادگی موعود نرسید و طلا را به یک پرس کباب چرب و چیل باخت. نامجو وقتی هول‌هولکی اولین هالتر را بالا برد با سه چراغ قرمز هیات‌ژوری مواجه شد که به علامت خطا بود. او با دیدن چراغ‌ها عصبانی شد و تعادل طبیعی خود را از دست داد اما وقتی به خود آمد رکورد دوضرب دنیا را شکست. حرکتی که به منزله «حنای بعد از عروسی» بود و باعث نشد رکورد مجموع او به پایه قهرمانان جهان برسد و مدالی کسب کند.

۵ محمودآقا که انتظار چنین شکستی را نداشت، از غروب بعد از مسابقه، دل به خیابان زد تا به تنهایی ول بچرخد و آنقدر بگرید تا سینه‌اش را سبک کند. همه‌اش با خود می‌گفت «خدایا من با پول پیرزنانِ دوک‌ریس کشورم به این مسابقات اعزام شدم حالا جواب آنها را چه بدهم؟» او تا ساعت چهار صبح، کنار رود تایمز اشک ریخت و از فرط شرم، روی بازگشت به محل کاروان ایران را پیدا نکرد. در این ساعت بود که «پاپا» به دادش رسید و او را به محل روزنامه در لندن برد تا دلداری بدهد. به او گفت «این شکست به منزله پایان جهان نیست و تو در سال‌های بعد درخشان‌ترین طلاها را برای کشورت به ارمغان خواهی برد.» «پاپا» آنقدر روی روح و روان محمود نامجو، کار کرد تا او را تشویق کرد که در آخرین دقایق نام‌نویسی قهرمانان برای شرکت در مسابقات غیررسمی پرورش‌اندام (که مدالش در المپیک ۱۹۴۸ محاسبه نمی‌شد) آماده کند. در مسابقه زیبایی‌اندام، وقتی اعضای هیات‌ژوری بدن پرعضله محمود نامجو و سیدرسول رئیسی را دید زدند لب به تحسین گشودند و عنوان نایب‌قهرمانی را به نامجو دادند و برنز را به سیدرسول. دوقهرمانی که بارها و بارها در سالن تئاتر دهقان واقع در لاله‌زار تهران مسابقه پرورش‌اندام داده و قهرمان شده بودند. در روز نمایش زیبایی‌اندام در المپیک لندن، وقتی کاظم گیلانپور بچه‌ها را به سالن پرورش‌اندام برد از صید دو نقره این بازی‌ها اظهار شعف کرد اما افسوس که رشته غیررسمی المپیک، در رده‌بندی کلی جدول کشورهای شرکت‌کننده گنجانده نشد. خروس قهرمان ما که کباب مزخرف لندن را با مقام پنجم المپیک، تاخت زده بود بعد آن شکست عجیب، به پزشک رسمی المپیک مراجعه و از او پرسید «آقا چرا من این‌جوری شدم پس؟» دکتر گفت «مگر نمی‌دانی به اسبی را که قرار است در مسابقات سوارکاری شرکت کند غیر از هویج و قند نمی‌دهند؟!» نامجو چپ‌چپ نگاهش کرد «مگر من اسبم؟» اما فهمید که طعنه پزشک معروف درباره تغذیه حرفه‌ای چه مفهوم عمیقی داشته است.

۶ حالا خوشحال‌ترین مرد کاروان ۵۲ نفره ایران در لندن که از ۳۶ ورزشکار و ۱۶ همراه تشکیل یافته بود یک مرد نیم‌وجبی به نام میرزاجعفر سلماسی بود که ناظم مدرسه دبیرستان شرافت شهر نجف عراق بود و یک عمر با هالترهای ساخته شده از آجر و میله چوبی، تمرین کرده بود. تک‌مدال برنز جعفرآقا چنان برکتی داشت که کاروان ایران را در رده ۳۵ رده‌بندی کلی المپیک ۱۹۴۸ قرار داد. کاروان ایران که بعد از پایان مسابقات، به فرودگاه لندن رفت تا سوار طیاره لندن به رُم شود و از آنجا به تهران بیاید اما چمدان‌هایش آنقدر اضافه‌وزن داشت که دو نفر از اهالی وزنه در رُم ماندند تا آنها را سالم به وطن برسانند. وقتی کاروان به تهران رسید نامجو آنقدر حالش خراب بود که خود را برای مدتی از چشم پیرزنان دوک‌ریس، پنهان کرد و سلماسی رفت کاظمین تا به شاگردان مدرسه‌اش زبان انگلیسی یاد بدهد.

احد بابایی منیر

ننه بیگم ملا باجی، استاد و مربّی بی‌چون و چرای «لوچو!»

۱ تهیه کننده مهدی میثاقیه بود، داستان را منوچهر کی مرام نوشته بود و بلندگو دست کارگردان مشهور آن سال‌ها بود: ساموئل خاچیکیان که «امامعلی» جوان را کلافه کرده بود از بس مرتب و پشت سر هم می‌گفت: - کات، آقای حبیبی حواست کجاست آقا! جان من دل به کار بده!

... قرار بود امامعلی حبیبی نقش «حبیب» را بر پرده سینما جان ببخشد: هیزم شکنی پاکدست و پاک چشم و کشتی گیری جوانمرد که دانسته و آگاهانه در کشتی با پسر پیرزن مغلوب او می‌شد رازی مشترک بین او و پیرزن!

پسرک فکر می‌کرد شکست خوردن حبیب از صدقه سر زور بازوی اوست همان اندیشه‌ای که در سر نامزد زیبایش نیز جا خوش کرده بود!

هنرپیشه شدن حبیبی هم داستانی داشت: پس از مشهور شدن در دنیای ورزش و قهرمانی در المپیک ۱۹۵۶ ملبورن، به اصرار نمایندگان انجمن شهر بابل در انتخابات مجلس شورای ملّی شرکت کرده و به انتخاب اهالی شهر شده بود نماینده بابل.

دستاورد این اقدام او برای شهر: تسریع در اقدامات عمرانی نظیر آسفالت شدن تمام خیابان‌های بابل و لوله کشی آب شرب شهر بود و برای خودش، حدود صدو بیست هزار تومان بدهی!

زمانی که طلبکاران در خانه‌اش را از پاشنه کنده و با نگاه‌های حریصانه و خشماگین به کت تن قهرمان المپیک زل زده بودند، اینبار نیز دوستان و مشاوران! پیشنهاد دیگری را چون تکخال روی میز کوبیده بودند: تشویق امامعلی خان! به ترغیب او برای بازی در فیلم جهت کسب درآمد و پرداخت بدهی طلبکاران از همین راه!

نخستین بازی «قهرمان اسبق المپیک» و «پارلمانتاریست سابق!» در فیلم «ببر مازندران» بود و پس از آن فیلم‌های دیگر مانند «آدم و حوا»، «جهنم سفید»، «مرد جنگل» و ...

۲ تکلیف روزهای «در پیش رو»ی امامعلی ۶ ساله، در مکتب خانه روستای «درزی کلا»ی بابل مشخص شد و به دست معلم او: «ننه بیگم ملا باجی!»

پیرزن هر روز پس از پایان درس و مشق، شاگردانش را کشتی سنّتی مازندران آموزش

می‌داد: «لوچو» که در فنون آن برای خود استادی تمام و کمال بود! و فوق تخصص داشت در فن «سر زیر بغل»! بعدترها همین فن و دیگر فنون مختلف کشتی از جمله «سر و ته یکی» و «یک دست و یک پا» و تسلط بر آنها بود که نام «امامعلی حبیبی» را کرده بود «کابوسی» که لرزه بر تن و بدن حریفانش می‌انداخت.

پس از مرگ پدر در ۱۲ سالگی و به هنگام کار در کارخانه نسّاجی شاهی (قائم شهر امروزی) در باشگاه کارخانه تمرین کشتی را آغاز کرد و زمانی که دوران سربازی خود را در تیپ گرگان می‌گذرانید به درخواست فرمانده گرگان در مسابقات «کشتی لوچو» در ساری شرکت کرد و

قهرمانی استان در وزن پنجم بود که مدال افتخار بر سینه امامعلی نصب کرد به دست استاندار مازندران!

بعدترها، در مسابقه دوستانه با تیم منتخب تهران، از مازندرانی‌ها فقط دست او بود که بالا رفت. همه همشهریانش باخته بودند!

پس از این مسابقات بود که حبیبی در شهرداری قائم شهر استخدام شد با عنوان «آتش نشان» و با حقوق ماهی «هزار ریال»! زیر نظر استاد «حبیب الله بلور» بود که امامعلی حبیبی شد: «ببر مازندران»!

۳ ۱۹۵۶ ملبورن نخستین تجربه حبیبی در المپیک و در مسابقات بزرگ بین‌المللی بود.

پس از ضربه فنی کردن ستاره سوئدی - قهرمان المپیک جهان - موتور امامعلی جوان تازه گرم شده بود! پس به‌دنبال «اندربرگ»، «نیتزولا» از ایتالیا و «کاساهارا» از ژاپن را هم با طعم تلخ شکست آشنا کرد و در پایان «بستایف» از شوروی را با «امتیاز» بزانو درآورد

و «نخستین نشان طلای کشور ایران» در تاریخ مسابقات المپیک را درو کرد! «غلامرضا تختی»،

هم تیمی امامعلی در همین دوره، «دومین» طلای ایران را به دست آورد.

قهرمانی جهان در توکیو ۱۹۶۱ دومین مدال طلا را برای حبیبی به ارمغان آورد و در آخرین رقابت خود در رویداد قهرمانی جهان در تولیدو ۱۹۶۲ بود که برای بار سوم قهرمانی را بر سکّوی اوّل ایستاد ولی زمانی که نمایندگان بلغارستان و آمریکا روی سکوی دوّم و سوّم به احترام سرود ملّی ای که نواخته می‌شد خبردار ایستاده بودند، امامعلی از روی سکّو پایین آمد: «سرود ملّی ای که نواخته می‌شد با گوش او ناآشنا بود!» مسئولان ورزشگاه به اشتباه صفحه مربوط به سرود عراق راپخش کرده بودند!

پس از عذرخواهی آنان بابت این اشتباه، حبیبی دوباره روی سکّوی نخست ایستاد:

سرود ملّی ایران پخش می شد و «پهلوان» صاف و کشیده و خبردار ایستاده بود: با چشمانی که برق می‌زد و سینه‌ای ستبر یادآور غروری بی‌پایان و گونه‌هایی خیس از اشک شوق!

۴ از کاظمین ۳۱ شهریور ۱۲۹۰ تا تهران ۱۱ بهمن ۱۳۷۸ یک خط مستقیم که بکشید دو نقطه مهم زندگی، در واقع مهمترین دو نقطه زندگی را به هم وصل کرده‌اید: آغاز و پایان انجام و فرجام، از خاک بر آمدن و در خاک فرو رفتن! جنگ جهانی دوم که آمد تا ایران «پل پیروزی» لقب بگیرد، تنها لشگریان روس و انگلیس را برای ما تحفه نیاورد، فقط آنها نبودند که در خیابان‌های تهران رژه رفتند، «نخستین مدال آور ورزش ایران در بازی‌های المپیک»، «محمد جعفر سلماسی» هم با جنگ جهانی دوم مهمان میهن خود گردید! از اجدادی که سال‌ها پیش ایران را ترک کرده بودند، در کاظمین دیده به دنیا گشود و برای دیده بر هم نهادن و خواب بی‌بیداری را تنگ در آغوش گرفتن، کجا بهتر از خانه خود آدم؟!

محمد جعفر پایه گذار نخستین تیم ملّی وزنه‌برداری ایران با رسول رئیسی و محمو نامجو بود. «محمود خان» بارها و بارها اشاره کرده بود که آتش «عشق به آهن» در دل و جانش را دیدن تمرین‌های محمد جعفر بود که در دل و جانش شعله‌ور کرد!

سلماسی در المپیک لندن ۱۹۴۸ نخستین مدال ایران را به‌دست آورد «برنز آن سال‌ها» در برهوت

خشکسالی ورزش و ورزشکاران، کم از «طلا» نبود به گمانم!

بعدها، در اولین دوره بازی های آسیایی به قهرمانی رسید با مجموع ۵/۲۹۷ کیلو و در ۳۲ سالگی بود که از تیم ملّی خداحافظی کرد.

«دیابت» که از سال‌ها پیش تن او را ذرّه ذرّه می‌جوید آخرین بوسه بر جان خسته‌اش را در اتاقی در بیمارستان باهنر تهران زد، ۱۱ بهمن ۱۳۷۸ بود!

حالا، در قطعه ۲۲ ردیف ۴ شماره ۶۰ بهشت زهرا مردی خوابیده است که شاید کمتر کسی

او را به یاد داشته باشد. گله‌ای هم نیست، فراموشی همزاد آدمی است از نخستین لحظه چشم گشودن به دنیا و از یاد بردن آن نخستین گریه تا روزی که نفس کشیدن را فراموش می‌کند، زندگی فراموشی پشت فراموشی‌هاست!

رضا فراهانی

کاش همه‌شان ساعی بودند

۱ المپیک یا بازی‌های آسیایی که شروع می‌شد یک شعبه کوچک آن در خانه ما برپا بود، با کشتی گیران کشتی می‌گرفتیم و با جودوکاران جودو، موقع کاراته و تکواندو پاها را آنقدر که زانو به صورت بچسبد بالا می‌آوردیم و با وزنه‌برداری هربار چیزهای سنگین‌تری را بلند می‌کردیم و با والیبال و بسکتبال و فوتبال کوچه را تبدیل به استادیوم می‌کردیم و دو تیم می‌شدیم و قبل از غروب آفتاب تکلیف قهرمان را مشخص می‌کردیم ...

با دوستانمان در مورد امتیازات بازی‌ها بحث می‌کردیم و از اینکه بارانداز چند امتیاز دارد یا فلان فن در جودو امتیاز وازاری می‌گیرد و ... جدل‌های دائمی داشتیم...

از جدول امتیازات و مدال‌های رد و بدل شده هم چرت و پرت‌های فلسفی استخراج می‌کردیم و تحلیل‌های پرت و پلا ارایه می‌دادیم، از اینکه چینی‌ها و آمریکایی‌ها در همه چیز قوی‌اند و در فوتبال نه نتیجه می‌گرفتیم که برای موفقیت در المپیک باید فوتبال ملی را تعطیل کرد و از اینکه بریتانیا با یک پرچم در المپیک حاضر می‌شود نتیجه می‌گرفتیم که «اتحاد رمز پیروزی است!!» و ...

خلاصه تابستان‌های المپیک و بازی‌های آسیایی برای ما که خوره همه ورزش‌ها بودیم، بهار تغییر تفکرات‌مان در مورد ورزش‌ها و کشورها بود...

من اما بی‌تاب شروع مسابقات کشتی بودم، همیشه دلم می‌خواست کشتی اولین ورزش باشد تا با یک مدال خوش رنگ در همان روزهای اول به جدول مدال‌ها بیاییم اما هیچ وقت چنین نمی‌شد و ...

۲ نوجوانی من مصادف شد با المپیک سیدنی و قهرمانی علیرضا دبیر در آن مسابقات، برای منی که از سال‌ها پیش پیگیر جدال محمد طلایی و دبیر بودم و در دوقطبی آن روزهای ورزش طرف علیرضا دبیر بودم. طلای او بیش از هر طلای المپیکی دیگری به من چسبید، طلایی که به همراه دو طلای وزنه‌برداری و یک برنز هادی ساعی نتیجه نهایی کاروان ایران بود، اما هادی ساعی سال‌ها بعد بازهم درخشید و بعدها دوبار مدال طلا گرفت، پسرک استخوانی که تا قبل از آنکه پایش به عرصه سیاست بلغزد و ردای مردان سیاست را بپوشد و جاه طلبی‌هایش را جای دیگری ادامه دهد برای من اسطوره بی‌بدیلی بود، مرد بی‌نظیر تکواندوی ایران که هیچ کس به نزدیکی‌های افتخاراتش هم نرسید و هر بار با کاروان ایران راهی مسابقاتی می‌شد دلمان بابت یک طلا قرص بود. اما امان از سیاست که چنین اسطوره‌ای را در خود بلعید تا حالا هر بار می‌خواهم به او و المپیک فکر کنم چیزی مانند حائل لذت را کور می‌کند، اما واقعیت همانی است که شرحش رفت، ساعی تکرار نشدنی‌ترین ورزشکار ایران در المپیک است...

حمید رستمی

خانه‌ای در دور دست!

۱ واقعیتش را بخواهید سال‌هاست انگیزه چندانی برای تعقیب مسابقات المپیک ندارم و اساساً بر این باورم که رسالت تاریخی خود را از دهه‌های پیش از دست داده و اینکه هزاران ورزشکار در موعدی معهود از چهار گوشه جهان هر چهار سال یک بار در یک شهر جمع بشوند و همانند روزهای جشنواره ما به صورت فشرده و کپسولی در رشته‌های مختلف به رقابت با هم بپردازند در حالی که اصلاً فرصت کافی برای دیده شدن توسط علاقه‌مندان وجود ندارد و اینکه یک نفر مثل مایکل فیلیپس در یک روز به تنهایی ۷- ۸ مدال طلا بر گردن بیاویزد و در رشته دیگر بیست سی بازیکن بعد از مدت‌ها اردو و تمرین و زحمت و تلاش از دستیابی به یک مدال تیمی هم باز بمانند متر و معیار درستی برای شناختن کیفیت بهتر ورزشکاران نسبت به همدیگر نیست. در حالی که در طول سال در تمام رشته‌های ورزشی مسابقات جهانی با بالاترین کیفیت‌ها در فصول مختلف برگزار می‌شود هم ورزشکاران با فراغ بال برای موفقیت تلاش می‌کنند و هم بینندگان با تماشایشان ارضا می‌شوند. به عنوان مثال مسابقات فوتبال المپیک را با مسابقات جام جهانی و قهرمانی باشگاه‌های اروپا مقایسه کنید تا عیار دستتان بیاید هر چند که شاید خیلی‌ها اذعان کنند که فوتبال المپیک برای زیر ۲۳ ساله‌هاست و البته همان هم دلیلیست بر مدعا که چون تعدادی از کشورهای صاحب فوتبال استقبال چندانی از مسابقات المپیک نکردند و زور خود رادر جام جهانی و جام ملت‌ها خلاصه کردند این بند اضافه شد تا به واسطه آن، هوایی تازه به مسابقات بدمد و تیم‌ها مجبور باشند با بهترین کیفیت برای تربیت نسل‌های جدید هم که شده وارد عرصه بشوند.

۲ اما همین مسابقات نیم بند فوتبال المپیک سال‌هاست تبدیل شده به حسرتی عمیق و در گذر زمان عقده‌ای ناگشوده که انگار پایانی بر ناکامی‌های سریالی ما در دور مقدماتی مسابقات انتخابی متصور نیست و در هر دوره احساس می‌کنیم که این بار با بهره‌گیری از بهترین بازیکنان جوان شاغل در لیگ که از قضا بعدها اکثرشان از ستارگان فوتبال ما هم می‌شوند بالاخره این طلسم می‌شکند که نمی‌شکند که نمی‌شکند و هیچ مربی و مدیر و جادوگری هم باطل‌السحر این افسون شدگی را در جیبش ندارد و هر بار با کوچکترین نسیمی خانه رویایی‌مان ویران می‌شود. مایی که وقتی برای نخستین بار اسم تیم امید را می‌شنیدیم ذهن پرسشگرمان هی به خود فشار می‌آورد که این کدام تیم باشگاهی بوده که تا به حال اسمش را نشنیده‌ایم و این بار قرار است در زمستان برفی تهران میزبان تیم ملی ژاپن باشد که برای سه دیدار دوستانه به تهران آمده و یکی از بازی‌هایش با تیم امید خواهد بود؟ چرا که اسم تمامی باشگاه‌های کشور را از حفظ بودیم و تیم‌های ملی هم بزرگسالان بود و جوانان و نوجوانان اما پیری فرزانه از در درآمد و گفت تیم امید یعنی بازیکنان که نه در تیم جوانان جای دارند به دلیل کبر سن و نه در تیم ملی به دلیل کم تجربه‌گی و سن کم و بعد از آن هم که یک وظیفه پرسنلی برایشان تعریف کردند و مسابقات المپیک شد جولانگاه بازیکنان زیر ۲۳ سال فوتبال کشورها!

۳ از مسابقات مقدماتی المپیک ۱۹۹۲ بارسلون بود که قانون زیر ۲۳ ساله‌ها را وضع کردند و مقرر شد تا برای رقابتی شدن مسابقات آن رده سنی و زیر سایه جام جهانی قرار گرفتن مسابقات فوتبال المپیک، آن را به رده سنی زیر ۲۳ سال اختصاص دهند همان مسابقاتی که در پایان پپ گواردیولای جوان در میانه میدان ماتادورها دلبری می‌کرد و آخر کار جام را بالای سر برد تا نقطه پایانی باشد بر ناکامی‌های تمام نشدنی اسپانیا در جام‌های معتبر هر چند برای موفقیت در جام جهانی و جام ملت‌های اروپا چندین سال صبوری پیشه کردند. مرحله انتخابی مسابقات در آسیا در بالاترین سطح ممکن برگزار شد و در گروه ایران تیم‌های قطر، امارات، پاکستان و یمن حضور داشتند. علیرضا دلیخون دروازه‌بان ثابت تیم بود که بعدها تا یک قدمی استقلال آمد و از ترس رقابت با عابدزاده بزرگ راهش را به سمت تیم تازه تشکیل شده کشاورز کج کرد و نتوانست آن درخشش جوانی را حفظ کند ولی بین بازیکنان خط دفاعی افشین پیروانی و ژورس قازاریان حضور داشتند که سرنوشت کاملاً متفاوتی یافتند و اولی با حضور در پرسپولیس به تیم ملی راه یافت و سال‌های سال در قلب تیم ملی بازی کرد و دومی جوان محجوب ارمنی بود که از آرارات به استقلال پیوست و بعد از یکی دو حضور نصفه‌نیمه برای همیشه به تاریخ پیوست. این در حالی بود که علی پورمند و اسماعیل قویدل هم به تناوب در خط دفاع قرار می‌گرفتند. در دفاع راست آن تیم رضا رضایی منش با بازوبند کاپیتانی بازی می‌کرد که سال‌ها در تیم مرحوم پاس حضوری ثابت داشت و رضا شاهرودی در دفاع چپ زوج ویرانگری با جواد منافی ساخته بود که اگر آن تصادف لعنتی فوتبال را از جواد نمی‌گرفت روزهای بسیار درخشانی انتظارش را می‌کشید.

۴ حتی بدبین‌ترین هواداران فوتبال هم نمی‌توانستند پیش‌بینی کنند که تیم امید در راه کسب سهمیه حضور در مسابقات المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا ناکام شود. تیمی که بازیکنانی چون نیما نکیسا، مهرداد میناوند، علی چینی، علی آذری، کریم باقری، مهدی پاشازاده، داود نظرمحمدی، داریوش یزدانی، اسماعیل حلالی، ادموند بزیک، مهدی مهدوی کیا، احمد مومن‌زاده و...را در ترکیب داشت ولی با باخت به امارات کاخ رویاهایش فرو ریخت همچنانکه در مسابقات انتخابی ۲۰۰۰ سیدنی با حامد کاویانپور، علی کریمی، علی انصاریان، جلال امیدیان، محمد محمدی، جواد نکونام، علیرضا نیکبخت، محسن بیاتی‌نیا، علی سامره، فراز فاطمی، داود سیدعباسی، رسول خطیبی و ... طعم تلخ حذف را چشیدیم تا چهار سال بعد باز هم تیم پرستاره‌مان متشکل از بازیکنانی چون مهدی رحمتی، وحید طالب‌لو، امیرحسین صادقی، جلال کاملی، علی بداوی، حسین کعبی، ایمان مبعلی، جواد کاظمیان، ستار زارع، سیدجلال حسینی، سیدمحمد علوی، سیاوش اکبرپور، محمد نصرتی و...از راهیابی به المپیک باز بمانند و این قصه پرغصه تا امروز ادامه داشته باشد.

نادر نامدار

همان یکی دو مدال؟ سرخورده شدم!

هنوز هم باورم نمی‌شود که یکی مثل حسین رضازاده فقط دو طلا در المپیک‌ها گرفته است! نمی‌دانم چرا همیشه فکر می‌کردم که او حداقل سه تا چهار طلا و یکی، دو نقره و برنز المپیک را در کارنامه دارد. این توهم هنوز هم رهایم نکرده و وقتی ناگهان به خودم می‌آیم و می‌بینم که او در تمام این سال‌ها فقط دو بار موفق شده در المپیک‌ها قهرمان شود، سرخورده می‌شوم! قطعا چهار طلای قهرمانی جهان، دو طلای بازی‌های آسیایی و سه طلای رقابت‌های قهرمانی آسیا باعث شده تا بعضی از آنها را در زمره قهرمانی‌هایش در المپیک بدانم، با برخی اخلاقیات و ویژگی‌های شخصیتی‌اش هم که اصلا نمی‌پسندم کاری ندارم، اما انصافا آیا باز هم برای یکی مثل رضازاده که برای خودش «آبرانسانی» بود، دو طلا کم نیست؟ ناراحت نیستم اما ...

برعکس، برای یکی مثل رسول خادم واقعا ناراحتم که در کارنامه‌اش فقط یک طلا و یک برنز المپیک وجود دارد. عمیقا دوست داشتم او پرافتخارترین ورزشکار ایران در تاریخ المپیک‌ها باشد. البته که او نشان داده، چیزهای دیگری برایش مهم‌تر است و دمش هم گرم، اما ای کاش نام او در بالای جدول پرافتخارترین المپیکی‌های ایران قرار داشت تا کارنامه‌اش همه‌جوره پر و پیمان باشد. هر چند همین حالا هم محبوبیتش قابل مقایسه با امثال رضازاده و هادی ساعی نیست و آن بالابالاها می‌درخشد.

یکی از کسانی که نامش در المپیک‌ها برای ایران می‌درخشد «عسکری محمدیان» است و چقدر عجیب! خیلی‌ها شاید نام او را هم نشنیده باشند؛ در جهان که هیچ، احتمالا خیلی از علاقمندان به کشتی در ایران هم بعید است نام او را به یاد داشته باشند اما همین کشتی‌گیر نسبتا گمنام دو بار به فینال المپیک رسیده و هر دو بار باخته و به مدال نقره بسنده کرده است. عجیب‌بودن ماجرا به خاطر این است که عسکری محمدیان در آسیا هم خیلی عنوان‌دار نبود. او یک بار قهرمان آسیا و یک بار قهرمان بازی‌های آسیایی شده و همین‌حالا می‌توانم حداقل ۲۰ کشتی‌گیر را نام ببرم که در آسیا عناوین خیلی‌خیلی بیشتری کسب کرده‌اند اما در المپیک حتی یک برنز هم نگرفته‌اند! به خاطر همین تناقض‌هاست که همیشه دلم می‌خواست او را بیشتر بشناسم و ببینم ماجرای مدال‌های عجیب و بامزه او در المپیک چه بوده!

اما عجیب‌ترین قهرمان المپیک در ایران، جواد فروغی است. چهارسال پیش در همین روزها بود که او عجیب‌ترین و غیرمنتظره‌ترین قهرمانی المپیک را برای ایران به ارمغان آورد. هیچکس و شاید حتی خودش هم انتظار نداشت در المپیک توکیو مدال بیاورد. کاروان ایران هم معمولا برای گرفتن مدال باید تا روزهای پایانی و شروع رقابت‌های کشتی و وزنه‌برداری صبر می‌کرد اما فروغی در توکیو، ایران را در همان یکی، دو روز اول به مدال طلا رساند. البته که این هم افتخار بزرگی برای اوست اما وقتی چهارسال بعد در رقابت‌های انتخابی المپیک پاریس شصت‌وششم شد و نتوانست راهی مسابقات شود، مشخص شد که آن قهرمانی، بیشتر تحت‌تاثیر شانس و اقبال بود وگرنه چه دلیل وجود دارد که قهرمان یک رقابت، چهارسال بعد حتی نتواند در همان مسابقات انتخاب شود؟

این روزها، مثل هر دوره منتظریم کشتی و وزنه‌برداری شروع شود تا شاید بتوانیم چند مدال در المپیک بگیریم. البته احتمالا به وزنه‌برداری هم خیلی امیدی نیست و شاید کشتی‌فرنگی و آزاد باعث شوند در پاریس بی‌مدال نمانیم و سوال این است که تا کی قرار است همه امیدمان در المپیک همین یکی دو رشته باشد؟